

## فهرست

صفحه	عنوان
۱	چکیده
	فصل اول (مقدمه و بیان موضوع تحقیق)
۲	۱-۱- مقدمه
۳	۱-۲- طرح مسئله (بیان موضوع)
۴	۱-۳- هدف و اهمیت پژوهش
۵	۱-۴- فرضیه‌های پژوهش
۶	۱-۵- متغیرهای پژوهش
	۱- رضایت از زندگی زناشویی
	۲- رضایت
	۳- سازگاری در زندگی زناشویی
	۴- ویژگیهای شخصیت
۶	روان‌آزردگی
۷	برونگری
۷	گشودگی

۸	توافق
۸	با وجدان بودن
	فصل دوم (ادبیات و پیشینه پژوهش)
۱۰	۲-۱- مطالعه و شخصیت انسان
۱۰	۲-۱-۱- تعریف شخصیت
۱۱	۲-۱-۲- کلیاتی درمورد شخصیت
۱۳	۲-۱-۳- جنبه‌های شخصیت
۱۴	۲-۱-۴- روشهای بررسی شخصیت
۱۵	۲-۱-۵- روشهای ریخت‌شناسی
۱۶	۲-۱-۶- نتیجه بررسیهای ریخت‌شناسی
۱۷	۲-۱-۷- الگوهای پویایی
۱۹	۲-۱-۸- روشهای تحلیل عوامل
۱۹	الف - دیدگاههای صفات
۲۱	ب - دیدگاههای تحلیل عوامل
۲۲	۲-۱-۹- پیدایش و تحول الگوی پنج عاملی شخصیت
۲۳	حیطه‌های پنجگانه شخصیت
۲۴	روان‌آزردگی (N)
۲۴	برون‌گرایی (E)
۲۵	انعطاف‌پذیری (O)
۲۷	دلپذیربودن (A)
۲۷	با وجدان بودن (C)
۲۸	عوامل و رویه‌های مورد ارزیابی
	توسط فرم تجدیدنظر شده پرسشنامه شخصیتی NEO

۳۰	مقیاسهای رویه‌ها
۳۱	رویه‌های نورو تیسم (N)
۳۳	رویه‌های برون‌گرایی (E)
۳۵	رویه‌های انعطاف‌پذیری (O)
۳۷	رویه‌های دلپذیر بودن (A)
۳۸	رویه‌های با وجدان بودن (C)
۴۰	۲-۲- رضایت از زناشویی
۴۱	۲-۲-۱- مروری بر پژوهشهای پیشین در زمینه رضایت زناشویی
۴۱	۲-۳- مفهوم سازگاری
۴۳	۲-۳-۱- فرایند سازگاری
۴۳	۲-۳-۲- عوامل مؤثر در سازگاری
۴۴	۲-۳-۳- سازگاری زناشویی
۵۵	۲-۳-۴- سازگاری عمومی
۵۹	۲-۳- ۵- سازگاری زناشویی
۶۱	- نیازها و عوامل خشنودی و سازگاری زناشویی
۶۲	تحول رابطه و صمیمیت
۶۳	خانواده نخست و سازگاری زناشویی
۶۴	وضعیت اقتصادی
۶۴	سلامت جسمانی
۶۴	سلامت هیجانی
۶۵	سن ازدواج
۶۶	جنس
۶۷	ویژگیهای شخصیت

۷۴	شواهد پژوهشی ارتباط
	بین ویژگیهای شخصیت (الگوی پنج عاملی) با سازگاری زناشویی
۷۷	عوامل ناخشنودی و تعارض
	فصل سوم (جامعه و نمونه آماری)
۷۹	۱-۳-۱ روش
۷۹	۲-۳-۲ جامعه و نمونه آماری
۷۹	۳-۳-۳ ابزار و مقیاسهای سنجش
۷۹	۱-۳-۳-۱ پرسشنامه رضایت زناشویی
	اینریچ
۸۲	۱-۱-۳-۳-۱ روایی و اعتبار پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ
۸۳	۲-۳-۳-۲ پرسشنامه سازگاری ازدواج
	هارمونسینگ
۸۴	۳-۳-۳-۳ پرسشنامه پنج عاملی جدید شخصیت
۸۴	۱-۳-۳-۳-۱ اعتبار و روایی پرسشنامه پنج عاملی جدید
	شخصیت
	۴-۳-۴ روش جمع آوری اطلاعات
	۵-۳-۵ روشهای تجزیه و تحلیل
	آماري داده‌ها
۸۶	فصل چهارم (ارائه و تجزیه و تحلیل داده‌ها)
	الف - اطلاعات توصیفی (مردان)
۹۴	۲-۴-۲ ارائه و تجزیه و تحلیل داده‌ها
	اطلاعات توصیفی (زنان)
	۳-۴-۳ ارائه و تجزیه و تحلیل داده‌ها
۱۰۲	ب - اطلاعات مربوط به آزمون فرضیه‌ها (گروه مردان)



(یافته‌های استنباطی)

- ۱۰۳ ۱-۳-۴ یافته‌های مربوط به فرضیه ۱
- ۱۰۳ ۲-۳-۴ یافته‌های مربوط به فرضیه ۲
- ۱۰۴ ۳-۳-۴ یافته‌های مربوط به فرضیه ۳
- ۱۰۴ ۴-۳-۴ یافته‌های مربوط به فرضیه ۴
- ۱۰۴ ۵-۳-۴ یافته‌های مربوط به فرضیه ۵
- ۴-۴-۴ ارائه و تجزیه و تحلیل داده‌ها
- ۱۰۶ اطلاعات مربوط به آزمون فرضیه‌ها (گروه زنان)
- ۱۰۷ ۱-۴-۴ یافته‌ها مربوط به فرضیه‌ها ۶
- ۱۰۷ ۲-۴-۴ یافته‌های مربوط به فرضیه ۷
- ۱۰۷ ۳-۴-۴ یافته‌های مربوط به فرضیه ۸
- ۱۰۷ ۴-۴-۴ یافته‌های مربوط به فرضیه ۹
- ۱۰۸ ۵-۴-۴ یافته‌های مربوط به فرضیه ۱۰
- فصل پنجم (تفسیر نتایج)
- ۱۰۹ ۵-۱- بحث و تفسیر نتایج
- ۱۱۲ ۵-۲- پیشنهادها
- ۱۱۳ ۵-۳- محدودیت‌های پژوهش

پیوستها

منابع فارسی

منابع انگلیسی

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۸۶	جدول شماره ۱-۴-۱ مولفه‌های آماری پنج ویژگی شخصیتی و نمره‌های رضایت و سازگاری زناشویی مردان
۸۷	جدول شماره ۲-۱-۴ فراوانی و درصد ویژگی با وجدان بودن در مردان
۸۸	جدول شماره ۳-۱-۴ فراوانی و درصد ویژگی توافق در مردان
۸۹	جدول شماره ۴-۱-۴ فراوانی و درصد ویژگی گشودگی در مردان
۹۰	جدول شماره ۵-۱-۴ فراوانی و درصد برونگرایی در مردان
۹۱	جدول شماره ۶-۱-۴ فراوانی و درصد ویژگی روان‌آزردگی در مردان
۹۲	جدول شماره ۷-۱-۴

- ۹۳ فراوانی و درصد رضایت زناشویی در مردان  
جدول شماره ۸-۱-۴
- ۹۴ فراوانی و درصد ویژگی سازگاری در مردان  
جدول شماره ۱-۲-۴
- ۹۵ مؤلفه‌های آماری پنج ویژگی شخصیتی و نمره‌های رضایت و سازگاری زناشویی زنان  
جدول شماره ۲-۲-۴
- ۹۶ فراوانی و درصد ویژگی با وجدان بودن در زنان  
جدول شماره ۳-۲-۴
- ۹۷ فراوانی و درصد ویژگی توافق در زنان  
جدول شماره ۴-۲-۴
- ۹۷ فراوانی و درصد ویژگی گشودگی در زنان  
جدول شماره ۵-۲-۴
- ۹۸ فراوانی و درصد ویژگی برونگرایی در زنان  
جدول شماره ۶-۲-۴
- ۱۰۰ فراوانی و درصد ویژگی روان‌آزردگی در زنان  
جدول شماره ۷-۲-۴
- ۱۰۱ فراوانی و درصد ویژگی رضایت زناشویی در زنان  
جدول شماره ۸-۲-۴
- ۱۰۲ فراوانی و درصد ویژگی سازگاری در زنان  
جدول شماره ۱-۳-۴
- ۱۰۶ همبستگی پیرسن بین ویژگی‌های شخصیت و رضایت و سازگاری زناشویی در مردان  
جدول شماره ۱-۴-۴
- همبستگی پیرسن بین ویژگی‌های شخصیت و رضایت و سازگاری زناشویی در زنان

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۸۷	نمودار شماره ۲-۱-۴ فراوانی با وجدان بودن در مردان
۸۸	نمودار شماره ۳-۱-۴ نمودار فراوانی توافق در مردان
۸۹	نمودار شماره ۴-۱-۴ فراوانی گشودگی در مردان
۹۰	نمودار شماره ۵-۱-۴ فراوانی برونگرایی در مردان
۹۱	نمودار شماره ۶-۱-۴ فراوانی ویژگی روان آزردهی در مردان
۹۲	نمودار شماره ۷-۱-۴ فراوانی رضایت زناشویی در مردان
۹۳	نمودار شماره ۸-۱-۴ نمودار فراوانی سازگاری در مردان

- ۹۵ نمودار شماره ۲-۲-۴  
فراوانی با وجدان بودن در زنان
- ۹۶ نمودار شماره ۳-۲-۴  
فراوانی توافق در زنان
- ۹۷ نمودار شماره ۴-۲-۴  
فراوانی ویژگی گشودگی در زنان
- ۹۸ نمودار شماره ۵-۲-۴  
فراوانی ویژگی برونگرایی در زنان
- ۹۹ نمودار شماره ۶-۲-۴  
فراوانی ویژگی روان آزردهی در زنان
- ۱۰۰ نمودار شماره ۷-۲-۴  
فراوانی رضایت زناشویی در زنان
- ۱۰۱ نمودار شماره ۸-۲-۴  
فراوانی سازگاری در زنان

## چکیده

به منظور بررسی رابطه بین ویژگیهای شخصیت با رضایت و سازگاری زناشویی ۱۱۰ نفر از دانشجویان مقطع دکترا و کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات (۵۵ نفر مرد و ۵۵ نفر زن) با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. در این مطالعه از سه مقیاس رضایت زناشویی اینریچ، پرسشنامه سازگاری هارمون سینگ و پرسشنامه پنج عاملی جدید شخصیت مک‌گری و کاستا استفاده شد.

برای بررسی روابط بین پنج ویژگی شخصیتی با وجدان بودن، توافق، گشودگی در برابر تجربه، برون‌گرایی و روان‌آزردگی با رضایت و سازگاری زناشویی از ضریب همبستگی پیرسن استفاده شده است.

نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر بین پنج ویژگی شخصیت با وجدان بودن، توافق، گشودگی، برون‌گرایی و روان‌آزردگی در مردان با رضایت و سازگاری زناشویی در سطح ( $p < 0/01$ ) رابطه معناداری را نشان داد که در چهار ویژگی اول این رابطه مثبت و در ویژگی آخر این رابطه منفی بود.

در گروه زنان بین ویژگی با وجدان بودن با رضایت و سازگاری زناشویی رابطه منفی وضعیفی بدست آمد. ( $P < 0/01$ )

بین ویژگی با وجدان بودن و سازگاری زناشویی رابطه مثبت وضعیفی موجود است. بین ویژگی توافق با رضایت و سازگاری زناشویی در سطح ( $P < 0/01$ ) رابطه منفی وضعیفی بدست آمد.

بین ویژگی گشودگی با رضایت و سازگاری زناشویی نیز در سطح ( $P < 0/01$ ) رابطه منفی وضعیفی و معناداری مشاهده شد.

بین ویژگی برون‌گرایی با رضایت زناشویی رابطه مثبت وضعیفی و معنادار بدست آمد.

بین برون‌گرایی با سازگاری زناشویی رابطه معناداری بدست نیامد. بین روان‌آزردگی با رضایت و سازگاری زناشویی رابطه معناداری مشاهده نشد.

# فصل اول

مقدمه و بیان موضوع تحقیق

در بین نهادهای مختلف اجتماع، کانون مقدس خانواده نقش و اهمیت خاص و بسزایی دارد. خانواده محل ارضاء نیازهای مختلف جسمانی، عقلانی و عاطفی شناخته شده است و حفظ و سلامت روابط و روند و اهداف آن تأمین کننده سلامت جامعه است. به همین دلیل در تمام اعصار از توجه خاص اکثر تخصصهای مرتبط با بهزیستی آدمی و جامعه برخوردار بوده است.

همه مذاهب، به گونه‌های متفاوت اهمیت خانواده و چگونگی تشکیل این کانون و رفتار و وظایف هر یک از اعضاء آن را مشخص کرده‌اند.

متخصصان علوم اجتماعی، مخصوصاً جامعه‌شناسان و روانشناسان نیز، در مطالعات خود، با بکارگیری فنون علمی به بررسی پدیده‌های مختلف مرتبط با این نهاد مقدس اعم از مراحل متفاوت آن مانند انتخاب همسر، مراسم ازدواج، کنش‌ها و واکنش‌های فردی اعضاء، نقش و وظایف تأثیر فرهنگ اجتماعی و سنت‌ها بر ایفای نقش، وظایف و ارتباط متقابل افراد و در نهایت خانواده و سایر نهادهای اجتماعی پرداخته‌اند. ازدواج به عنوان گام رسمی و مهم برای تشکیل خانواده، صرفنظر از آداب و رسوم مختلف حاکم بر جوامع، در همه اعصار از محبوبیت بلکه تقدس خاصی برخوردار بوده است و به عنوان یک پدیده چند بعدی، زیستی - روانی - اجتماعی و مذهبی بدان نگریسته شده است.

ازدواج امری فطری است که به غیر از بعد جسمانی و ارضای غرائز، بعد روانی هم دارد که موجب آرامش خاطر و آسودگی می‌گردد، از طرفی میل به بقاء و ادامه نسل با این سنت صورت می‌گیرد. ازدواج نوعی قرارداد اجتماعی است، و می‌توان آنرا یکی از مهمترین روابط بین انسانها دانست. عوامل بسیاری در استحکام این رابطه نقش دارند.

این رابطه شامل دو قطب می‌باشد و علاوه بر این دو قطب، جوی که آن را احاطه می‌کند نیز می‌تواند به این حلقه ارتباطی تأثیر گذار باشد.

عوامل متعددی مانند سلامت جسمانی، روانی، هیجانی، خواسته‌ها و اهداف، استرسها، جنس، سن ازدواج و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ازدواج تأثیر بسزایی دارند.



به علاوه تحقیقات نشان می‌دهند که ویژگیهای فردی و شخصیتی و زوجی مانند ارتباط مؤثر، شباهت نگرش‌ها و حرمت نفس بالا در یک رابطه زناشویی رضایتمند بسیار مؤثر هستند. (دیویز<sup>۱</sup> و اکانر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱)

قدر مسلم آنکه نمی‌توان به این ویژگی‌های مؤثر بر رضایت و سازگاری زناشویی به طور ایستا نگریست. (دیویز و اکانر، ۲۰۰۱)

آدمی در همین کانون مقدس پا به عرصه وجود می‌گذارد، در اثر طی مراحل اولیه تحول با هشیار شدن به تمایز خود از دیگران، نوع رابطه متقابل خود با آنان به ویژه با مادر و سایر عوامل، پایه‌های شخصیت خود را شکل می‌دهد. (مای‌لی<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵)

براساس نظریه تحولی اریکسون (۱۹۸۲) ازدواج در راستای نیاز مرحله ششم رشد شخصیت فرد یعنی، مردم آمیزی یا نیاز به صمیمیت، در برابر مردم‌گریزی یا انزوا مطرح می‌شود. ارضای صحیح این نیاز تا حد زیادی مرهون طی مراحل قبل به ویژه مرحله نوجوانی و کسب هویت است. همسو با این نظریه، سایرین نیز برای موفقیت ازدواج در مراحل بعد، حداقل حصول و تحقق آمادگی فرد در سه زمینه آمادگی زیستی، روانشناختی و اجتماعی را لازم می‌دانند که منوط به طی موفقیت آمیز مراحل قبل به ویژه مرحله نوجوانی است.

بنابراین روابط زوجها از الگویی تبعیت می‌کند، که تنها حاصل موقعیت کنونی نیست بلکه از تحول و فرایند شکل‌گیری شخصیت ناشی می‌شود که آغاز آن به پیش از تولد برمی‌گردد. (مای‌لی، ۱۹۸۵)

نظریه‌های متعدد درباره سازگاری، ارتباط آن را با شخصیت مشخص نموده برای نمونه در نظریه میزان سازگاری بالا و پایین، فرض بر این است که یک تمایل کلی نشأت گرفته از ویژگیهای پایدار شخصیت برای تجربه زندگی، در یک حالت مثبت یا منفی وجود دارد و درنتایج مطالعات مختلف که با استفاده از مقیاس‌های گوناگون انجام، شواهد حمایت‌کننده مناسبی برای این الگو فراهم گشته است. (وینهاون<sup>۴</sup> و راجرز<sup>۵</sup>، ۱۹۷۶) معتقد بودند که هر فردی دارای یک سطح بهنجار تعادل سازگاری و آرامش روانی است. این سطح تعادل به وسیله ویژگیهای شخصیتی، قابل پیش‌بینی است. (هدی<sup>۶</sup> و ویرینگ<sup>۷</sup>، ۱۹۸۹)

- 
- 1- Davis
  - 2- O'coner
  - 3- Mailieu
  - 4- Winhoven
  - 5- Rogers
  - 6- Hoddy
  - 7- Viring

## ۱-۲- طرح مسئله (بیان موضوع)

در جامعه زوجهایی را می‌توان دید که از نظر شرایط زندگی مشابهند ولی تفاوت زیادی در میزان رضایت و سازگاری آنان از زناشویی به چشم می‌خورد. در اطراف خود هنگامی که به صحبت‌های زوجهایی که از زندگی خود گله و شکایت دارند، گوش می‌دهیم، متوجه می‌شویم زوجهای دیگری با همین شرایط و حتی وخیمتر، نارضایتی کمتری ابراز می‌کنند.

در این مواقع، سؤالاتی از این قبیل در ذهن انسان شکل می‌گیرد:

چه عواملی منشأ این نارضایتی‌ها است؟

چرا افراد توقعات گوناگونی از شرایط یکسان دارند؟

آیا تفاوت‌های فردی در این انتظارهای متفاوت دخالت دارند؟

آیا ویژگی‌های شخصیتی افراد در ایجاد نارضایتیها و ناسازگاریها دخالت دارند؟

چه تحولاتی را می‌توان در افراد بوجود آورد تا با شرایط کنونی سریعتر سازگاری پیدا کنند و از زندگی زناشویی حداکثر رضایت را بدست آورند؟

عوامل عدیده و متفاوتی در میزان رضایت و سازگاری زناشویی نقش دارند، از عوامل فردی گرفته تا عوامل زوجی و موقعیتی. رابطه متقابل عوامل متفاوتی مانند سن، تحصیلات، سابقه ازدواج‌های گذشته، کیفیت رابطه زوجها در خانواده اصلی خود، سبکهای دلبستگی، منبع کنترل، شیوه‌های برقراری ارتباط، عزت نفس، اهداف شخصی، انتظارات، کمال طلبی، همچنین متغیرهای دیگری مانند طبقه اقتصادی، فرهنگ و اعتقادات مذهبی و ... با رضایت‌مندی و سازگاری زناشویی نقش بسزایی دارند و همواره موضوع مطالعه محققان بوده است. (دیویز<sup>۱</sup> و اکانر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱)

در این پژوهش رابطه ویژگیهای شخصیتی افراد با میزان رضایت و سازگاری زناشویی آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

---

1- Davis

2- O'ccouner

### ۱-۳- هدف و اهمیت پژوهش

هدف کلی تحقیق حاضر، شناخت آن دسته از ویژگیهای شخصیتی است که با رضایت و سازگاری زندگی زناشویی رابطه دارند.

بازشناسی مسائل کاذب و توهم‌های معمول دربارهٔ ایجاد رضایت در زندگی زناشویی در جامعه ما کاملاً محسوس است.

در چند سال اخیر نرخ طلاق در جهان و نیز در کشور ما بالا بوده است، البته در مورد طلاق و علل آن بررسی‌های زیادی انجام شده است اما از جنبه مثبت آن یعنی پیشگیری از پیدایش جدایی و طلاق پژوهش‌های علمی کمتری به چشم می‌خورد.

چنانچه از رسانه‌های غربی برمی‌آید این ضرورت احساس شده و اخیراً بخشی از مطالب را راجع به رضایت و خوشبختی خانواده‌ها اختصاص داده‌اند.

اگر بتوان رمز موفقیت در زندگی زناشویی را بدست آورد در حقیقت رمز چگونگی ایجاد افرادی سالم و در نتیجه جامعه‌ای سالم را گشوده‌ایم. در ضمن از این طریق می‌توان برای افرادی که هنوز ازدواج نکرده‌اند، پیشنهادهایی جهت اقدامات قبل از ازدواج ارائه داد.

به علاوه نتایج تحقیقات نشان داده است که سازگاری زناشویی مثبت با ویژگیهای فردی و زوجی مانند ارتباط مؤثر، شباهت بازخوردها و حرمت به خود بالا همبستگی دارد (مارکویسکی<sup>۱</sup> و گرین وود<sup>۲</sup>، ۱۹۸۴). بدیهی است که افزایش بینش دربارهٔ این تأثیرات بر سازگاری زناشویی برای مداخله‌های خدماتی که در مشاوره قبل از ازدواج و درمانگری زناشویی و خانواده برای افراد و زوجها برنامه‌ریزی و فراهم می‌شود، همواره مفید و مؤثر خواهد بود.

---

1- Markouisky

2- Green wood

#### ۴-۱- فرضیه‌های پژوهش :

- ۱- بین با وجدان بودن و سازگاری و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد.
- ۲- بین عامل توافق و سازگاری و رضایت از زناشویی در مردان رابطه مثبت وجود دارد.
- ۳- بین گشودگی و سازگاری و رضایت زناشویی در مردان رابطه مثبت وجود دارد.
- ۴- بین برونگردی و سازگاری و رضایت از زناشویی رابطه مثبت وجود دارد.
- ۵- بین روان آزرده‌گی و سازگاری و رضایت از زناشویی در مردان رابطه منفی وجود دارد.
- ۶- بین با وجدان بودن و سازگاری و رضایت زناشویی در زنان رابطه مثبت وجود دارد.
- ۷- بین عامل توافق و سازگاری و رضایت از زناشویی در زنان رابطه مثبت وجود دارد.
- ۸- بین گشودگی و سازگاری و رضایت از زناشویی در زنان رابطه مثبت وجود دارد.
- ۹- بین برونگردی و سازگاری و رضایت از زناشویی در زنان رابطه مثبت وجود دارد.
- ۱۰- بین روان آزرده‌گی و سازگاری و رضایت از زناشویی در زنان رابطه منفی وجود دارد.

#### ۵-۱- متغیرهای پژوهش

##### ۱- رضایت از زندگی زناشویی

رضایت از زندگی زناشویی برای یک زوج احساس خوشایندی، لذت و رضایتمندی تجربه شده است هنگامی که تمامی جنبه‌های زناشویی خود را مورد توجه قرار می‌دهند. (اولسون<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸، ص ۱۷۱ - ۱۷۰)

##### ۲- رضایت :

حالتی هیجانی که با رسیدن به یک هدف پدید می‌آید. (پورافکاری، ۱۳۷۲)

##### ۳- سازگاری در زندگی زناشویی

انطباق متوالی با تغییرات و ایجاد ارتباط بین خود و محیط است به نحوی که حداکثر خویشتن‌سازی را همراه با رفاه اجتماعی، ضمن رعایت حقایق خارجی امکان‌پذیر می‌سازد.

«سازگاری به معنی هم‌رنگی با جماعت نیست. سازگاری یعنی این حقیقت که فرد باید هدفهای خود را با توجه به چهارچوبهای اجتماعی، فرهنگی تعقیب نماید.

#### ۴- ویژگیهای شخصیت :

در الگوی پنج عاملی شخصیت فرض براین است که شخصیت بهنجار یک مفهوم چند بعدی است و به وسیله پرسشنامه شصت سؤالی مک‌گری<sup>۱</sup> و کاستا<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) قابل سنجش است که عبارتند از :

روان‌آزردگی - برونگردی - گشودگی در برابر تجربه - توافق - با وجدان بودن

#### روان‌آزردگی:

بعدی است که اساس آن را تجربه هیجانانامطلوب و مزمن تشکیل می‌دهد، روان‌آزردگی، اضطراب، ناپایداری و مستعد تنیدگی بودن، نایمنی شخصی و افسردگی یا نارسایی در سازگاری روان‌شناختی و پایداری هیجانی، شش جنبه اضطراب، خصومت، افسردگی، خودهشیاری، آسیب‌پذیری و آمادگی برای برانگیختگی را شامل می‌شود. (کاستا و مک‌گری، ۱۹۹۲). در پرسشنامه پنج عاملی شخصیت مک‌گری و کاستا نمره ۲۴ تا ۷۲ نشان دهنده اضطراب خیلی پایین، ۷۳ تا ۸۶ پایین، ۸۷ تا ۹۸ متوسط، ۹۹ تا ۱۱۲ بالا و ۱۱۳ تا ۱۶۹ خیلی بالا است.

#### برونگردی :

این عامل دربرگیرنده گستره وسیعی است که با سایر عوامل نیز ارتباط دارد؛ میزان انرژی فعال، برانگیخته بودن<sup>۳</sup>، اجتماع‌پذیری، گرایش پایدار به سوی اجتماع<sup>۴</sup>، متمایل به بیرون و جمع دوست<sup>۵</sup>، لذت‌گرایی<sup>۶</sup>، درون‌بینی<sup>۷</sup>، خود دلمشغولی<sup>۸</sup> کمتر، متهور بودن<sup>۹</sup>، سلطه‌جو<sup>۱۰</sup>، جاه طلب<sup>۱۱</sup>

---

1- Mc Gray

2- Costa

3- impulsive

4- Socially oriented

5- Gregarious

6- Dy spheric

7- introspective

8- Self - preoccupied

9- Surgent

10- Dominant

11- Ambitious

و فعال بودن (ماجراجو<sup>۱</sup> و ابراز وجود کردن<sup>۲</sup>، تجربه هیجانانگیز<sup>۳</sup> مثبت فرد، داشتن دوستان نزدیک<sup>۴</sup> و صمیمی بیشتر را می‌سنجد (واتسن<sup>۵</sup> و کلارک<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷). نمره ۳۷ تا ۸۹ نشان دهنده اضطراب خیلی پایین، ۹۰ تا ۱۰۰ پایین، ۱۰۱ تا ۱۰۹ متوسط، ۱۱۰ تا ۱۲۰ بالا و ۱۲۱ تا ۱۶۸ خیلی بالا است.

### گشودگی :

این عامل بامیزان برخورداری از گشودگی در برابر تجربه، تصور پردازی<sup>۷</sup>، کنجکاوی و بازخوردهای آزادمنشانه، خردورزی<sup>۸</sup> (جنبه‌های فلسفی و عقلانی)، عدم تأکید بر آداب و رسوم<sup>۹</sup>، بی‌تکلفی (تخیلی، خودمختار بودن<sup>۱۰</sup> و ناهمنوایی<sup>۱۱</sup>) مشخص می‌شود؛ گشودگی، خلاقیت و جهت‌یابی عقلانی در افراد دارای نمره بالا در این عامل می‌تواند ابزاری برای موفقیت در بسیاری از زمینه‌های زندگی فردی و اجتماعی باشد. نمره ۵۲ تا ۹۶ نشان دهنده گشودگی خیلی پایین، ۹۷ تا ۱۰۳ پایین، ۱۰۵ تا ۱۱۲ متوسط، ۱۱۳ تا ۱۲۱ بالا و ۱۲۲ تا ۱۷۱ خیلی بالا است.

### توافق :

میزان اعتماد، همدردی، روحیه همکاری (اعتماد به دیگران و دلسوز بودن) دوست داشتنی (خوش طینت، بشاش و نجیب بودن) و اطمینان بین فردی را می‌سنجد. افراد با نمره بالا در توافق، دارای روحیه همکاری (اعتماد به دیگران و دلسوز بودن) دوست داشتنی (خوش طینت، بشاش و نجیب) هستند؛ آنها در زمینه‌های مختلف، به ویژه در اموری که نیاز به تلاش گروهی باشد، موفقیت بیشتری دارند. نمره ۵۶ تا ۱۰۷

- 
- 1- Adventurousome
  - 2- Assertive
  - 3- Emotions
  - 4- Close friends
  - 5- Clark, L. A.
  - 6- Watson. D.
  - 7- imaginative
  - 8- intellectance
  - 9- Uncontentionality
  - 10- Autonomous
  - 11- Nonconforming



نشان دهنده توافق خیلی پایین، ۱۰۸ تا ۱۱۶ پایین، ۱۱۷ تا ۱۲۵ متوسط، ۱۲۶ تا ۱۳۵ بالا و ۱۳۶ تا ۱۹۶ خیلی بالا است.

#### با وجدان بودن :

احساس شایستگی، احساس وظیفه، نیاز به پیشرفت و سازماندهی را شامل میشود (مک‌گری ۱۹۹۱). با وجدان بودن در سه جنبه مرتبط جهت‌یابی پیشرفت<sup>۱</sup> (سخت‌کوش<sup>۲</sup> و با پشتکار بودن<sup>۳</sup>)، وابستگی‌پذیری<sup>۴</sup> (مسئول<sup>۵</sup> و مراقب<sup>۶</sup>)، منظم<sup>۷</sup> و مرتب بودن (با برنامه<sup>۸</sup> و سازمان‌یافته<sup>۹</sup>) قابل تشخیص است؛ از این رو، با وجدان بودن با درجه خودمهارگری<sup>۱۰</sup> فرد همچنین نظم و پشتکار ارتباط دارد (کاستاو، مک‌گری و دای، ۱۹۹۱). در پرسشنامه پنج‌عاملی شخصیت مک‌گری و کاستانو، نمره ۳۹ تا ۱۰۲ نشان دهنده با وجدان بودن خیلی پایین، ۱۰۳ تا ۱۱۶ پایین، ۱۱۷ تا ۱۲۵ متوسط، ۱۲۶ تا ۱۳۵ بالا و از ۱۳۶ تا ۱۶۹ خیلی بالا است.

---

1- Achievement orientation

2- Hardworking

3- Persistent

4- Dependability

5- Responsible

6- Planful

7- Orderliness

8- Planful

9- Organised

10- Self - control

## فصل دوم

ادبیات و پیشینه پژوهش



## ۲-۱ مطالعه شخصیت انسان

هدف اصلی روان‌شناسان، همواره شناخت ویژگی‌های عام انسانی بوده است. اما مردم نه تنها شبیه به یکدیگر نیستند، بلکه در تمام وجوه قابل درک متفاوتند. این تفاوت حتی در عادات، سبک و شیوه کارکردهای جسمی، مانده راه رفتن و صحبت کردن دیده میشود. افکارشان، واکنشهای هیجانی نسبت به رویدادها و غالباً رفتارشان در موقعیتهای یکسان نیز متفاوت است. روانشناسی شخصیت هم به ویژگیهای همگانی موجودات انسانی و هم به تفاوتهای میان آنان می‌پردازد توجه به تفاوتهای فردی هسته مرکزی روانشناسی شخصیت است.

چنین تفاوتهایی همیشه بارزند. (بنی جمالی، ۱۳۶۹، ص ۸۹)

### ۲-۱-۱- تعریف شخصیت

به علت وسعت دامنه شخصیت، تعاریف مختصری که از این مفهوم موجود است الزاماً جنبه انتزاعی دارد و نمی‌تواند غنای آنرا آشکار سازد زیرا حوزه محتوایی آن وسیع و دارای جنبه‌های متنوع است. با این وجود بسیاری کوشیده‌اند تا تعریف مختصری از شخصیت ارائه دهند.

لغت شخصیت که در زبان لاتین «پرسونالیت»<sup>۱</sup> و در زبان انکلوپدیکسون «پرسونالیتی»<sup>۲</sup> خوانده می‌شود و ریشه آن «پرسونا»<sup>۳</sup> می‌باشد.

این کلمه به نقاب یا ماسکی گفته میشود که بازیگران تأثر در یونان قدیم به صورت خود می‌زدند. به مرور معنای آن گسترده‌تر شد و نقشی را که بازیگر اجرا می‌کرد نیز در بر گرفت. بنابراین، مفهوم اصلی و اولیه شخصیت تصویری صوری و اجتماعی است و براساس نقشی که فرد در جامعه بازی می‌کند ترسیم می‌شود.

(شاملو ۱۳۶۸، ص ۱۱) و یا به اعتقادی دیگر، موضوع شخصیت به بیانی بسیار ساده، همان انسان واقعی است با همان وضعی که در خیابان یا سرکار یا به هنگام فراغت دارد. (مای‌لی<sup>۴</sup>، نقل از منصور ۱۳۶۹، ص ۱) و به

---

1- Personalite

2- Personality

3- Persona

4- Maylee

به گفته‌ای دیگر شخصیت الگوهای رفتاری و شیوه‌های تفکر معینی است که نحوه سازگاری فرد را با محیط تعیین می‌کند. (هلیگارد<sup>۱</sup> نقل از شاملو ۱۳۶۹، ص ۱۲۹)

البته تمام معانی شخصیت را نمی‌توان در یک نظریه خاص یافت بلکه در حقیقت، بستگی به نظریه هر دانشمند دارد. برای مثال:

کارل راجرز<sup>۲</sup> می‌گوید: شخصیت یک خویشتن سازمان یافته دائمی است که محور تمام تجربه‌های وجودی ماست. (شاملو ۱۳۶۸ ص ۱۲)

آلپورت<sup>۳</sup> در تعریف خود از شخصیت می‌گوید: شخصیت سازمان با تحرک (زنده) دستگاه بدنی و روانی فرد آدمی است که چگونگی و سازگاری اختصاصی آن فرد را با محیط تعیین می‌کند. (سیاسی ۱۳۷۱ ص ۸۵)

به اعتقاد سالیوان<sup>۴</sup> شخصیت مفهومی فرضی است و نمی‌تواند به تنهایی یعنی خارج از آنچه بین افراد می‌گذرد در نظر بیاید، رفتار بین اشخاص تنها چیزی است که ممکن است به عنوان شخصیت مورد ملاحظه واقع شود. (همان منبع ص ۲۰۴)

اریک فروم<sup>۵</sup> معتقد است شخصیت مجموع کیفیتهای موروثی و اکتسابی است که خصوصیت فرد بوده و او را منحصر بفرد می‌کند. (تبریزی ۱۳۶۰ ص ۶۶)

## ۲ - ۱ - ۲ - کلیاتی در مورد شخصیت :

هر انسان آمیزه‌ای از سه ویژگی، ویژگی‌های نوعی، ویژگیهای فرهنگی و ویژگیهای فردی را در خود دارد و مجموعاً کلیت منحصر به فردی را تشکیل می‌دهد که مورد توجه و امعان نظر روانشناسی شخصیت است. کلیت و پیچیدگی مفهوم آن موجب گردیده است که لفظ «شخصیت به شیوه‌های مختلفی تعریف شود.

---

1- Hillgard

2-Carl Rogers

3- Allport

4- Sullivan

5- Erich Fromm

آلپورت<sup>۱</sup> (۱۹۴۹) در این باره به جمع‌آوری و ذکر پنجاه تعریف متفاوت پرداخته است (منصور، ۱۳۶۹) که طبعاً این تفاوتها مربوط به اصل موضوع شخصیت نبوده بلکه مربوط به مفهومی است که از آن ساخته‌اند. برخی به جنبه‌های بیوشیمیایی و فیزیولوژیکی شخصیت، برخی به عکس‌العملهای رفتاری و رفتارهای مشهود، برخی به فرایندهای ناهشیار رفتار آدمی و برخی به ارتباطهای متقابل افراد با یکدیگر و نقشهایی که در جامعه بازی می‌کنند توجه نموده و شخصیت را بر همان مبنا تعریف نموده‌اند. بنابراین دامنه تعاریف از فرایندهای درونی ارگانسیم تا رفتارهای مشهود ناشی از تعامل افراد، در نوسان است (پروین<sup>۲</sup>، ۱۹۸۵). اما شخصیت در مفهوم کلی خود باید شامل:

- هم قواعد مربوط به کنشهای منحصر بفرد افراد و هم قواعد مشترک بین افراد.

- هم جنبه‌های پایدارتر و تغییر ناپذیرتر کنش انسان و هم جنبه‌های ناپایدارتر و تغییر پذیرتر کنش انسان.

- جنبه‌های شناختی (فرآیندهای تفکر) و جنبه‌های عاطفی (هیجانات) و جنبه‌های رفتاری فرد باشد و همین امر موجب میشود که ارائه تعریف جامعی که مورد توافق همه اندیشمندان در زمینه روانشناسی شخصیت باشد غیرممکن گردد.

در زیر به چند مورد از تعاریف شخصیت که رویکرد متفاوتی با یکدیگر دارند، اشاره می‌شود.

در لغت‌نامه وارن<sup>۳</sup> تعریف شخصیت چنین آمده است.

- «شخصیت به جنبه‌های عقلی، عاطفی، انگیزشی، فیزیولوژیکی یک فرد گفته می‌شود، به عبارت دیگر به مجموعه مؤلفه‌هایی که انسان را سرپا نگه می‌دارد گفته می‌شود.» (منصور، ۱۳۶۹)

در این تعریف مجموعه عوامل در کنار هم قرار داده شده است اما اشاره‌ای به یکپارچگی این عوامل و پویایی آنها نشده است.

آلپورت در زمینه شخصیت، سازمان‌یابی نظامات بدنی و روانی را بعنوان ویژگیهای رفتاری و فکری در فرد شخصیت می‌نامد. (به نقل از جوادی، ۱۳۷۴)

---

1- Allport

2- Parvin

3- Warren

در این تعریف به یک عامل مهم یعنی سازمان‌یابی عوامل تشکیل دهنده شخصیت اشاره شده اما جنبه‌های رفتاری و فکری انسان از هم متمایز گردیده است در حالیکه این امر مغایر با مفهوم رفتار از نظر روانشناسی است.

شلدون<sup>۱</sup> پویا بودن شخصیت را در تعریف خود مطرح نموده آنرا چنین عنوان می‌کند:

- «شخصیت سازمان یافتگی پویایی جنبه‌های عقلی، عاطفی، انگیزشی و فیزیولوژیکی فرد را گویند». (کریمی، ۱۳۷۴)

پیرون<sup>۲</sup> وحدت یافتگی را همراه یا جنبه‌های متمایز در تعریف خود برجسته می‌نماید. بدین صورت که، «شخصیت به وحدت یافتگی تام و تمام یک فرد همراه با ویژگی‌های افتراقی دایم مثل هوش و مزاج و رفتار گویند. (کریمی، ۱۳۷۴).

کتل<sup>۳</sup> جنبه کاربردی شخصیت را در تعریف خود عنوان می‌کند و آنرا چنین تعریف می‌کند.

- «شخصیت چیزی است که به ما اجازه می‌دهد پیش‌بینی کنیم که شخص در یک موقعیت معین چه خواهد کرد، یعنی چه عملی از او ناشی خواهد شد». (جوادی، ۱۳۷۴).

هیلگارد<sup>۴</sup> در تعریف خود از کلیت شخصیت فاصله گرفته و نوعی برگشت به قوای ذهنی را در تعریف خود نشان داده است و آنرا چنین تعریف می‌نماید.

- «شخصیت الگوهای معینی از رفتار و شیوه‌های تفکر است که نحوه سازگاری شخص را با محیط تعیین می‌کند. (جوادی، ۱۳۷۴)

### ۳- ۱- ۲- جنبه‌های شخصیت:

در مفهوم علمی نیز وقتی مفهوم شخصیت به معنای وسیع مورد نظر باشد طبعاً مفاهیم خوی، مزاج و استعداد را که مبین سه جنبه‌ی خاص هستند دربر می‌گیرد.

قسمت مزاج در حکم مطمئن‌ترین و ریشه‌دارترین زمینه‌های فطری است. در حالی که در مورد استعدادها

---

1- Sheldon, W

2- Pieron, H

3- Cattell, R.B

4- Hilgard, E.R

باید جایی برای تأثیر و نفوذ رویدادها یا به عبارت دیگر یادگیری قائل شد. (منصور، ۱۳۶۹)

#### ۴-۱-۲ - روش‌های بررسی شخصیت :

شخصیت مفهومی کلی و پیچیده است و طبعاً ارزیابی آن نیز کاری است دشوار، از اینرو پژوهشگران با هدفهای مشخص روشهای گوناگونی را برای رسیدن به این هدف اتخاذ نموده‌اند. منجمله می‌توان سه رویکرد عمده در تحقیقات شخصیت را مورد توجه قرار داد که عبارتند از :

روش مشاهده طبیعی و تحقیق بالینی، آزمونهای شخصیت و پرسشنامه‌ها، و روشهای تجربی و تحقیقات آزمایشگاهی.

مشاهده طبیعی و تحقیق بالینی یکی نبوده و ضرورتاً از یکدیگر تبعیت نمی‌کنند اما هر دو بیانگر سنتی در تحقیق‌اند که نظارت از نوع تحقیق آزمایشی را به حداقل و تلاش برای مطالعه پدیده‌ها به طور طبیعی را به حداکثر می‌رسانند (پروین، ۱۹۸۵، جلد اول، صفحه ۳۹)

مطالعات موردی و ژرفانگری که حاصل تلاش روانشناسان بالینی در کار با بیماران است در تکوین برخی از نظریه‌های عمده شخصیت نقش اساسی داشته است. ضمن رشد نظریه‌ها تلاش شده است فرضیه‌هایی تنظیم شود که با آزمونهای شخصیت و پرسشنامه‌ها و یا با استفاده از ابزارهای آزمایشی قابل آزمایش باشد. رویکرد آزمایشی در تحقیق مستلزم تلاش در جهت مهار کردن متغیرهای مورد نظر، دستکاری بعضی از متغیرها و مشاهده نتایج آن بر متغیرهای دیگر و برقراری روابط علی می‌باشد.

تحقیق بالینی و آزمایشی در بسیاری از موارد در تقابل آشکار با یکدیگرند. محقق بالینی تلاش می‌کند مطالعات خود را تا حد ممکن به زندگی نزدیک تر کند، منتظر بروز رویدادها باشد و مطالعات خود را بر موارد معدودی متمرکز نماید. تحقیق آزمایشگاهی در آزمایشگاه، مستلزم نظارت مستمر بر متغیرها، مطالعه آزمودنیهای بسیار و توجه محقق به تأثیرپذیری گروهی از آزمودنیها به عنوان یک کل است. در تحقیق همبستگی، محقق علاقه‌مند است بین دو یا چند متغیر رابطه‌ای به دست آورد که به سهولت قابل دستکاری و نظارت آزمایشی نیست. معمولاً روانشناسی که به دنبال تحقیق همبستگی است به تفاوت‌های فردی نیز علاقه‌مند است. (پروین، ۱۹۸۵، صفحه ۳۹)

گرچه در اغلب این روشها شخصیت با توجه به وحدت و جامعیت آن مورد نظر است. اما هیچیک از این روشها بدلیل مشکلاتی که در ماهیت خود دارند نمی‌توانند تضاد موجود بین جامعیت و عینیت و تجربی

بودن مفهوم شخصیت را حل نمایند.

آزمونهای فرافکن که بعنوان ابزاری به منظور ارزیابی تمامی شخصیت بکار میروند خود متکی بر فرضیه‌هایی در مورد شخصیت هستند که مورد قبول و توافق همگانی نمی‌باشد. حتی پرسشنامه‌هایی که مدعی ارزیابی جنبه‌ای از شخصیت هستند به لحاظ فقدان توصیف روشنی از جنبه مورد نظر مورد قبول تمام محققین نمی‌باشد.

از مجموعه روشهای بررسی شخصیت روشهایی که بیشتر ارزیابی ساخت شخصیت را در هدف خود دارند سه الگوی ریخت‌شناسی، بررسی تحولی فرآیندهای روانی یا الگوهای پویایی و الگوهای عاملی می‌باشند.

### ۵- ۱- ۲- روشهای ریخت‌شناسی

بقراط: شاید ریخت‌شناسی سقراط از قدیمترین روش برای ارزیابی ساخت شخصیت باشد.

عقاید او می‌تواند اولین تلاش در زمینه تحلیل عوامل در شخصیت نیز باشد. او عقیده داشت که میان جسم آدمی و جهان خارج ارتباطاتی برقرار است و عناصر چهارگانه آب، باد، خاک و آتش در بدن خواص و آثاری دارند. بدین معنی که خاصیت آتش گرمی، خاصیت باد سردی، خاصیت خاک خشکی و خاصیت آب‌تری است، خون افراد بهنجار، هر چهار عنصر را به مقدار مساوی و متعادل داراست. از سوی دیگر، بلغم نماینده رطوبت آب، صفرا نماینده گرمی آتش، و سودا نماینده خشکی خاک است. (کریمی ۱۳۷۴، صفحه ۱۲۴).

مردم بر مبنای غلبه هر یک از این اخلاط در بدن، از نظر صفات و ویژگیهای جسمی و روانی از یکدیگر متمایز خواهند شد.

در قرن بیستم، که گرایش روانشناسی به سوی علمی شدن بیشتر شد، کوششهایی بعمل آمد تا طبقه‌بندیهای شخصیتی نیز حتی الامکان صورت علمی به خود بگیرد. افرادی که چنین کوششهایی بعمل آوردند، یکی کرچمر<sup>۱</sup> روانپزشک آلمانی بود که در سال ۱۹۲۱ با انتشار کتاب «ساخت بدن و منش» و با استفاده از روشهای آنتروپومتری انسانها را به دو تیپ فربه تنان و لاغر تنان تقسیم نمود و بعداً یک سنخ پهلوانی نیز به آنان افزود. (کریمی ۱۳۷۴، صفحه ۱۲۵)

---

1- Keretchmer



شلدون<sup>۱</sup> دانشمند امریکایی نیز مانند کرچمر به وجود رابطه بین ویژگیهای جسمی و خصوصیات شخصیتی در انسان اعتقاد داشت اما برعکس کرچمر این رابطه را علت و معلولی نمی‌دانست بلکه به وجود رابطه همبستگی بین تن و روان عقیده داشت. شلدون و همکار وی استیونس<sup>۲</sup> با استفاده از روشهای آماری و مطالعه هزاران عکس از صدها جوان درحالت‌های مختلف و طبقه‌بندی آنها برحسب چگونگی ساختمان بدن و همچنین با توجه به رشد بیشتر هر یک از سه لایه جنینی اکتودرم و مزودرم و آندودرم ابتدا سه جنبه شخصیتی اکتومورف، مزومورف و آندومورف مشخص کردند. پس از این مرحله شلدون و استیونس کار خود را با مطالعه ۶۵۰ صفت یا ویژگی روانی برای طبقه‌بندی افراد از نظر روانی آغاز کردند و پس از تجزیه و تحلیل‌های عاملی مکرر، افراد را به سه گروه ریخت احشایی، ریخت بدنی و ریخت مغزی طبقه‌بندی نمودند. تلاشها در این زمینه بصورت‌های گوناگونی تا با امروز ادامه داشته است. ریخت درونگرایی و برونگرایی که توسط یونگ مطرح گردیده است هرگز به اثبات تجربی آن نرسیده است اما این عامل در شخصیت توسط پژوهشگران مختلفی تعیین و تعریف شده است.

هم چنین ریخت‌های رور شاخ<sup>۳</sup> (۱۹۴۸) که براساس آزمون خود دو ریخت را از هم متمایز ساخته و آنها را با اصطلاحات برون‌گری و درون‌گری بیان نموده است ریخت‌های متعدد دیگری وجود دارد که هر یک به یک جنبه از شخصیت مربوط می‌شوند. اما اغلب فاقد مبنای تجربی هستند. (منصور ۱۳۶۹، صفحه ۱۹).

#### ۶ - ۱ - ۲ - نتیجه بررسی‌های ریخت‌شناسی

بررسی ریخت‌شناسی درباره خصایص منفرد تا امروز به نتایج قابل قبولی نرسیده است اما در مورد جنبه‌های عمومی بدنی و روانی به مطابقت‌هایی دست یافته است. کرچمر روش ریخت‌شناسی را کاملتر و رساتر از روش‌های روانسنجی می‌داند اما دیگران بعلاوه غیردقیق بودن این تجارب مکتب‌های کرچمر و شلدون را مورد انتقاد قرار می‌دهند. انتقاد روانسنان از این مکاتب به فقدان ضوابط مطمئنی است که بتوان براساس آن یک قضاوت عینی درباره ریخت یک شخص فراهم ساخت. بنظر روانسنان ضوابط باید براندازه‌گیری کمی مبتنی باشد از طرفی معتقدند که کرچمر و شلدون در آزمایش‌های خود متغیرهایی چون

---

1- Sheldon, w

2- Stevens

3- Rorschach, H

سن، جنس، میزان سواد و محیط اجتماعی را تحت کنترل نداشته‌اند و بطور کلی آزمایش‌های مبتنی بر روانسنجی به وضوح با توصیف‌های کیفی در مورد ریخت در تناقضند ولذا براساس رجحانی که می‌توان برای توصیف‌های کیفی یا روش‌های کمی قائل شد، میتوان وجود ریخت را تأیید تا تکذیب نمود. دلاپورت<sup>۱</sup> (۱۹۴۵) و کتل (۱۹۵۷) روش‌های جدیدی را که در ریخت‌شناسی‌ها کاربرد دارند پیشنهاد نموده‌اند و باید امیدوار بود که بررسی ریختها به صورت تجربی و از لحاظ نظری با روش‌های بهتری پیگیری شود. (منصور ۱۳۶۹، صفحه ۱۸)

#### ۷- ۱- ۲- الگوهای پویشی

بررسی تحولی فرآیندهای روانی می‌تواند روشی دیگر برای مطالعه شخصیت باشد. تصور بر این است که در مراحل اولیه زندگی پاره‌ای ویژگی‌های شخصیتی وجود دارد که مستقل از تأثیرات محیطی پایدار می‌مانند. اما مهمتر، تجسس رفتار ما و ساختهایی است که بر مبنای آنها ترسیم اشکال نهایی شخصیت امکان‌پذیر باشد.

قبلاً باید متذکر شد که ریخت‌های متفاوتی را میتوان در نوزادان مشاهده نمود. این تفاوتها بعد از چند روزی از بین می‌روند. اما تعدادی از مشخصات یک ثبات کافی از خود نشان می‌دهند و این پایداری با افزایش سن کودک افزایش می‌یابد. از اینرو صفات ویژه با افزایش سن پیش ازبیش تثبیت می‌شود. (شرلی<sup>۲</sup> ۱۹۳۱، نیلون<sup>۳</sup> ۱۹۴۸، واسبرن<sup>۴</sup> ۱۹۲۹، وگزل<sup>۵</sup> ۱۹۲۹، آلپورت ۱۹۳۷)

این پژوهشها نشان می‌دهد که صفات مربوط به شخصیت از آغاز زندگی وجود دارند اما به لحاظ فقدان روش‌های دقیق، این صفات با دقت تعریف نشده‌اند. از اینرو درمقایسه با عوامل بسیار متعددی که در مورد بزرگسالان ذکر شده تعداد متغیرهای اساسی در نوزادان بسیار اندک است و این امر شاید به این لحاظ است

---

1- Delaporte,p

2- Shirley,M

3- Neilon,p

4- Wasburn

5- Gesell.a



که دست یافتن به خصوصیات شخصی در این سنین بسیار مشکل است. برخی از صفات در آینده در کودک بروز می‌کند چون بروز آنها مستلزم رشد ذهنی پیشرفته‌تری است.

اما برخی از روانشناسان عقیده دارند که ساخت شخصیت در کودک ساده‌تر از بزرگسال نیست (بل<sup>۱</sup> ۱۹۶۰) براساس تحلیل عاملی پنج صفت را برای کودکان در نخستین هفته‌های زندگی تعریف و مشخص کرده است و کتل (۱۹۵۷) بر همین اساس به هفت عامل در سطح چهار و پنج سالگی دست یافته است.

رفتار کودکان، اعمال و واکنشهای آنها در نخستین سالهای زندگی در حد و سיעی به اشکال گوناگون درمی‌آیند (همچون بال بسته‌ای که تدریجاً باز می‌شود) و همواره چهره جدیدی از شخصیت را نمایان می‌سازد. می‌توان چنین تصور کرد که این گسترش به تحول ادراک، زمینه حرکتی و هوش مربوط است. بی‌آنکه در اساس و ساخت شخصیت تغییری ایجاد شود.

اما ممکن است در کنار این تغییر شکل‌های پدیداری، تغییرات ساختاری به وقوع به پیوندد پس باید در پاره‌ای از لحظات تحول شاهد ظهور رفتارهای جدیدی بود که نمی‌توان آنها را از طریق تحول کنشها یا از طریق تقلید ساده تبیین کرد.

اسپیتز<sup>۲</sup> (۱۹۵۷)، اریکسن<sup>۳</sup> (۱۹۵۰) مای لی<sup>۴</sup> ۱۹۵۷، مالری یو<sup>۴</sup> (۱۹۶۰) و پیازه (۱۹۵۳)، ساربین<sup>۵</sup> (۱۹۵۴) جنبه‌های مختلف این تحول را مورد بررسی قرار داده‌اند و لذا باید با تفصیل بیشتری پاره‌ای از این تغییرات ساختاری را مورد نظر قرار دهیم. مای لی این تغییرات ساختاری را در سه قسمت زیر مورد بررسی قرار داده است:

الف: تمایز بین گیرنده‌های درونی و گیرنده‌های برونی

ب: تشکیل من

ج: یادگیری قواعد و فرامن

---

1- Bell,B

2- Spitz,R

3- Erickson,E

4- Malireu, Ph

5- Sarbin,TR

تحولات بعدی موجب غنای حیطه‌های عمل می‌شود. بی‌آنکه متضمن یک تغییر اساسی سازمان یافتگی روانی باشد. (منصور، ۱۳۶۹، صفحه ۶۷)

## ۸-۱-۲ - روشهای تحلیل عوامل

### الف : دیدگاههای صفات

اساس روشهای تحلیل عوامل صفت است و منظور از آن، آمادگی کلی انسان در رفتار کردن به سبکی خاص است. (پروین، ۱۹۸۵، جلد دوم، صفحه ۱) در این مفهوم شخصیت به معنای مجموعه صفاتی است که یک فرد را مشخص می‌کند.

گیلفورد شخصیت یک فرد را به منزله‌ی منظومه‌ای تخصصی از صفات می‌داند (منصور ۱۳۶۹، صفحه ۲۳). در نگاهی به ریشه تاریخی نظریه‌های تحلیل عوامل می‌توان گفت که این تلاشها با کار دو روان‌شناس آلمانی بتامهای کلوکس<sup>۱</sup> و بائوم گارتن<sup>۲</sup> شروع گردید که عقیده داشتند یک تحلیل دقیق از زبان می‌تواند مفهوم شخصیت را روشن سازد. کلوگس (۱۹۲۶) این صفات را در زبان آلمانی به ۴۰۰۰ تخمین زده است و بائوم گارتن (۱۹۳۳) با ضوابط محدود کننده‌تری ۱۰۹۳ کلمه را در این باره برشمرده است.

همانطوریکه جان<sup>۳</sup> و همکاران او (۱۹۸۸) اشاره می‌کنند تلاشهای بائوم گارتن تأثیر کمتری در روانشناسی آلمان گذاشت ولی بیشتر از آن در آلپورت و آدبرت<sup>۴</sup> (۱۹۳۶) اثر گذاشت که بررسی زبان خودشان را بعهده گرفتند و به ۱۷۰۰۰ کلمه در انگلیسی دست یافتند که از این کلمات ۴۵۰۵ کلمه به معنای صفات به مفهوم درست هستند مفهوم صفت مستقیماً در پرسشنامه‌ها و فهرست‌های خصوصیات شخصیت مورد توجه قرار گرفته است و میتوان براساس مطالعه رفتار و یا اجرای تستها به پاره‌ای از صفات دست یافت. اما به نظر برخی برای دستیابی به ساخت شخصیت باید تمام صفات را در ساده‌ترین شکل آن و نیز در قالب عناصر ترکیبی آن مورد بررسی قرار داد اما مشکل اساسی در این مورد این است که اولاً اغلب صفات با معانی متفاوتی بکار می‌روند.

---

1-Klages , h

2-Baumgarten , F

3- John ,o

4- Adbert , Hs

ثانیاً یک صفت ممکن است به درجات مختلفی در افراد وجود داشته باشد. ثالثاً یک صفت ممکن است در سطوح متفاوتی از شخصیت مطرح باشد بعنوان مثال ممکن است بعنوان یک تیپ مطرح باشد که خود حاوی تجلیات گوناگون و قدرت تعمیم متفاوتی است.

رابعاً یک صفت ممکن است مبین چیزی باشد که در آن لحظه ادراک می‌شود یا اینکه بر تجربه‌ای ممتد مبتنی باشد. بعنوان مثال ممکن است گفته شود فرد غمگین یا شاد است و یا گفته شود فلانی فردی مردد، ترسو یا بی‌اعتماد است از طرفی:

الف: عدّه‌ای، صفات را در قالب ادراک مستقیم جنبه‌ای از شخصیت توجیه می‌کنند که به تعبیر برخی «رگه‌های نخستین نامیده می‌شوند (مای‌لی، نقل از منصور ۱۳۶۹). این صفات همان مفاهیمی هستند که ماده خام کار علمی شناخت شخصیت را تشکیل می‌دهند.

ب: عدّه‌ای معتقدند که برای بررسی شخصیت به روش علمی باید داده‌های عینی را جانشین ادراکات ذهنی نمود و لذا سعی نموده‌اند یک صفت را با واکنش یا رفتارهایی که در پاره‌ای از موقعیتها بروز می‌کنند تعریف کنند. بهمین منظور موقعیتهایی را که یک صفت باید در آنها آشکار شود، در پرسشنامه‌هایی ارائه می‌کنند.

در موارد دیگر درجات مختلف یک رگه بصورت رفتارهای عینی تعریف شده‌اند و از این طریق به سنجش یک صفت می‌پردازند. و از اینرو صفات را به منزله متغیرها در نظر می‌گیرند.

ج: در امریکا تحت تأثیر مکتب «رفتاری‌نگر» مفهوم دیگری از صفت طرفداران بسیاری یافته است. این دانشمندان وجود صفات اولیه در فرد را نفی می‌کنند از نظر آنها یک صفت فقط به معنای پاسخی است که در موقعیتهای نسبتاً مشابه دیده می‌شود یعنی یک صفت همان واکنش تعمیم یافته است (منصور ۱۳۶۹، صفحه ۲۹)

هر یک از این نظریه‌ها حاوی اشکالات مفهومی و تجربی چندی است از اینرو نتوانسته‌اند توافق همگانی را بخود جلب نمایند. اما نظریه پردازان صفات در این مورد متفق‌القولند که رفتار و شخصیت انسان را می‌توان به صورت سلسله مراتب درآورد. نمونه‌ای از این سلسله مراتب، در کار آیزنگ<sup>۱</sup> نشان داده شده

---

1- Ayzenck

است. (پروین، ۱۹۸۵، جلد دوم، صفحه ۵)

وی معتقد است که در ساده‌ترین سطح این نمودار، رفتار را می‌توان به شکل پاسخهای ساده در نظر گرفت. با وجود این، بعضی از پاسخها معمولاً به یکدیگر پیوند می‌خورند و عادات کلی‌تری را به وجود می‌آورند. علاوه بر این گروهی از این عادات با یکدیگر همراه می‌شوند. و آنچه را که صفات نامیده می‌شوند. تشکیل می‌هند. برای مثال: افرادی که ملاقات با دیگران را به مطالعه ترجیح می‌دهند، معمولاً از شرکت در میهمانیهای شاد نیز لذت می‌برند و از ترکیب این دو عادت می‌توان به صفت اجتماعی بودن دست یافت سرانجام در سطوح بالاتر این سلسله مراتب، ممکن است صفات مختلفی با یکدیگر ترکیب شوند و آنچه را که آیزنگ «سنخ یا نوع» و عبارت دیگر عوامل نامیده می‌شود به وجود آورند و بدین ترتیب مفهوم شخصیت با توجه به این سطوح مختلف، معنی و سازمان پیدا می‌کند.

#### ب: دیدگاههای تحلیل عوامل

تحلیل عوامل اقدامی است که بعد از تلاش برای یافتن ماهیت شخصیت براساس صفات صورت گرفته است از وقتی معلوم گردید که صفات نمی‌توانند جنبه‌های مجزایی از شخصیت را نمایان سازند یافتن متغیرهای اساسی در خلال صفات بعنوان مسأله مهمی مطرح گردید. این روش قبلاً در قلمرو استعدادهای عقلی توسط اسپیرمن<sup>۱</sup> بکار رفت.

در اوایل دهه بعد از ۱۹۰۰ هنگامی که ضریبهای همبستگی در رشته آمار به عنوان نقطه عطفی هیجان انگیز تلقی می‌شد، اسپیرمن آزمونهای مختلف سنجش استعداد را در مورد کودکان اجرا می‌کرد و به این نتیجه رسید که همه آزمونها یک وجه مشترک دارند. وی این وجه مشترک را عامل g یا هوش عمومی نامید. در ضمن اسپیرمن عناصر اختصاصی یا تواناییهای ویژه‌ای را که با هم همبستگی بالایی ندارند، مشخص کرد و برای نشان دان آنها حرف s را بکار برد و لذا نتیجه گرفت که هر آزمون دارای وزن یا بار عاملی g و بار اختصاصی S است.

---

1- Spearman

یکی از شاگردان اسپیرمن به نام وب<sup>۱</sup> (۱۹۱۵) روش تحلیل عوامل را درباره صفات خوی بکار بست و معادل عامل عمومی (g) اسپیرمن به عاملی دست یافت که آنرا به منزله «استحکام و انسجام در عمل بر اثر به کار انداختن آگاهانه اراده» تفسیر کرد و آنرا با حرف W مشخص نمود. اما پس از آشنایی با روش چند عاملی ترستون<sup>۲</sup> بود که تعداد این گونه بررسی‌ها در زمینه شخصیت زیاد شد فرنیچ<sup>۳</sup> (۱۹۵۳) در خلال مرور جامعی از این بررسیها به ۱۰۹ اثر که بین سالهای ۱۹۳۱ و ۱۹۵۳ انتشار یافته‌اند اشاره کرده است. اما کتل، گیلفورد و آیزنک سه دانشمند هستند که وسیعترین و منظمترین پژوهشها را در این باره به عمل آورده‌اند و مخصوصاً کتل در یکی از آخرین آثار خود (۱۹۷۵) قواعدی را در این زمینه بدست داده است (منصور ۱۳۶۹، صفحه ۳۹).

#### ۹-۱-۲ - پیدایش و تحول الگوی پنج عاملی شخصیت

وارن نورمن<sup>۴</sup> در حدود بیش از سی سال قبل، نمرات بدست آمده از سنجش شخصیت توسط افراد را به تحلیل عامل سپرد و در سال ۱۹۶۳ پنج عامل برونگردی، توافق، با وجدان بودن، پایداری هیجانی و فرهنگ را با گرایش سرشتی مطرح نمود (دیگمن و اینوی<sup>۵</sup>، ۱۹۸۶؛ گلد برگ، ۱۹۹۰). در حال حاضر مهم‌ترین نمونه مشتق شده و حاصل تلاشهای نورمن (۱۹۶۳)، الگوی پنج عاملی مک‌گری و کاستا است که در آن، با توجه به وزن عاملی کم در عامل فرهنگ (مطرح شده توسط نورمن) و وزن عاملی بیشتر در نمرات خلاقیت، استقلال و ...، عنوان گشودگی به جای فرهنگ انتخاب شده و تحقیقات نشان داده که این الگو برای سنجش شخصیت افراد در گستره و قالب سرشتی به اندازه کافی مناسب است (نالر<sup>۶</sup>،

---

1-Web

2-Treston

3- French

4- Norman, w.t.

5- Inouye,j.

6- Noller,p.

لاو<sup>۱</sup> و کامری<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷).

مک گری و کاستا اهمیت الگوی پنج عاملی در توسعه مفاهیم روانشناسی شخصیت را به واسطه مشاهده آن عوامل در پرسشنامه‌ها و خود گزارش دهی‌ها<sup>۳</sup> و گزارشات مشاهده کننده‌ها درباره شخصیت افراد، برجسته ساختند. نتایج مشابه به دست آمده از منابع مختلف نیز، از این ادعا که این عوامل ابعاد مهم و اساسی هستند و به واسطه آنها می‌توان تفاوت‌های فردی در شخصیت بزرگسالان را شناخت، حمایت قوی به عمل آورده‌اند. (مک‌گری و کاستا<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷).

براساس نظر مک‌گری می‌توان معتقد شد که الگوی پنج عاملی در بین تقریباً تمام سازه‌های رگه‌ای شخصیت، دارای واریانس مشترکی بوده، برآن اساس می‌توان آنها را در قالب پنج عامل روان‌آزردگی، برونگردی، گشودگی در برابر تجارب، توافق و با وجدان بودن خلاصه نمود.

از این رو، الگوی پنج عاملی ابزار مفهوم‌پردازی قوی برای تمایز بین سازه‌های مشابه و تشخیص شباهت‌های موجود در سازه‌های متفاوت است و در سالهای اخیر، تبیین‌های این الگو درباره ساخت شخصیت حمایت گسترده‌ای را کسب نموده است. در پرسشنامه جدید پنج عاملی بازبینی شده که توسط کاستا و مک‌گری برای سنجش ابعاد پنجگانه شخصیت به کار بسته شد، هر یک از ابعاد شامل شش جنبه (در مجموع سی جنبه) می‌شود.

#### حیطه‌های پنجگانه شخصیت

قدم اول در تفسیر یک نیمرخ NEOPI-R<sup>۵</sup> بررسی مقیاسهای پنج بعد اصلی برای درک شخصیت در سطح وسیع می‌باشد. در این قسمت هر یک از عوامل توضیح داده شده و یک تعریف اساسی از عوامل ارائه می‌شود.

---

1- Law

2-Comrey, A.L

3- Self reports

4- McGray & Casta

5- NEO Personality Inventory-Revised



## روان‌آزردگی (N)

موثرترین قلمرو مقیاسهای شخصیت تقابل سازگاری یا ثبات عاطفی با ناسازگاری یا روان‌نژدی میباشد. متخصصین بالینی انواع گوناگونی از ناراحتیهای عاطفی چون ترس اجتماعی، افسردگی، و خصومت را در افراد تشخیص می‌دهند اما مطالعات بی‌شمار نشان می‌دهد که افرادی که مستعد یکی از این وضعیت‌های عاطفی هستند احتمالاً وضعیتهای دیگر را نیز تجربه می‌کنند (مک‌کری و کوستا ۱۹۹۲).

تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی چون ترس، غم، دست‌پاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت مجموعه حیطة N را تشکیل می‌دهد. گرچه N چیزی بیشتر از آمادگی برای ناراحتیهای روانشناختی دارد. شاید عواطف شکننده مانع از سازگاری می‌شود. مردان و زنان با نمره بالا در N مستعد داشتن عقاید غیرمنطقی هستند و کمتر قادر به کنترل تکانشهای خود بوده و خیلی ضعیفتر از دیگران با استرس کنار می‌آیند.

هم‌چنانکه اسم این عامل نشان می‌دهد بیمارانی که بطور سنتی به عنوان نورو تیک تشخیص داده شده‌اند. کلاً نمره بالائی در اندازه‌های N به دست می‌آورند (آیزنگ، ۱۹۶۴).

اما مقیاس N این آزمون همانند سایر مقیاسهای یک بعد از شخصیت سالم را اندازه می‌گیرد. نمرات بالا ممکن است نشانه احتمال بالا برای ابتلا به برخی از انواع مشکلات روانپزشکی باشد اما مقیاسهای N نباید به عنوان اندازه‌ای برای اختلالات روانی در نظر گرفته شود. ممکن است که به دست آوردن یک نمره بالا در مقیاس N با یک اختلال قابل تشخیص روانی همراه نباشد، از طرفی تمام اختلالات روانی با نمره بالا در N همراه نیست به عنوان مثال یک فرد ممکن است اختلال شخصیت ضد اجتماعی داشته باشد بی‌اینکه نمره بالائی در N داشته باشد.

افرادی که نمرات آنها در N پائین است دارای ثبات عاطفی بوده و معمولاً آرام، معتدل و راحت هستند و قادرند که با موقعیتهای فشارزا بدون آشفتگی یا هیاهو روبرو شوند.

## ۴ - ب - برونگرایی (E)

برونگراها، البته، جامعه‌گرا بوده اما توانائی اجتماعی فقط یکی از صفاتی است که حیطة برونگرایی دارای آن است. علاوه بر آن دوست داشتن مردم، ترجیح گروههای بزرگ و گردهماییها، با جرات بودن، فعال بودن و

پرحرف بودن نیز از صفات برونگراهاست. آنها برانگیختگی جنسی و نیز تحریک را دوست دارند و متمایلند که بشاش باشند. هم چنین سرخوش، با انرژی و خوش بین نیز هستند. مقیاسهای حیطه E بطور قوی با علاقه به ریسکهای بزرگ در مشاغل هم بسته است (کوستا، مک کری و هالند ۱۹۸۴).

هر قدر که نشان دادن مشخصات برونگراها آسان است بهمان اندازه نشان دادن ویژگیهای درونگراها مشکل است. در برخی از توصیفها درونگرایی باید به منزله فقدان برونگرایی در نظر گرفته شود تا به عنوان ضد برونگرایی، از اینرو افراد درونگرا خوددارترند تا غیردوستانه، مستقلند تا پیرو، یکنواخت و متعادلند تا تنبل و دیر جنب. وقتی منظور اینست این افراد ترجیح می دهند تنها باشند شاید گفته شود که این افراد کمرو هستند. افراد درونگرا لزوماً از اضطرابهای اجتماعی رنج نمی برند. گرچه این افراد روحیه بسیار شاد برونگراها را ندارند ولی آدمهای غیرخوشحال یا بدبینی نیز نیستند. خصوصیات گفته شده شاید در مواردی عجیب یا بعید بنظر برسند اما آنها به کمک تحقیقات متعددی برآورد شده اند و موجب پیشرفتهای مفهومی در مدل پنج عاملی گردیده اند (کوستا و مک کری، ۱۹۸۰، مک کری و کوستا ۱۹۸۷).

این تحقیقات موجب شکسته شدن کلیشه های ذهنی که صفات متقابلی چون شاد - ناشاد، دوستانه، خصمانه، معاشر - کمرو، را بهم متصل می کنند، گردیده و اطلاعات جدیدی را در مورد شخصیت بوجود آورده است.

### انعطاف پذیری (O)

به عنوان یک بعد اصلی شخصیت، انعطاف پذیری در تجربه خیلی کمتر از E و N شناخته شده است. عناصر انعطاف پذیری چون تصور فعال، احساس زیبا پسندی، توجه به احساسات درونی، تنوع طلبی، کنجکاوی ذهنی و استقلال در قضاوت، اغلب نقشی در تئوریهای و سنجشهای شخصیت ایفا نموده اند اما به هم پیوستگی آنها در یک حیطه وسیع و تشکیل عاملی از شخصیت بندرت مطرح بوده است. مقیاس انعطاف پذیری در آزمون NEOPI-R شاید وسیعترین بعد تحقیق شده می باشد (مک کری و کوستا ۱۹۸۵) اشخاص منعطف هم دربارهی دنیای درونی و هم دربارهی دنیای بیرونی کنجکاو هستند و زندگانی آنها از لحاظ تجربه غنی است. آنها مایل به پذیرش عقاید جدید و ارزشهای غیرمعارف بوده و بیشتر و عمیقتر از اشخاص غیرانعطاف پذیر هیجانهای مثبت و منفی را تجربه می کنند.



سایر مدل‌های پنج عاملی اغلب این بعد را عقل نامیده‌اند و نمرات انعطاف‌پذیری با آموزش و نمرات هوش هم بسته است. انعطاف‌پذیری مخصوصاً با جنبه‌های مختلف هوش چون تفکر واگرا که عاملی در خلاقیت می‌باشد، مربوط است (مک‌کری ۱۹۸۷). اما انعطاف‌پذیری مترادف هوش نیست. برخی اشخاص خیلی باهوش در مقابل تجربه بسته هستند، متقابلاً برخی اشخاص خیلی انعطاف‌پذیر ظرفیت هوشی خیلی محدودی دارند. در قالب تحلیل عوامل اندازه‌های قابلیت ذهنی عامل ششم مستقلاً را تشکیل می‌دهند که مؤلفین آنرا خارج از حیطه شخصیت در نظر گرفته‌اند (مک‌کری و کوستا، ۱۹۹۲).

مردان و زنانی که نمره پائینی در انعطاف‌پذیری می‌گیرند متمایلند که رفتار متعارف داشته و دیدگاه خود را حفظ نمایند، این افراد تازه‌های آشناتر را ترجیح می‌دهند و پاسخهای عاطفی آنان خیلی محدود است. گرچه انعطاف‌پذیری و انعطاف‌ناپذیری ممکن است در شکل دفاعهای روانی بکار رفته تأثیر کند (مک‌کری و کوستا)، اما مدارکی وجود ندارد که نشان دهد انعطاف‌ناپذیری به تنهایی یک عکس‌العمل دفاعی تعمیم یافته است. برعکس بنظر می‌رسد که اشخاص انعطاف‌ناپذیر به طور ساده یک حیطه محدودتری دارند. اما ثبات بیشتری در علاقه به حیطه فعالیت خود نشان می‌دهند. هم‌چنین آنان متمایل به حفظ وضعیت اجتماعی و سیاسی هستند، اما این افراد نباید به عنوان افراد قدرت‌طلب در نظر گرفته شوند. انعطاف‌ناپذیری به ناپردباری خصمانه یا قدرت‌طلبی پرخاشگرانه دلالت ندارد. این ویژگیها به احتمال زیاد نشانه درجه دلپذیری در سطح خیلی پائین است.

متقابلاً اشخاص انعطاف‌پذیر غیرستنی و غیرمتعارف هستند. علاقمندند همیشه سؤال کنند و آماده پذیرش عقاید سیاسی و اجتماعی و اخلاقی جدید هستند این تمایلات نباید این چنین تلقی شود که آنها افرادی غیراصولی هستند. یک فرد انعطاف‌پذیر ممکن است به سیستم ارزشهای خود مسئولانه پاسخ دهد هم چنانکه ستگراها می‌کنند. فرد انعطاف‌پذیر ممکن است از نظر روانشناسان خیلی سالمتر یا رشد یافته‌تر باشد اما ارزش انعطاف‌پذیر بودن یا انعطاف‌ناپذیر بودن بستگی به اقتضاهای یک موقعیت دارد و افراد هر دو گروه کارهای مفید و مؤثری در جامعه انجام می‌دهند.

## دلپذیر بودن (A)

همانند برونگرایی، دلپذیر بودن مقدماً بعدی از تمایلات بین فردی است یک فرد دلپذیر اساساً نوع دوست است. او نسبت به دیگران همدردی کرده و مشتاق است که به آنان کمک کند و باور دارد که دیگران نیز متقابلاً کمک کننده هستند. در مقابل فرد غیردلپذیر ستیزه‌جو، خودمدار و شکاک نسبت به دیگران بوده و رقابت‌جو است تا همکاری کننده.

افراد بسیار مایلند که دلپذیر بودن را هم به عنوان صفتی که از لحاظ اجتماعی مطلوب است و هم از لحاظ روانی حالت سالمتری است، ببینند. این امر نیز حقیقت دارد که افراد دلپذیر مقبولتر و محبوبتر از افراد ستیزه‌جو هستند. ولی باید توجه داشت که آمادگی برای جنگیدن در برابر منافع خود هم یک امتیاز است و لذا دلپذیر بودن در میدان جنگ یا در صحن دادگاه فضیلتی محسوب نمی‌شود هم چنین تفکر انتقادی و بدبین بودن در علم نیز به تحلیل‌های صحیح علمی کمک می‌کند. هیچیک از دو قطب انتهائی این عامل از نقطه نظر جامعه مطلوب نیست و نیز هیچیک لزوماً در مورد سلامت روانی فرد نیز مفید نمی‌باشد. هورنای (۱۹۴۵) در مورد دو تمایل نوروپیک «حرکت بر علیه مردم» و «حرکت بطرف مردم» بحث نموده است که ایندو شبیه شکل مرضی دلپذیر بودن و ستیزه‌جو بودن می‌باشد.

نمره پائین در A با حالات خود شفیتگی، ضد اجتماعی و اختلال شخصیتی پارانوئید همراه بوده در حالیکه نمره بالا در A با اختلال شخصیتی وابسته همراه است (کوستا و مک‌کری ۱۹۹۰).

## با وجدان بودن (C)

تعدادی از تئوریهای شخصیت بخصوص تئوری روان پویائی به کنترل تکانه ها توجه دارند. در طول دوره رشد اغلب افراد یاد میگیرند که چگونه با آرزوهایشان کنار بیایند و ناتوانی در جلوگیری از تکانه‌ها و وسوسه‌ها کلاً نشانه‌ای از بالا بودن N در میان بزرگسالان است.

کنترل خود، هم چنین می‌تواند به مفهوم قدرت طرحریزی خیلی فعال، سازماندهی و انجام وظایف محوله به نحو مطلوب نیز باشد. تفاوت‌های فردی در این موارد اساس با وجدان بودن است.

فرد با وجدان هدفمند، با اراده و مصمم میباشد. افراد موفق، موسیقیدانان بزرگ و ورزشکاران بنام این

صفات را در حد بالا دارند. دیگمن<sup>۱</sup> و تاکوموتوچوک<sup>۲</sup> (۱۹۸۱) این حیطة را بنام تمایل به موفقیت نامیده‌اند. نمره بالا در C با موفقیت شغلی و تحصیلی همراه است. نمره پائین در C ممکن است موجب شود که فرد از باریک‌بینی لازم، دقت و پاکیزگی زیاد و «معتادکار»<sup>۳</sup> بودن اجتناب کند. با وجدان بودن جنبه‌ای از آن چیزی است که مدتی منش نامیده می‌شد. افراد با نمره بالا در C زیاد دقیق، خوش قول، و مطمئن هستند اما افراد با نمرات پائین در C لزوماً فاقد اصول اخلاقی نیستند اما در بکارگیری اصول اخلاقی زیاد دقیق نیستند. هم چنین آنان در تلاششان برای رسیدن به هدفهایشان بی‌حال هستند. مدارکی وجود دارد که این افراد خیلی لذت گرا بوده و علاقه زیادی به امور جنسی دارند (مک‌کری و کوستا و بوش ۱۹۸۶).

عوامل و رویه‌های مورد ارزیابی توسط فرم تجدید نظر شده پرسشنامه شخصیتی NEO

N: Neuroticism	روان‌نژندی
E: Extraversion	برونگرایی
O: Openness	انعطاف‌پذیر
A: Agreeableness	دلپذیر بودن
C: Conscientiousness	با وجدان بودن
Neuroticism Facets	رویه‌های روان‌نژندی
N1: Anxiety	اضطراب
N2: Angry Hostility	پرخاشگری
N3: Depression	افسردگی
N4: Self Consciousness	خودهشیاری
N5: impulsiveness	تکانشی

1-Digman

2- Takomotochok

3- Workaholic

N6: Vulnerability	آسیب‌پذیری
Extraversion Facets	رویه‌های برون‌گرایانه
E1 Warmn	گرمی
E2 Gregariousness	گروه‌گرایی
E3 Assertiveness	قاطع بودن
E4 Activity	فعالیت
E5 Excitement – Seeking	هیجان‌خواهی
E6 Positive Emotions	هیجان‌های مثبت
Openness Facets	رویه‌های انعطاف‌پذیری
O1: Fantasy	تخیلی
O2: Aesthetics	زیبا پسندی
O3: Feelings	احساسها
O4: Actions	اعمال
O5: Ideas	عقاید
O6: Values	ارزشها
Agreeableness Facets	رویه‌های دلپذیر بودن
A1: Trust	اعتماد
A2: Straight forwardness	رک‌گویی
A3: Altruism	نوع دوستی
A4: Compliance	همراهی (اطاعت)
A5: Modesty	تواضع
A6: Tender – Mindedness	دل‌رحم بودن

C1: Competence	کفایت
C2: Orderiness	نظم و ترتیب
C3: Dutifulness	وظیفه‌شناسی
C4: Achievement Striving	تلاش برای موفقیت
C5: Self Discipline	خویشتن داری
C6: Deliberation	محتاط در تصمیم‌گیری

### مقیاس‌های رویه‌ها

هر یک از عوامل اصلی NEOPI-R شامل ۶ مقیاس خاص می‌باشد که رویه‌های آن عامل را اندازه‌گیری می‌کند. چند مزیت برای ارزیابی رویه‌های مختلف هر عامل وجود دارد.

اولاً اطمینان می‌دهد، سؤالاتی که برای ارزیابی عامل بکار می‌رود حیطه گسترده‌ای از افکار، احساسات و اعمال ممکنه را شامل می‌شود. به عنوان مثال مقیاس N باید شامل سؤالاتی باشد که خصومت، افسردگی، کمروئی، شتابزگی، آسیب‌پذیری در فشار و نیز اضطراب را اندازه‌گیری میکند. از اینرو نمرات هر عامل براساس انعکاس وسیعترین ابعاد ممکنه شخصیت طراحی شده است.

ثانیاً داشتن چند مقیاس مستقل از رویه‌های یک عامل، محتوای عمیقتری از یافته‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد. به عنوان مثال هر یک از شش رویه N به طور قابل ملاحظه‌ای به عواطف منفی و رضایت خاطر کمتر در زندگی مربوط است (کوستا و مک‌کری ۱۹۸۴). و اطمینان قابل ملاحظه‌ای بما می‌دهد که N در واقع به بهبودی روانشناختی افراد مربوط است. همینطور یک روانشناس بالینی وقتی می‌بیند، مریضی نمره بالائی در اضطراب، خصومت، کمروئی و نیز افسردگی دارد میتواند مطمئن شود که او یک ناراحتی روانشناختی مهمی دارد.

ثالثاً مزیت مهمتر رویکرد چند صفتی در اندازه‌گیری عوامل از این حقیقت ناشی می‌شود که تفاوت‌های فردی مهم می‌تواند در داخل عوامل دیده شوند. انعطاف‌پذیری در تخیل، زیباپسندی، احساسات، اعمال، عقاید و

ارزشها توأمأ عامل انعطاف‌پذیری را شامل می‌شوند از اینرو افرادی که نمره بالائی در یک رویه می‌گیرند احتمالاً در رویه‌های دیگر نیز نمره بالائی می‌گیرند، اما این امر فقط یک وضع احتمالی است. برخی از افراد به عنوان مثال ممکن است برای عقاید جدید منعطف باشند اما برای ارزشها منعطف نباشند. یا برای احساسات منعطف بوده اما برای زیباپسندی منعطف نباشند. تفاوت‌های فردی در داخل ابعاد در طول زمان ثابت هستند این امر توسط درجه‌بندیهای مشاهده‌گر تأیید شده است (مک‌کری و کوستا ۱۹۹۰) و لذا این صفات باید به عنوان حقایق واقعی شخصیت و نه صرفاً به عنوان پراکندگی تصادفی در نظر گرفته شوند.

رابعاً، سنجش مقیاسهای رویه‌ها یک تحلیل دقیقتری از افراد یا گروهها ارائه می‌دهد. این امر مخصوصاً زمانی که نمره عامل کلی در حد میانگین باشد مشهود خواهد بود. بعنوان مثال فردی که نمره متوسط در عامل A می‌گیرد اما نمره او در نوع دوستی خیلی پائین بوده اما در همراهی خیلی بالا باشد، نسبت به فردی که نمره او نیز در عامل A متوسط باشد اما در نوع دوستی نمره بالا و در همراهی نمره پائینی بگیرد. عکس‌العمل این دو فرد خیلی متفاوت خواهد بود.

نهایتاً اطلاعات فرعی که از طریق نمرات رویه‌ها به دست می‌آیند، می‌تواند در تفسیر ساختارها و شکل دادن تئوریه‌ها مفید باشد. اصولاً برونگرایی با بهبود روانشناختی وابسته است (کوستا و مک‌کری ۱۹۸۴)، اما یک نگاه اجمالی نشان می‌دهد که دو تا از صفات فرعی این عامل، یعنی گرمی و هیجانهای مثبت بیشتر با این امر در رابطه است اما هیجان خواهی ارتباطی با بهبود روانشناختی ندارد.

### رویه‌های نوروتیسم (N)

اضطراب ( $N_1$ ). افراد مضطرب بیم‌ناک، ترسو، مستعد نگرانی، عصبی، تنیده و جوشی هستند. این مقیاس ترس یا فوبیای خاصی را اندازه نمی‌گیرد اما نمرات بالا با احتمال زیاد نشان دهنده این ترسها و نیز اضطراب فراگیر خواهد بود. نمرات پائین نشان دهنده حالت آرام و راحت می‌باشد.

### پرخاشگری ( $N_2$ )

پرخاشگری تمایل به تجربه خشم را ارائه می‌دهد. هم‌چنین آمادگی فرد را به تجربه خشم اندازه می‌گیرد و به وضعیتهائی چون ناکامی و تلخکامی مربوط است. نمره پائین در این مقیاس به سطح دلپذیر بودن فرد مربوط است و افراد غیردلپذیر اغلب نمره بالائی در این مقیاس می‌گیرند. هم‌چنین افراد با نمره پائین راحت طلب بوده و به هنگام خشم آرام هستند.



### افسردگی (N<sub>3</sub>)

این مقیاس تفاوت افراد سالم را در تمایل به تجربه عواطف افسرده اندازه می‌گیرد. افراد با نمرات بالا مستعد احساس گناه، غم، ناامیدی و تنهایی هستند. آنها براحتی مأیوس می‌شوند و اغلب اندوهگین هستند. در نمرات پائین افراد بندرت چنین هیجانهایی را تجربه می‌کنند اما آنها لزوماً بشاش و خوشدل نیستند بلکه به عنوان نقطه مقابل برونگرایی مشخص می‌شوند.

### کمرویی (N<sub>4</sub>)

هیجان شرم و دست پاچگی هسته اصلی این رویه از N می‌باشد. افراد کمر و در میان دیگران ناراحت هستند. به ریشخند دیگران حساس بوده و مستعد احساس حقارت هستند. کمرویی شبیه شرم و اضطراب اجتماعی است. نمرات کمتر لزوماً مهارت‌های اجتماعی بهتر یا متعادلی را نمی‌سنجد اما این افراد از موقعیتهای اجتماعی ناهنجار کمتر صدمه می‌بینند.

### شتابزدگی (N<sub>5</sub>)

در NEOPI-R شتابزدگی به ناتوانی در کنترل هوسها، میلها و آرزوها مثلاً در مورد غذا، سیگار و تملک مربوط می‌شود. این امیال بحدی قوی بنظر می‌رسند که فرد نمی‌تواند در برابر آنها مقاومت کند، گرچه ممکن است از رفتار خود پشیمان شود. افراد در نمرات پائین مقاومت در مقابل چنین وسوسه‌هایی را آسان می‌دانند و تحمل بالائی در مقابل ناکامی دارند. اصطلاح شتابزدگی توسط خیلی از محققین بکار رفته و به صفات نامربوط و متفاوتی مربوط می‌شود. اما شتابزدگی NEOPI-R نباید با خودانگیختگی، خطر کردن در صحبت و تصمیم‌گیری لحظه‌ای اشتباه شود.

### آسیب‌پذیری (N<sub>6</sub>)

صفت آخری N آسیب‌پذیری در مقابل فشار می‌باشد. افراد در نمره بالا احساس ناتوانی در مقابله با استرس می‌کنند. این افراد وقتی با یک موقعیت اضطراری مواجه می‌شوند وابسته، ناامید و هراسناک می‌شوند. افراد در نمره پائین خودشان را قادر به اداره خود در موقعیتهای مشکل می‌یابند.



## رویه‌های برونگرایی (E)

### گرمی (E<sub>1</sub>)

گرمی صفت برونگرایی بوده و بیشتر به موضوعات صمیمت بین افراد مربوط است این افراد گرم، با محبت و رفیق هستند. آنها اصالتاً مردم را دوست دارند و به راحتی دلبستگی نزدیکی با دیگران ایجاد می‌کنند. نمرات پائین در این صفت ضرورتاً به مفهوم روابط خصمانه و یا کمی غمخواری نیست. اما این افراد در روابط خود خیلی رسمی بوده و با احتیاط عمل می‌کنند. گرمی نزدیکترین صفت به دلپذیر بودن در زمینه بین فردی است اما بخاطر وجود حالات صمیمت و دوستی قلبی است که در قسمت A قرار نگرفته است.

### گروه‌گرایی (E<sub>2</sub>)

دومین جنبه E گروه‌گرایی است. مردم گروه‌گرا از جمع شدن با دیگران لذت می‌برند و هرچه جمع بیشتر باشد آنها شادترند. نمره پائین افراد در این مقیاس نشانه تمایل آنان به تنهایی بوده و از محرکهای اجتماعی یا فعالانه اجتناب می‌کنند و یا دنبال آن نمی‌روند.

### قاطع بودن (E<sub>3</sub>)

نمرات بالا در این مقیاس نشانه جرات و قدرت افراد است. این افراد هم‌چنین از لحاظ اجتماعی پیشرفت‌کننده‌اند، بدون تردید حرف می‌زنند و اغلب رهبر گروه می‌شوند. افراد با نمرات پائین ترجیح می‌دهند که در زمینه بوده و اجازه می‌دهند که دیگران گوینده باشند.

### فعالیت (E<sub>4</sub>)

افراد با نمرات بالا فعالیت سریعی دارند و در تلاشهای خود قدرت و انرژی بیشتری صرف می‌کنند و توان بیشتری در تداوم کار نشان می‌دهند. هم‌چنین زندگی پرتحرکی نیز دارند. افراد با نمرات پائین گرچه لزوماً کم‌تحرک یا تنبل نیستند اما در فعالیتهای خود راحت بوده و فراغت بیشتری برای خود فراهم می‌سازند.

### هیجان‌خواهی (E<sub>5</sub>)

افراد با نمرات بالا در این مقیاس در آرزوی محرک و هیجان هستند، رنگهای روشن را دوست دارند و خواهان محیطهای شلوغ هستند. هیجان‌خواهی در برخی جنبه‌ها شبیه جستجوی احساس است (زوکرمین

۱۹۷۹).<sup>۱</sup> نمرات پائین نشان دهنده نیاز کمتر به تحریک است این افراد در شرایطی زندگی می‌کنند که برای افراد با نمره بالا در این مقیاس خسته کننده و ملال‌آور است.

#### هیجانهای مثبت (E<sub>6</sub>)

در این مقیاس، افراد خواهان هیجانهای مثبت چون لذت، شادی، عشق هستند. افراد با نمرات بالا در این مقیاس براحتی می‌خندند و اغلب خنده‌رو، بشاش و خوش‌بین هستند. نمرات پائین لزوماً نشانه ناشادی نیست. بلکه صرفاً کم‌تظاهر و ظاهراً آرام هستند. تحقیق مک‌کری و کوستا (۱۹۸۰) نشان داده است که شادی و رضایت خاطر در زندگی به دو عامل N و E وابسته است و هیجانهای مثبت صفتی از E است که برای پیش‌بینی شادی است.

#### رویه‌های انعطاف‌پذیری (O)

صفات O براساس زمینه‌های تجربی که فرد در آن منعطف است، طراحی شده است، بنابراین وقتی فرد نمره بالایی در مقیاس تخیل می‌گیرد. نشانه اینست که او از تجارب جدید در زندگی تخیلی و تخیلات متنوع لذت زیادی می‌برد. در مقالات و تحقیقات مختلف بطور ضمنی به منعطف بودن اشاره شده است از اینرو مک‌کری و کوستا (۱۹۸۹) نوشته‌اند که مقیاس TI (شاخص تیپ می‌پرزبریگز)<sup>۲</sup> مستقیماً مربوط به انعطاف‌پذیری در احساسات است.

#### تخیل (O<sub>1</sub>)

افرادیکه در تخیل منعطف هستند تصویری روشن و یک زندگی تخیلی فعال دارند. رویاهای آنها یک راه فرار نیست، بلکه راهی جهت خلق یک دنیای درونی جالب برای خودشان است. آنها تخیلات خود را بسط و توسعه داده و باور دارند که تخیل عاملی برای یک زندگی خلاق و غنی است. افرادی که نمره کم در این مقیاس می‌گیرند، خیلی بیروح بوده و ترجیح می‌دهند که فکر خود را متمرکز وظایف در حال انجام بکنند.

---

1- Zuckerman

2- Myers Briggs Type Indicator

## زیباپسندی (O<sub>2</sub>)

افرادی که نمره بالائی در این مقیاس می‌گیرند، درک عمیقی از هنر و زیبایی دارند. شعر آنها را تکان می‌دهد، مجذوب موسیقی می‌شوند و به تئاتر عشق می‌ورزند. آنها نیازی ندارند که قریحه هنری داشته باشند و یا آنچه را که اغلب مردم خوب می‌دانند لزوماً بپسندند، اما علایق آنان به هنر موجب می‌شود که دانش خود را از هنر گسترش بدهند و درک بیشتری نسبت به افراد معمولی از هنر داشته باشند. افرادی که نمره پائینی در این مقیاس می‌گیرند، علاقه کمتری به هنر و زیبایی نشان می‌دهند.

## احساسات (O<sub>3</sub>)

انعطاف‌پذیری در احساسات به درک ضمنی احساسات درونی و هیجانهای خود فرد مربوط است. ارزیابی هیجان به عنوان یک قسمت مهم از زندگی این افراد است. افرادی که نمره بالائی در این مقیاس می‌گیرند، موقعیتهای هیجانی مختلف را خیلی بیشتر و عمیقتر تجربه کرده و شادی و غم را خیلی شدیدتر از دیگران احساس می‌کنند. افرادی که نمره پائینی در این مقیاس می‌گیرند، افت هیجانی داشته و باور نمی‌کنند که موقعیتهای هیجانی خیلی مهمی نیز وجود دارند.

## اعمال (O<sub>4</sub>)

انعطاف‌پذیری در اعمال و رفتار. به صورت تلاش در فعالیتهای مختلف، رفتن به جاهای تازه و خوردن غذاهای غیرمعمول دیده میشود. افرادی که نمره بالائی در این مقیاس می‌گیرند، تازگی و تنوع را در امور آشنا و روزمره ترجیح می‌دهند و به یکسری از سرگرمیهای مختلف در طول زندگی مشغول می‌شوند. افرادی که نمره پائینی در این مقیاس می‌گیرند، تغییرات را مشکل می‌یابند و ماندن در وضعیت ثابت را ترجیح می‌دهند.

## عقاید (O<sub>5</sub>)

کنجکاوی ذهنی جنبه‌ای از انعطاف‌پذیری است که از قدیم شناخته شده است (فیسکه<sup>۱</sup>، ۱۹۴۹). این صفت نه تنها به صورت پیگیری فعال علایق ذهنی بخاطر خودشان دیده می‌شود بلکه به صورت فراخواندیشی و

علاقه به در نظر گرفتن عقاید جدید و احتمالاً غیرمعمول نیز دیده می‌شود. افرادی که نمره بالائی در این مقیاس می‌گیرند، هم از بحثهای فلسفی و هم از محرکهای ذهنی لذت می‌برند. انعطاف‌پذیری در عقاید لزوماً به هوش بالا دلالت ندارد، اما این حالت می‌تواند موجب رشد ظرفیتهای ذهنی باشد. افرادی که نمره پائینی در این مقیاس می‌گیرند، کنجکاوی محدودی دارند و اگر هوش بالا هم داشته باشند، تمرکز خاصی به عناوین محدود زمینه‌کاری خود دارند.

#### ارزشها (O<sub>6</sub>)

انعطاف‌پذیری در ارزشها به معنای آمادگی برای امتحان مجدد ارزشهای مذهبی، سیاسی و اجتماعی است. افراد غیر منعطف متمایل به پذیرش اقتدار و افتخارات سنتی هستند و سعی می‌کنند این افتخارات را حفظ نمایند. از اینرو به ارتباطهای سیاسی کم توجهند. انعطاف‌پذیری در ارزشها می‌تواند نقطه مقابل دگماتیسم باشد.

#### رویه‌های دلپذیر بودن (A)

##### اعتماد (A<sub>1</sub>)

اولین صفت دلپذیر بودن اعتماد است، افرادی که نمره بالائی در این مقیاس می‌گیرند، گرایش به این باور دارند که دیگران درستکار و خوش نیت هستند. افرادی که نمره پائینی در این مقیاس می‌گیرند، بدگمان و شکاک بوده و فکر می‌کنند که دیگران ممکن است خلافکار یا خطرناک باشند.

##### رک‌گوئی (A<sub>2</sub>)

افرادی که نمره بالائی در این مقیاس می‌گیرند رک، بی‌ریا و صاف و ساده هستند. افرادی که نمره پائینی در این مقیاس می‌گیرند، خیلی مایلند دیگران را در دست داشته باشند، هر چند با ریا، حيله‌گری یا فریب باشد. آنها این شیوه را لازمه مهارتهای اجتماعی می‌دانند و ممکن است اشخاص خیلی رک‌گو را ساده تلقی کنند. در تفسیر این مقیاس بهتر است گفته شود که ثبات نمره این مقیاس بستگی به سایر افراد دارد.

هم‌چنین افرادی که نمره پائین در این مقیاس می‌گیرند، احتمالاً در بیان احساسات واقعی خود طفره می‌روند. اما این حالت به معنای متقلب بودن یا زرنگی این افراد نیست. بخصوص این مقیاس نباید به عنوان یک مقیاس دروغ چه به منظور اعتبار خود آزمون و چه به منظور سنجش صداقت افراد تلقی شود.

### نوع دوستی (A<sub>3</sub>)

افرادی که نمره بالائی در این مقیاس می‌گیرند، توجه فعالی به دیگران دارند، خوشی را در بخشندگی می‌دانند، دیگران را در نظر می‌گیرند و دوست دارند به هنگام نیاز به دیگران کمک کنند. افرادی که نمره پائینی در این مقیاس می‌گیرند، شبیه افراد خود محور بوده به شرکت در مسایل دیگران بی‌علاقه‌اند.

### همراهی (A<sub>4</sub>)

این صفت مربوط به ویژگیهای رفتاری در برخوردهای بین فردی است. افرادی که نمره بالائی در این مقیاس می‌گیرند، تمایل دارند به دیگران احترام بگذارند، پرخاشگری خود را پنهان کنند، به بخشند و فراموش کنند، مردم را قبول می‌کنند و فروتن و ملایم هستند. افرادی که نمره پائینی در این مقیاس می‌گیرند پرخاشگرند رقابت جو هستند تا همراهی کننده و در مواقع ضروری ناراحتی خود را ابراز می‌کنند.

### تواضع (A<sub>5</sub>)

افرادی که نمره بالائی در این مقیاس می‌گیرند، فروتن بوده و به خود بی‌توجه هستند با وجود این دارای اعتماد بنفس یا عزت نفس پائینی نیستند. افرادی که نمره پائینی در این مقیاس می‌گیرند، فکر می‌کنند که افراد استثنائی هستند، از اینرو ممکن است در نظر دیگران از خود راضی یا متکبر جلوه کنند. کاهش مرضی شرم و فروتنی قسمتی از مفهوم بالینی فرد خود شیفته است.

### دلرحم بون (A<sub>6</sub>)

این مقیاس نگرشهای حساسیت و در نظر گرفتن دیگران را اندازه می‌گیرد. افرادی که نمره بالائی در این مقیاس می‌گیرند، به سوی دیگران گرایش دارند و در سیاستهای اجتماعی طرفدار افراد و نیازهای آنان هستند. افرادی که نمره پائینی در این مقیاس می‌گیرند، بیشتر مرد عمل هستند و کمتر به دلرحمی متوسل می‌شوند. آنها خود را واقع بین می‌دانند، افرادی که تصمیمات عاقلانه براساس منطق سرد می‌گیرند.

### رویه‌های با وجدان بودن (C)

#### کفایت (C<sub>1</sub>)

کفایت به این احساس مربوط می‌شود که فرد تا چه حد قابل، حساس، مآل اندیش و مؤثر است. نمره بالا نشان دهنده آمادگی و قابلیت فرد در ارزیابی زندگی است. افرادی که نمره پائین در این مقیاس می‌گیرند،

نسبت به توانائیشان بی عقیده هستند و احساس ناشایستگی و عدم آمادگی می کنند. در بین تمام مقیاسهای C، کفایت بالاترین ارتباط را با عزت نفس و کانون کنترل درونی دارد. (کوستا و مککری و ۱۹۹۱).

### نظم و ترتیب (C<sub>2</sub>)

نمره بالا در این مقیاس نشانه تمیزی، آراستگی، و مرتب بودن است. این افراد اشیاء را در جای صحیح خود قرار می دهند. افرادی که نمره پائینی در این مقیاس می گیرند، قادر به سازمان دادن نیستند و خود را فردی نامرتب توصیف می کنند. نظم و ترتیب خیلی زیاد و شدید ممکن است منجر به اختلال شخصیتی و سواس شود.

### وظیفه شناسی (C<sub>3</sub>)

از جهتی با وجدان بودن به معنای «اداره کردن آگاهانه» است و این جنبه از C به عنوان وظیفه شناسی قلمداد شده است. افرادی که نمره بالائی در این مقیاس می گیرند، به اصول اخلاقیشان پای بند بوده و تعهدات اخلاقیشان را بطور دقیق انجام می دهند. افرادی که نمره پائین در این مقیاس می گیرند با مسایل اخلاقی بطور اتفاقی برخورد می کنند و ممکن است احساس عدم استقلال و بی اعتمادی در دیگران ایجاد نمایند.

### تلاش برای موفقیت (C<sub>4</sub>)

افرادی که نمره بالائی در این مقیاس می گیرند، سطح آرزوی بالائی دارند و خیلی سخت کار می کنند تا به اهداف خود برسند. این افراد ساعی و هدفمند بوده قدرت جهت دهی خوبی در زندگی دارند. افرادی که نمره پائین در این مقیاس می گیرند، بی حال و تنبل هستند و برای موفقیت تلاش نمی کنند. هم چنین بلند همت نبوده ممکن است فردی بی هدف جلوه کنند. این افراد اغلب از سطح پائین موفقیت خود کاملاً راضی هستند.

### خویشنداری (C<sub>5</sub>)

منظور از این مقیاس توانایی افراد در شروع وظایف و ادامه آن در جهت تکمیل آن علی رغم دلتنگیها و آشفتگیهاست. نمره بالا نشان دهنده توانایی افراد در تحریک خود برای انجام کارهاست. افرادی که نمره پائینی در این مقیاس می گیرند، در شروع کارهای عمومی مسامحه می کنند و باسانی از ادامه کار باز میمانند و اغلب مشتاق آسودگی خیال و راحتی هستند این افراد به آسانی در موقعیت شتابزدگی گنج میشوند.



خویشتن‌داری پائین و شتابزدگی هر دو به مفهوم خود‌کنترلی ضعیف است اما ایندو از لحاظ تجربی متمایز از یکدیگرند.

افرادی که نمره آنها در شتابزدگی بالا است نمی‌تواند ثباتی در انجام آنچه که نمی‌خواهند انجام دهند، داشته باشند. اما افرادی که نمره آنها در خویشتن‌داری پائین است نمی‌توانند خود را مجبور به آنچه که می‌خواهند انجام دهند، بکنند. مشخصه اول یک ثبات هیجانی است اما دومی درجه‌ای از انگیزه است که فرد فاقد آن است.

### محتاط در تصمیم‌گیری (C<sub>6</sub>)

این مقیاس مربوط است به حد تمایل افراد به فکر کردن قبل از اقدام به عمل است. نمره بالا در این مقیاس نشان‌دهنده تامل زیاد و احتیاط افراد در انجام امور است افرادی که نمره پائین در این مقیاس می‌گیرند. بی‌تامل بوده و بدون توجه به تبعات آن، صحبت کرده یا عمل می‌کنند. نمره خیلی پائین در این مقیاس نشان‌دهنده بی‌اختیاری افراد است و حاکی از آن است که این افراد به راحتی از تصمیمات خود صرف‌نظر می‌کنند.

### رضایت از زناشویی

منظور از رضایت زناشویی روابطی است که زوجین از آن خشنودی لازم را داشته باشند.

الیس<sup>۱</sup> (۱۹۸۹)، به نقل از سلیمانیان (۱۳۷۳) معتقد است، رضایت از زناشویی احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر است، هنگامی که جنبه‌های ازدواجشان را در نظر می‌گیرند. رضایت یک متغیر نگرشی است و بنابراین خصوصیت فردی زن و شوهر محسوب می‌شود. بنظر بک<sup>۲</sup> (۱۳۷۱) در زمینه رضایت از زندگی زناشویی برداشت زن یا شوهر از رفتار یکدیگر بیش از خود رفتار حائز اهمیت است.

اولسون<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۸۹)، به نقل از میرخشتی، (۱۳۷۵). در مورد رضایت از زندگی زناشویی اظهار می‌دارند که سه زمینه کلی رضامندی که با هم تداخل دارند و وابسته به یکدیگر عبارتند از رضایت افراد از ازدواجشان، رضایت از زندگی خانوادگی، و رضایت از زندگی به طور کلی و چندین تحقیق نشان داده‌اند

---

1- Ellis

2- T.Beck

3- Olson



که رضامندی زناشویی با رضایت از کل زندگی به اندازه رضایت از هر قسمت دیگر زندگی یا بیشتر همپوشی دارد. (آندرلوس و ویتی<sup>۱</sup> ۱۹۷۴، به نقل از اولسون و همکاران ۱۹۸۹) ایس (۱۹۸۶) به نقش تفکر در رضامندی و نارضامندی زناشویی پرداخته است. توافق زن و مرد در مورد مسائل مختلف زندگی نقش عمده‌ای دارد که این توافق متأثر از طرز تفکر و عقاید آن دو می‌باشد. (به نقل از فارسانی، ۱۳۷۴) تحقیقات اپستین<sup>۲</sup> نشان داد سه طبقه از پدیده‌های شناختی که می‌توانند باعث کاهش رضامندی زناشویی گردند عبارتند از:

۱- افکار اتوماتیک

۲- انتظاراتفاق حوادث در رابطه.

۳- اعتقادات غیرمنطقی و غیرواقع بینانه.

دانیل<sup>۳</sup> (۱۹۷۲) بیان کرده است که زن و شوهرهایی که دارای عقاید، نگرشها و ارزشهای یکسانی هستند در زندگی زناشویی خوشبخت‌ترند. (به نقل از رحمانی، امین، ۱۳۷۵) از جمله عواملی که در رضایت زناشویی مؤثر است جایگاه نقش و مسئولیتهایی است که زن و مرد در خانواده دارند، در ادامه با نگاهی به تاریخ در می‌یابیم که علیرغم تغییرات زیادی که در نقش‌های زنانه و مردانه دیده میشود تصورات قالبی جنسیتی ثابت مانده است که این تصورات نقشی بسیار تعیین کننده در روابط زن و مرد دارند.

مروری بر پژوهش‌های پیشین در زمینه رضایت زناشویی:

مارکوسکی و گرین وود<sup>۴</sup> ۱۹۸۴ به این نتیجه رسیدند که یک ارتباط مثبت عملی میان رضایت زن و شوهر وجود دارد بدین معنی که افرادی که در زندگی زناشویی موفق هستند در روابط اجتماعی نیز افراد راضی و موفق هستند و عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی را به شرح زیر بیان می‌دارد.

۱- ابراز محبت و عشق زوجین نسبت به یکدیگر ۲- احترام به همسر ۳- برقراری روابط اجتماعی ۴- روابط جنسی ۵- مسائل اقتصادی ۶- ارتباط با اقوام ۷- نظام ارزشی و عقیدتی و مذهبی ۸- علائق و طرز تفکر.

---

1- Andrews & withey

2- Epstein

3- Darniel

4- Markosky & Greanwood

داشتن توافق نسبت به موضوعات مهم زندگی یکی از مسائلی است که در موفقیت و رضامندی زندگی زناشویی نقش دارد. (به نقل از اسماعیلی فراسانی، ۱۳۷۲).

برودریک<sup>۱</sup> ۱۹۸۶ در تحقیقی نشان داده که متغیرهای عاطفی و نگرشی با واریانس بسیار منحصر در مقایسه با متغیرهای رفتاری در رضامندی زناشویی موثر میباشند.

## مفهوم سازگاری<sup>۲</sup>

در لغت نامه دهخدا واژه «سازگاری» موافقت درکارها، حسن سلوک، و در مقابل آن ناسازگاری بعنوان «بد سلوکی» بدرفتاری و سازگاری نکردن و ... تعریف شده است.

سازگاری به طور کلی یعنی رابطه‌ای که هر ارگانیسم نسبت به وضع موجود با محیط خود برقرار میسازد این اصطلاح معمولاً در رابطه با سازگاری اجتماعی و روانشناختی بکار برده می‌شود، و در چنین مواردی مفهوم مثبتی دارد، مفهوم ضمنی آن این است که فرد درگیر فرایندی مستمر و پرمایه برای ابراز استعدادهای خود، واکنش نسبت به محیط و در عین حال تغییر دادن آن به گونه‌ای مؤثر و سالم است. (پورافکاری، ۱۳۷۶).

از نظر لغوی، فعل «سازگار شدن»<sup>۳</sup> به معنی متناسب بودن - مربوط بودن، انطباق یا وفق دادن می‌باشد. (عبدی فرد، ۱۳۷۴).

لازاروس<sup>۴</sup> (۱۹۶۳) در مورد سازگاری می‌گوید ما باید خودمان را با توجه به تناسب تقاضاهایمان از محیط وفق دهیم. بنابراین مطالعه «سازگاری» شامل این مساله است که چگونه این وفق دادن انجام می‌گیرد و چطور با تقاضاها و نیازها معنا پیدا می‌کند. راجرز (۱۳۵۷) در تعریف سازگاری می‌گوید: «منظور از سازگاری انطباق متوالی با تغییرات و ایجاد ارتباط بین خود و محیط است به نحوی که حداکثر خویشتن‌سازی را همراه با رفاه اجتماعی ضمن رعایت حقایق خارجی امکان‌پذیر می‌سازد به این ترتیب «سازگاری» به معنی هم‌رنگی با جماعت نیست. «سازگاری» یعنی این حقیقت که فرد باید هدفهای خود را با توجه به چهار چوبهای اجتماعی، فرهنگی تعقیب نماید.

---

1- Brodrick

2- adjustment

3- to adjust

4- Lazarus

«سازگاری» فرایند پیوسته‌ای است که در آن، تجربیات یادگیری اجتماعی شخص، باعث ایجاد نیازهای روانی می‌گردد و نیز امکان کسب توانایی و مهارتهایی را فراهم می‌سازد که از آن طریق می‌توان به ارضاء آن نیازها پرداخت. (گوداستین<sup>۱</sup>، لانیون<sup>۲</sup>، ۱۹۷۵)

(شولتس<sup>۳</sup>، ۱۹۷۷) معتقد است سازگاری بیش از روان‌نژند یاروان پریش نبودن است.

در زندگی همه موجودات زنده تسلسل پیدایش نیاز و ارضاء آن بچشم می‌خورد ما این تسلسل را فرایند سازگاری می‌گوییم. (والی پور، ۱۳۷۴)

سازگاری انسان دو جنبه دارد. سازگاری انسان با خویشتن و محیط درون و سازگاری انسان با دیگران و پیرامون. این دو محیط درونی و بیرونی که انسان باید با آن سازگار شود در حقیقت دوروی یک سکه‌اند و با هم روابطی بسیار پیچیده و نزدیک دارند.

سازگاری اجتماعی براین ضرورت متکی است که نیازها و خواسته‌های فرد با منافع و خواسته‌های گروهی که در آن زندگی می‌کند. هماهنگ و متعادل میشود و حتی الامکان از برخورد و اصطکاک مستقیم و شدید با منافع و ضوابط گروهی جلوگیری بعمل آید.

انسان بزرگسال طبیعی موجودی است که بالاترین اندازه از سازگاری با شرایط محیط زندگی را دارد. (محمد، ۱۳۷۶)

#### فرآیند سازگاری :

جریان «سازگاری» از مراحل بهم پیوسته‌ای تشکیل شده است، آغاز فرایند «سازگاری» از نیاز یا سائق شروع شده و با ارضای آن خاتمه می‌یابد. برای روشن شدن فرایند «سازگاری» می‌توان به مراحل زیر اشاره کرد:

۱- برانگیختگی و احساس نیاز (جسمی، جنسی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، معنوی)

۲- انتخاب هدف یا حرکت به سوی هدف برای ارضای نیاز

۳- برخورد به مانع یا مشکل

۴- شکست در روش اولیه و انتخاب روشهای جدیدتر

---

1- Goodstein

2- Lanyon

3- Schults

۵- کارآمد شدن یکی از روشهای حل مشکل

۶- رسیدن به هدف

۷- انگیزه اجتناب از برخورد با مانع و فرار از ادامه راه برای رسیدن به هدف و وقوع ناسازگاری در برخی موارد. (اسلامی نسب، ۱۳۷۳)، اما این مقوله که سازگاری به چه عواملی بستگی دارد نیاز به بحثی مستقل دارد.

### - عوامل موثر در سازگاری

سازگاری رضایت بخش فرد با موقعیتهای اجتماعی عمده زندگی، به طور مستقیم با میزان ارضای همه نیازهای اساسی مرتبط است نیازها و ارضاء آنها بخصوص به ادراک افراد بستگی دارد که با توجه به سن، جنس، استعدادهای ارثی، فرهنگ، طبقه اجتماعی، شغل، محل جغرافیایی، تعلیم و تربیت، تجارب و سازگاریهای زندگی اشخاص دیگر در محیط فرد تغییر پیدا می کند. (گریسون<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۶۷). (اسلامی نسب، ۱۳۷۳) متغیرهای اساسی که در روند سازگاری مؤثرند را به صورت زیر طبقه بندی می کند.

۱- شخصیت فرد

۲- ادراک فرد از مشکل

۳- شدت مشکل و مسأله

۴- حمایتهای اجتماعی

۵- راههای ممکن برای رسیدن به هدف

۶- توانایی و استعداد برای مراقبت از سلامت خود

۷- درک فرد از موقعیت خود

۸- روش زندگی و شخصیت فرد

۹- نگرشها و فعالیتهای محیطی مؤثر.

## سازگاری زناشویی

سازگاری زناشویی<sup>۱</sup> در مطالعات مربوط به ازدواج و زندگی خانوادگی به صورتهای متعددی تعریف شده است. بعنوان مثال هالت<sup>۲</sup> (۱۹۶۹) سازگاری زناشویی را به صورت زیر تعریف کرده است «عوامل پیچیده‌ای همچون میزان تعارض و سهیم شدن در فعالیتهای که با خوشحالی و موفقیت در زندگی زناشویی همراه است» و یا اینکه «لی مسترز»<sup>۳</sup> آنرا به عنوان «ظرفیت انطباق و توانایی حل مسأله، تعریف می‌کند.» (به نقل از فیس لوگلو<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴).

در تعریف سازگاری زناشویی اتفاق نظر کلی وجود ندارد و علت این عدم توافق، عوامل اجتماعی، روانشناختی، شخصیتی، شناختی مختلفی است که با سازگاری زناشویی ارتباط دارند. ازدواج مستلزم سطح پایداری از سازگاری از جانب طرفین است سازش و سازگاری به معنای آن نیست که به همسران یاد داده شود تا همواره از خواسته‌های خود چشم‌پوشی کنند. بلکه به این معناست که خواسته‌های خود را با خواسته‌های همسرشان هماهنگ سازند. (برنشتاین<sup>۵</sup>، ۱۹۸۰)

شعاری نژاد (۱۳۷۴) خصوصیات زوجین سازگار را به شرح زیر بیان می‌کند:

- ۱- زن و شوهر با رابطه‌ای که دارند خود را خوشبخت می‌دانند.
- ۲- ارضاء کامل نیازهای جسمانی و عاطفی انجام می‌گیرد.
- ۳- هر یک از همسران زندگی همسرش را بارور می‌گرداند.
- ۴- محیط زناشویی، شخصیت هر کدام از زن و شوهر را ارزشمند می‌گرداند و به هر یک امکان می‌دهد و کمک می‌کند که به عنوان یک شخص، استعدادهای ذاتی خود را شکوفا سازد و تحقق بخشد.
- ۵- پشتیبانی متقابل دارند، هر یک از زن و شوهر «من» دیگری را تهدید نمی‌کند و از بودن با همدیگر احساس آرامش می‌کنند.

---

1- Marital Adjustment

2- Hault

3-Lemasters

4- Fisloglu

5- Branschtain

۶- نسبت به هم درک و قبول متقابل دارند.

۷- روابط زن و شوهر به شکلهای زیر منعکس می‌شود: مراقبت، توجه به رفاه و خوشبختی یکدیگر، احترام متقابل، احساس مسئولیت اختیاری (نه اجباری) نسبت به نیازهای یکدیگر.

بروکلی<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) ۸۵ موردی را که سبب ایجاد تعارض و ناسازگاری بین زوجین می‌شود نام می‌برد و آنها را در سه دسته کلی جای می‌دهد.

۱- رفتارهای ویژه: برخی از تعارض‌ها ناشی از رفتارهای یکی از طرفین است که مغایر با رفتارهای فرد دیگر است، در رفتارهای ویژه نقش ارزشها حائز اهمیت است. مثلاً شخص در اطاق می‌خواهد به مطالعه بپردازد، دیگری دوست دارد با صدای بلند به موسیقی گوش دهد.

۲- هنجارها و نقش‌ها: برخی از ناسازگاریها ناشی از انجام ندادن تعهدات و مسئولیتهایی است که فرد در ابتدای زندگی قبول کرده است.

۳- خلق و آمایه‌های شخصی در زندگی هر فرد نقش بازی می‌کند. از جمله می‌توان به تیپهای شخصیتی و ویژگیهای شخصیتی زوجین اشاره نمود (به نقل از علیمحمدی، ۱۳۷۹)

تحقیقات متعددی تأثیر نحوه ارتباط زوجها بر سازگاری زناشویی و همچنین شیوه‌های تعاملی زوجهای پریشان و غیر پریشان را مورد مطالعه قرار داده‌اند از جمله:

در یک تحقیق، تفاوت‌های رفتارهای ارتباطی همسران در ۲۳ زوج که از رضایتمندی و سازگاری بالایی برخوردار بودند و ۲۳ زوج که جهت مشاوره مراجعه کرده بودند، مورد مقایسه قرار گرفت، تحلیل داده‌ها نشان داد که زوجهای رضایتمند در مقایسه با گروهی که برای مشاوره مراجعه کرده بودند، در ارتباطات خود با یکدیگر توافق بیشتری داشتند و نمره‌های سازگاری زناشویی آنها نیز به طور معنی‌داری هماهنگ‌تر بود (یلمسما<sup>۲</sup>، ۱۹۸۴)

در مطالعه دیگری، تعاملات کلامی زوجهای دارای سازگاری بالا، متوسط، پایین، مورد تحلیل قرار گرفت، نتایج نشان داد که در الگوهای مهم ارتباطی، زوجهایی با سازگاریهای مختلف، تبادلات کلامی متفاوتی

---

1- Brookly

2- Yelsma

داشتند.

زوجهایی که سازگاری بالایی داشتند، بیشتر از عبارات محبت آمیز تأیید کننده و حمایت کننده استفاده می کردند و در تعاملاتشان نوعی احساس شوخ طبعی را وارد می کردند و تبادل اطلاعات جدید را سهولت می بخشیدند. ولی افراد با رضامندی و سازگاری پایین در استفاده از تأیید خیلی خشک بودند، از رفتارهای همسر گله می کردند و او را مورد حمله قرار می دادند و با بیانات توجیهی از خودشان دفاع می کردند. (تینگ<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲) و وِگین<sup>۲</sup> و مودی<sup>۳</sup> (۱۹۸۳) در تحقیقات خود نشان داده اند زوجهایی که توانایی درک و پذیرش افکار و احساسات یکدیگر را داشته باشند در زندگی زناشویی سازگارترند (به نقل از میرخشتی، ۱۳۷۵)

مارکوسکی و گرین وود<sup>۴</sup> (۱۹۸۴) بیان می دارند که داشتن توافق نسبت به موضوعات مهم زندگی یکی از مسائلی است که در موفقیت و سازگاری زناشویی نقش مؤثری دارد. (به نقل از اسماعیلی فارسانی، ۱۳۷۴) دارنیل (۱۹۷۲) نیز بیان کرده است، زوجهایی که دارای عقاید و نگرشها و ارزشهای یکسان و هماهنگی هستند در زندگی زناشویی سازگارترند. (به نقل از رحمانی، ۱۳۷۵).

کانی و برادبوری<sup>۵</sup> (۱۹۹۵) در یک بررسی فرا تحلیلی از ۱۱۵ تحقیق مربوط به کیفیت زندگی زناشویی، رفتار و تبادل منفی را مهمترین پیش بینی کننده کاهش سازگاری زناشویی شناسایی کردند. البته شواهدی وجود دارد که نشان می دهد، فراوانی رفتارهای منفی به تنهایی نمی تواند با کیفیت ازدواج و سازگاری زناشویی رابطه داشته باشد، بلکه نسبت رفتارهای منفی به رفتارهای مثبت مهم است (گاتمن<sup>۶</sup>، ۱۹۹۳). گوردون<sup>۷</sup> (۱۹۹۹) رابطه شناختهای زوجها درباره ازدواج و الگوهای ارتباطیشان را با سازگاری زناشویی مورد مطالعه قرار داد، در این تحقیق ۳۸۷ نفر از زوجها، سه مقیاس خودسنجی را تکمیل کردند که عبارت بود: از مقیاس

---

1- Ting

2- Wiggin

3- Moody

4- Marckovschy & Grinwood

5- Konny & Bradbury

6- Gottman

7- Gordon



سازگاری زناشویی، پرسشنامه معیارهای رابطه‌ای مخصوص و پرسشنامه الگوهای ارتباطی، نتایج نشان داد که همبستگی ارتباط با سازگاری زناشویی برای زنانی که معیارهای متمرکز بر رابطه بیشتر داشتند، بالاتر از زنانی بودند که این معیارها در آنها پایین‌تر بود. این تعامل در مورد مردان وجود نداشت.

به علاوه نتایج تحقیقات نشان داد که سازگاری زناشویی مثبت با ویژگیهای فردی و زوجی مانند ارتباط مؤثر، شباهت نگرشها<sup>۱</sup> و حرمت خود<sup>۲</sup> بالا همبستگی داشته است. قدر مسلم آنکه نمی‌توان به این ویژگیهای مؤثر برسازگاری زناشویی به طور ایستا نگریست. چرا که آدمی در خانواده پا به عرصه وجود می‌گذارد؛ در اثر طی مراحل اولیه تحول با هشیار شدن به تمایز خود از دیگران، نوع رابطه متقابل خود با آنان به ویژه با مادر و سایر عوامل تحول، پایه‌های شخصیت یا به بیان دیگر ساخت آن را که با تعبیر گوناگون از سوی نظریه‌پردازان مطرح شده، شکل داده؛ در مراحل بعد با حضور در عرصه‌های اجتماعی متعدد آن از یک سو تلاش برای مواجهه با قطع سازش ایجاد شده در دوره تحولی جدید از سوی دیگر، سازه<sup>۳</sup> و ویژگیهای شخصیت<sup>۴</sup> را تحکیم و غنای بیشتری می‌بخشد. براساس نظریه تحولی اریکسن<sup>۵</sup> (۱۹۸۲) ازدواج معمولاً در راستای نیاز مرحله ششم تحول شخصیت فرد یعنی همجوشی، مردم‌آمیزی یا نیاز به صمیمیت<sup>۶</sup>، در برابر مردم‌گریزی یا انزوا<sup>۷</sup>، مطرح است؛ ارضای صحیح این نیاز تا حد زیادی مرهون طی مراحل قبل به ویژه مرحله نوجوانی و کسب هویت<sup>۸</sup> برای تقویت آن در این مرحله است (مای‌لی، ۱۹۵۷). همسو با این نظریه، سایرین نیز برای موفقیت ازدواج در مراحل بعد، حصول و تحقق آمادگی فرد در سه زمینه آمادگی زیستی، روانشناختی و اجتماعی را حداقل لازم می‌دانند که شکل آرمانی آن، منوط به طی موفقیت آمیز مراحل قبل

---

1- Attitudes

2-Self - esteem

3- Construct

4-Personality

5- Erikson, E.H

6-intimacy

7-isolation

8- identity

9- Meili, R

به ویژه نوجوانی؛ ایجاد ارتباط بین عناصر پراکنده و متفرق شخصیت خود با یکدیگر و تدارک و تجربه تعارض های قبل از نوجوانی است؛ همچنین این فکر که موجودی یگانه و از لحاظ جنسی متمایز هستند و بازسازی مفهوم شخصی و معنای روابطش با افراد و حتی پدیده ها در پی توحید بخشیدن به ابعاد جدید جسمانی و جنسی خویش و اینکه بزودی باید مسئولیتهای حرفه ای و خانوادگی را برعهده بگیرند؛ به سازش صحیحی نائل آیند و قادر به انتخاب و طرح فعالیت های خود در جنبه های مختلف باشند. به عبارت دیگر ارتباط دو مرحله و بلکه استحال نوجوانی در جوانی و امتداد تحول روانشناختی در مرحله جوانی و حتی پس از ازدواج را مورد تأکید قرار داده است.

لیونسن<sup>۱</sup>، کرستسن<sup>۲</sup> و گاتمن<sup>۳</sup> (۱۹۹۳)؛ نیکولز<sup>۴</sup> (۱۹۸۸) و وینه<sup>۵</sup> (۱۹۸۴) برای ارزیابی ازدواج عناصر متعددی مطرح نموده اند. این عناصر بنیانی در ادبیات و پیشینه پژوهشی، با نامهای متعددی مطرح شده است که مهمترین ابعاد آن را می توان تظاهرات (ترکیبات) ویژگیها، عوامل فرهنگی و نژادی، قرارداد، تعهد<sup>۶</sup>، رسیدگی<sup>۷</sup>، ارتباط و حل تعارض<sup>۸</sup> دانست (بیرچلر<sup>۹</sup> و اسکوارتز<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۴؛ نیکولز، ۱۹۸۸).

تجلی اثر برخی از این عوامل را می توان از مراحل آغازین ازدواج و تشکیل خانواده، یعنی وهله انتخاب همسر مشاهده کرد؛ مرحله ای که از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. هر چند افراد در پایگاههای اجتماعی قبل نظیر خانواده، گروه همسالان و نهادهای وسیع تر از قبیل مدرسه، با نمونه های بسیار ابتدایی تر آن، یعنی انتخاب اشیاء، افراد، موقعیتها و عوارض فردی و اجتماعی آن آشنا شده اند و تأثیر این آشنایی و دستاوردهای آن می تواند در انتخاب همسر مفید باشد، باید اذعان نمود که این انتخاب از نظر ساختار و

---

1- Levenson.R.W

2- Carstensen, L.L.

3-Gottman,J.M.

4- Nichols. C.W.

5- Wynne,L.C.

6- Commitment

7- Caring

8- Conflict resolution

9- Birchler, G.R.

10- Schwartz.L.

کنش وری با آنها متفاوت است؛ از این رو، به دلیل تأثیر پذیری از عوامل مختلف که به بخشی از آن اشاره شد و همچنین تأثیر غیرقابل انکار آن بر روند و نتیجه روابط در آینده، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. تاکنون نظریهٔ جامعی برای تبیین انتخاب صحیح، بجز فرضیه‌هایی مانند میزان شباهت افراد در ویژگیهای شخصیت، باورها و بازخوردها، مجاورت، زیبایی همسران در مقابل فرضیهٔ مکمل گرایی آن و انطباق شخص با محیط ارائه نشده است و در بیشتر پژوهشها، تأثیر شباهت ویژگیها در انتخاب همسر و سازگاری زناشویی و تأثیر انطباق شخص با محیط نیز در گستره‌های مختلف مانند تحصیلی، حرفه‌ای مورد تأیید قرار گرفته، به گونه‌ایکه انطباق بیشتر ویژگیهای شخصیتی فرد با ویژگیهای محیط، موفقیت و سازگاری بیشتر وی را در آن زمینه در پی داشته است. با وجود این ویژگیهای مزبور بیشتر به صورت رگه‌های خاص و منفرد بررسی شده و در سطح نتایج نیز، فاقد همگرایی کافی بوده است. جاذبهٔ این رگه‌ها و عوامل منفرد به برداشتهای متنوع در مرحلهٔ پس از انتخاب و شروع زندگی مشترک به عنوان مرحلهٔ جدیدی از تحول، همهٔ دستاوردهای ناشی از طی مراحل قبل و تجارب کسب شده در موقعیت‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی به میدان زندگی دو نفره آورده میشوند؛ از این رو امکان بررسی ارتباط متغیرهای مختلف فردی و اجتماعی با جلوه‌ها و نتایج متنوع این رابطه، از رضایت‌مندی و سازگاری زناشویی تا کیفیت نامناسب جو حاکم بر روابط و از هم گسیختگی رابطهٔ زناشویی از یک سو و رابطهٔ این کیفیت و میزان ثبات زناشویی با متغیرهای منتج از آن و آثار سوء آن بر فرد و اجتماع از سوی دیگر فراهم می‌شود.

بنابراین هر یک از همسران با پیشینه‌های تحولی<sup>۱</sup> و سبک شخصیتی<sup>۲</sup> و همچنین ترکیب عوامل زیست‌شناختی، محیطی یا تجربی گوناگون به زندگی مشترک قدم می‌گذارد. برخی از همسران ممکن است سطوح متفاوتی از معایب یا نارسایی در ویژگیها را آشکار نمایند. لازم به یادآوری است که اصطلاح ویژگی در معنای وسیع آن مد نظر است یعنی ویژگیهای شخصی فرد که گرایش به ثبات و پایداری دارند و نقش عمده‌ای در تعریف و مشخص نمودن فرد ایفا می‌کنند.

همچنین بررسی‌های مربوط به اثر پیشینه خانوادگی افراد، مانند تعداد افراد خانواده، ترتیب تولد، فاصله

---

1- Developmental history

2- Personality Style

سنی بین فرزندان، جنس خواهر و برادر کوچکتر و بزرگتر، میزان و کیفیت حضور پدر در خانواده، کیفیت ایفای نقش‌های والدینی<sup>۱</sup> از سوی پدر و مادر و میزان تناسب نقشها با جنس و وضعیت رفتارهای کنونی آنان در خانواده نشان داده است که تعداد افراد خانواده می‌تواند میزان دریافت توجه مثبت را تعیین کند و شاید بتوان موفقیت بیشتر فرزندان اول را به این میزان توجه نسبت داد (دام،<sup>۲</sup> دیویز<sup>۳</sup> و اکانر،<sup>۴</sup> ۲۰۰۱).

تجارب بالینی و ادبیات پژوهشی حاکی از آن است که برخی از افراد که دارای ازدواج قبلی یا متعلق به خانواده‌های مختلط بوده‌اند یا آنهایی که در روابط بین فردی با دوستان و بستگان خود، شکست را تجربه کرده و به طور نامتناسبی رشد یافته‌اند و همچنین افرادی که شکست در ازدواج‌های متعدد را تجربه کرده‌اند، به احتمال بیشتری با مشکلات سازگاری مداوم در روابط جدیدشان مواجه خواهند بود (دام، دیویز و اکانر، ۲۰۰۱).

از این رو در بررسی سازگاری زناشویی و عوامل مرتبط با آن انتظارات و تجاربی را که هر کدام از همسران به رابطه کنونی آورده‌اند و نوع و میزان ضربه‌های وارده از خانواده یا روابط قبلی مورد توجه قرار می‌گرفته است. (هازان<sup>۵</sup> و شیور<sup>۶</sup>، ۱۹۹۴). به عبارت دیگر فرض بر آنستکه تجارب قبلی آنان بر الگوهای رفتار روزمره، شناخت‌ها، کیفیت مواجهه با مشکلات و تعارض‌ها و نوع جهت‌گیری‌های عاطفی‌شان به عنوان الگوهای تعامل زناشویی<sup>۷</sup> در حال تحول در طی زمان، اثر می‌گذارد و قصور یا شکست در تشخیص و درمان مناسب و به موقع آسیب‌های موجود در روابط، تقریباً با اطمینان زیاد به تشدید نارسایی در کنش وری زناشویی می‌انجامد. همین‌طور قصور در تشخیص ویژگی‌های مثبت و قوی، شکست در فراهم نمودن امکان استفاده از این قوت در کمک به آنان در حل تعارض‌های معمول‌تر را در پی دارد.

---

1- Parental roles

2- Dum.J.

3- Davies,L.C.

4- Oconner.T.G

5- Hazan,C.

6- Shaver,P.

7- marital interaction patterns

ارتباط سازگاری عمومی و سازگاری زناشویی و سلامت روانی از یک سو و ارتباط متغیرهای مرتبط با آن مانند عوامل شخصیت و سبکهای رویاگری یا مقابله<sup>۱</sup> با فشار روانی<sup>۲</sup> به ویژه فشارهای زناشویی نیز از موضوعات مهم مورد بررسی در این گستره بوده است.

نتایج تحقیقات انجام شده درباره چگونگی رویارویی افراد با فشار روانی در دهه گذشته، همواره تأیید کننده رفتار مقابله‌ای<sup>۳</sup> به عنوان عامل مهم و اصلی بین تجربه فشار روانی و نتایج سازش یافتگی مانند سلامت روانشناختی ضعیف و علایم جسمانی است (آلدوین<sup>۴</sup> و ریونسن<sup>۵</sup>، ۱۹۸۷) شما به اینهمه منابع چگونه دسترسی داشته‌اید؟ همچنین منابع صفحات ۵۴ و ۵۵ براساس دیدگاه‌های مختلف نیز فرض بر این است که تجربه استرس (از منبع بیرونی یا درونی) با ازدواج و زندگی خانوادگی مرتبط است. به علاوه استرس احساس شده توسط یکی از دو نفر بر همسر دیگر نیز اثر می‌گذارد (ویلسن<sup>۶</sup>، لارسن<sup>۷</sup> و استن<sup>۸</sup>، ۱۹۹۳). مطالعات متعددی درباره رابطه استرس و سازگاری دو نفره انجام شده که نتیجه عمده آن، همبستگی منفی بین سطوح بالای استرس با سازگاری دو نفره بوده است (لاوی همکاران، ۱۹۸۷؛ مک لافلین<sup>۹</sup>، کرمیر<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۸). از این رو، مانند آنچه در رابطه بین سلامت جسمانی و سازگاری دو نفره وجود داشته، انتظار می‌رود که رابطه معکوسی بین تنیدگی و سازگاری دو نفره زنان و شوهران مشاهده شود.

همچنین نقش شخصیت به عنوان پیش‌بینی کننده سبکهای مقابله‌ای توجه فزاینده‌ای را به خود جلب نموده است. از سوی دیگر، برای اینکه بتوان در مقابله با استرس‌ها و مبارزه طلبی‌های زندگی موفق بود نیز آگاهی از عوامل شخصیت بسیار مفید است چرا که این سبکها در نهایت تعیین کننده چگونگی ادراک جهان و

---

1- Coping Styles

2- Stress

3- Coping behavior

4- Aldwin, C.M

5- Revenson, T.A

6- Wilson, S.M

7- Larson, J.H.

8- Stone, K.L.

9- McFaulin, M

10- Cormier, L.S

واکنش به رویدادهای استرس آورست. بدیهی است برخی منعطف‌تر از دیگران و درمقابله با کشاکش‌ها و چالش‌های زندگی<sup>۱</sup> موفق‌ترند.

از این‌رو، ویژگیهای شخصیت را به عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده کوتاه مدت و بلند مدت سبکهای مقابله‌ای نیز مشخص نموده‌اند (اندلر<sup>۲</sup> و پارکر<sup>۳</sup> ۱۹۹۰) به عبارت دیگر تا حد زیادی این سبکها را تحت تأثیر عوامل شخصیت دانسته‌اند. بلگر<sup>۴</sup> (۱۹۹۰) نیز در این زمینه معتقد است که سبکهای رویارویی در عمل چیزی جز جلوه‌های شخصیت نیستند. براساس آنچه ذکر شد و همچنین نظرکاستا<sup>۴</sup> و مک‌گری<sup>۵</sup> (۱۹۸۴) عوامل مختلف بیرونی و درونی بر روابط و سازگاری زناشویی مؤثر هستند که اهمیت بیشتری برای عوامل درونی مانند صفات<sup>۶</sup> شخصیت، سبکهای هیجانی، ارتباطی، تجربی، بازخوردی و انگیزشی قائل شده و از بین اینها، عوامل شخصیت را برای پیش‌بینی سازگاری زناشویی مهم‌تر دانسته‌اند.

به عبارت دیگر یافته‌های پژوهشی نشان داده است که عوامل و ابعاد شخصیتی بهتر از متغیرهای تقویمی مانند سن، سطح تحصیلات یا سابقه جدایی در گذشته کیفیت رابطه زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. (بتلر<sup>۷</sup> و نیوکامب<sup>۸</sup>، ۱۹۷۸)

روابط بین عوامل شخصیت و نتایج ازدواج نیز با استفاده از طرحهای پژوهشی مقطعی<sup>۹</sup> (لانگ و آندروز<sup>۱۰</sup> ۱۹۹۰، و هم با استفاده از طرحهای پژوهشی طولی<sup>۱۱</sup> مورد بررسی قرار گرفته و ارتباط آن دو مورد تأیید واقع شده است (بتلر و نیوکامب ۱۹۷۸).

- 
- 1- Life challenges.
  - 2- Andler, R
  - 3- Parker, M
  - 4- Costa, P.T
  - 5- McCrae, R.R
  - 6- Traits
  - 7- Bentler, P.M
  - 8- Newcomb, M.D
  - 9- Cross – sectional design
  - 10- Andrews, D.W
  - 11- Longitudinal



مطلوبیت زندگی، رضایت و خشنودی از آن، کیفیت و میزان سازگاری زناشویی نیز مانند سازگاری در زندگی مجردی از عوامل مختلف تأثیر می‌پذیرد، از این رو ارزیابی این عوامل در سطح افراد و روابط آنان بخشی از ادبیات مشاوره ازدواج و خانواده به حساب می‌آمده است. ریشه‌های نخستین آن در کارهای هامیلتون<sup>۱</sup> (۱۹۲۹) زیر عنوانین: تحقیقی درباره ازدواج، عوامل روانشناختی در خشنودی زناشویی، ترمن<sup>۲</sup> (۱۹۳۸) و پیش‌بینی موفقیت و شکست در ازدواج و سازگاری زناشویی براساس متغیرهای مرتبط با تحول و کنش‌وری فردی و جهت‌یابی خانوادگی و محیط اجتماعی بوده است. ادبیات پژوهشی چند دهه، برارزشیابی قبل از ازدواج (بورگس<sup>۳</sup> و والین<sup>۴</sup> ۱۹۵۳)، نتایج سایر تحقیقات نیز حاکی از آن است که خشنودی زناشویی و خشنودی کلی (گلن<sup>۵</sup> و ویور<sup>۶</sup>، ۱۹۸۱) و احساس آرامش (بنین و نین استدت<sup>۷</sup>، ۱۹۸۵) با هم رابطه تعاملی داشتند اثرات پایین بودن نمره خشنودی زناشویی بر کیفیت رابطه والد و فرزند نیز به صورت مستقیم و یا از راه پیامدهای طلاق مشخص شد (بوث<sup>۸</sup> و آماتو<sup>۹</sup> ۱۹۹۴).

#### سازگاری عمومی

تحقیقات مربوط به خشنودی و آرامش روانی به مطالعه چگونگی و چرایی تجربه مثبت افراد در همه ابعاد زندگی می‌پردازد (داینر<sup>۱۰</sup> ۱۹۸۴). بیشتر مطالعات انجام شده در این زمینه، بر تعیین کننده‌های زیستی اجتماعی، جنس و سن افراد متمرکز بوده است. بجز در موارد اندک، بخش بسیار کمی از تغییرات خشنودی

---

1- Hamiltten , G.V

2- Terman.L.M

3- Burgess,E.W.

4- Wallin,P

5-Glenn

6-Weauer Charles

7- Stedt

8- Booth

9- Amato

10- Diener,E.



و سازگاری توسط این متغیرها تبیین می‌شود (داینر، ۱۹۸۴: هرینگ<sup>۱</sup>، استاک<sup>۲</sup> و اکیون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۴؛ استاک، اکیون، هرینگ و ویت<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳؛ وود<sup>۵</sup>، هادز<sup>۶</sup> و هلان<sup>۷</sup>، ۱۹۸۹).

با توجه به این نتایج محققان به طور فزاینده‌ای به بررسی متغیرهای شخصیت به عنوان پیش‌بینی کننده‌های آرامش و سازگاری روی آورده‌اند. بررسی‌های متعدد در پیشینه مربوط به این متغیر نشان داده است که شخصیت می‌تواند به عنوان مهم‌ترین عامل موثر تلقی گردد (کاستا و مک‌گری، ۱۹۸۰؛ دایز، ۱۹۸۴؛ داینر و لارسن، ۱۹۹۳؛ مک‌گری و کاستا، ۱۹۹۱، مایرز<sup>۸</sup>، ۱۹۹۲؛ مایرز و داینر ۱۹۹۵).

نظریه‌های متعدد درباره سازگاری، ارتباط آن را با شخصیت مشخص نموده‌اند برای نمونه در نظریه میزان سازگاری بالا و پایین، فرض بر این است که یک تمایل کلی (نشأت گرفته از رگه‌های پایدار شخصیت) برای تجربه زندگی، در یک حالت مثبت یا منفی وجود دارد و در نتایج مطالعات مختلف که با استفاده از مقیاس‌های گوناگون انجام شده، شواهد حمایت کننده مناسبی برای این الگو فراهم گشته است. (وینهاون<sup>۹</sup>، ۱۹۷۶؛ کمپیل<sup>۱۰</sup>، کانورس<sup>۱۱</sup> و راجرز<sup>۱۲</sup>، ۱۹۷۶)

الگوی تعادل پویا نیز پیشنهاد می‌کند که شخصیت در سازگاری نقش حساسی دارد؛ این الگو برای تبیین اینکه چرا افراد برای تجارب منفی یا سازگارانه شان گزارشهای ثابتی از رویدادها ارائه می‌دهند، بسیار مفید است.

---

1- Haring , M.J.

2-Stock, W.A.

3- Okun, M.A

4- Witter, R.A.

5- Wood, W.d

6- Rhodes, N

7- Whelan, M.

8- Myers, i.B

9- Veenhoven, R.

10- Campbell, B.

11- Converse , P.E

12- Rodgers, W.L.

(هدی<sup>۱</sup> و ویرینگ<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹) معتقد بودند که هر فردی دارای یک سطح بهنجار تعادل سازگاری و آرامش روانی است. این سطح تعادل به وسیله ویژگی‌های شخصیتی به ویژه برون‌گرایی، روان‌آزردگی و گشودگی در برابر تجربیات جدید، قابل پیش‌بینی است.

به عبارت دیگر هر چند سطح آرامش روانی و سازگاری می‌تواند در اثر تغییرات و رویدادهای جدید مثبت و منفی از حالت اعتدال خارج شود، ویژگیهای شخصیت می‌توانند به عنوان عوامل برقرار کننده سطح تعادل بهنجار نقش مناسب را ایفا کنند (وینهاون و ویرینگ، ۱۹۹۲).

کارآرمل<sup>۳</sup> و همکارانش نیز به بسط و توسعه الگوی تعادل پویا برای نشان دادن این مطلب که شخصیت برای پیش‌بینی درماندگی‌ها و آشفتگی‌های روان‌شناختی بسیار قوی‌تر از رویدادهای محیطی عمل می‌کند انجامید (آرمل<sup>۴</sup> و اسکافلی<sup>۵</sup>، ۱۹۹۱؛ آرمل و ولفارث<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱).

علاوه بر این نظریه‌های مربوط به سازگاری و آرامش روانی، نظریه‌های شخصیت با استفاده از دیدگاه‌های رگه و همچنین دیدگاه‌های روانی زیستی پیشنهاد می‌کنند که شخصیت، نقش حساسی برای پیش‌بینی سازگاری و آرامش روانی افراد دارد؛ به عبارت دیگر عوامل خاصی از شخصیت مانند برون‌گرایی و روان‌آزردگی دارای گرایش‌های با دوام و ثابت هستند که به کیفیت مثبت یا منفی سازگاری و آرامش روانی ختم می‌شوند و سایر رگه‌های شخصیت مانند توافق و با وجدان بودن، دارای نقش غیرمستقیم و ابزاری در سازگاری و آرامش روانی هستند. رگه‌های ابزاری (توافق و با وجدان بودن)، موجب هدایت افراد در مواجهه با موقعیت‌های خاص زندگی می‌شوند که در نهایت به سازگاری و آرامش روانی می‌انجامد. این تمایز حالت مزاجی و ابزاری در انواع تحقیقات آزمایشی و همبستگی تأیید شده است.

---

1- Headey , B

2-Wearing,A.

3-Armell

4- Ormel,d.

5- Schaufeli, W.B.

6-Wohlfarth,T.

(دانیر، ساندویک<sup>۱</sup>، پارت<sup>۲</sup> و فیوجیتا<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲؛ لارسن و کتلا<sup>۴</sup>، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱؛ مک‌گری و کاستا، ۱۹۹۱).  
گری<sup>۵</sup> (۱۹۷۱ و ۱۹۸۷) برای نقش شخصیت در حالت‌های هیجانی تبیین روان - زیست شناختی متمایزی ارائه نمود؛ او نظام انگیزشی دارای مبنای عصب‌شناسی را مطرح می‌کند؛ نظام تحریک و بازداری رفتاری که به طور قابل ملاحظه‌ای رفتار را در حضور نشانه‌های پاداش یا تنبیه تنظیم می‌کنند و براساس آن، رگه‌هایی از قبیل برونگرایی، جنبه‌های هیجانی مثبت با نظام تحریک رفتاری و روان آزرده‌گی یا هیجان‌ات منفی با نظام بازداری رفتار مرتبط است. عامل برونگرایی در وهله نخست بر کمیت و شدت رابطه با دیگران در حالیکه عامل توافق بر کیفیت روابط بین فردی، مانند همکاری و اعتماد به دیگران تأکید و تمرکز دارد. عامل با وجدان بودن رفتارهای کاری، انجام وظایف و مهار برانگیختگی‌ها و رفتارهای آنی از نظر اجتماعی را شامل می‌شود. این عامل در افراد طبیعی با کمی سازگاری مرتبط است و عامل گشودگی در برابر تجربه جدید، عناصر هوش، فرهنگ، خلاقیت، علائق و وسیع و پیچیدگی و گستردگی شناخت را شامل می‌شود.  
یک مشکل عمده درباره این الگو، عدم توافق محققان درباره تعریف دقیق از این پنج عامل است. برای مثال کاستا و مک‌گری ۱۹۹۲ پیشنهاد می‌کنند که گرمی در روابط جنبه‌ای از برونگرایی است  
در حالیکه گلدبرگ<sup>۶</sup> ۱۹۹۲ و جان<sup>۷</sup> ۱۹۹۰ هر دو معتقدند که جنبه‌ای از توافق است. در نهایت این مشکل را با ارائه توصیف نظری که در پی می‌آید حل نموده‌اند (کاستا و مک‌گری، ۱۹۹۲؛ گلدبرگ، ۱۹۹۲؛ جان، ۱۹۹۰).

برونگرایی شامل رگه‌هایی از شخصیت می‌شود که بر کمیت و شدت روابط (مانند اجتماعی بودن و تسلط) سطح انرژی، هیجان مثبت و جستجوی هیجان (تحریک) مانند بازی و جستجوی توجه متمرکزند.

---

1- Sandvik,E.

2-Pavot, W.

3-Fujita,F

4-Ketelar,T.

5- Gray,J.A.

6-Goldberg

7- John.O.P

توافق شامل رگه‌هایی از شخصیت می‌شود که بر کیفیت روابط بین فردی مانند همدردی و گرمی تمرکز دارند.

با وجدان بودن، رفتار هدفمند (مانند توانمندی و هشیاری بر قواعد) و رگه‌های مرتبط با مهار (مانند منبع درونی مهار و برانگیختگی یا رفتار آبی) را شامل می‌شود.

روان‌آزردگی، بر متغیرهای سازگاری مانند برخی از نشانه‌های روان‌گسیختگی و درماندگی‌ها و آشفتگی‌هایی نظیر رگه‌های رفتاری و هیجانی منفی، دو سوگرایی در اظهار هیجان و پرخاشگری تمرکز دارد.

مجادله‌آمیزترین عامل، یعنی گشودگی در برابر تجربه، هوش، خلاقیت و هر متغیر شخصیتی دارای ماهیت شناختی را شامل می‌شود.

ارتباط بین پنج عامل شخصیت و سازگاری و خشنودی با کارم‌گری و کاستا هدایت شده است. مک‌گری (۱۹۸۷) پیشنهاد کرد که به سبب تأثیر نخستین مزاج، برونگرایی به عواطف مثبت و روان‌آزردگی به عواطف منفی منتهی می‌شوند. این دیدگاه، برونگرا را به عنوان فردی بشاش و دارای روحیه بالاتر از درونگرا و افراد روان‌آزرده را ناپایدار در مهار هیجان‌ات و دارای آمادگی طبیعی بیشتر برای آشکار نمودن عواطف منفی، توصیف کرده است.

با وجود این، برونگرایی و روان‌آزردگی، به طور مستقیم مسؤول پیش‌بینی شواهد کلی سازگاری و خشنودی از زندگی شناخته نشده‌اند (کاستاوم‌گری، ۱۹۸۰) مک‌گری و کاستا در سال ۱۹۹۱ در توسعه نظریه خود، نقش سه عامل باقیمانده را نیز مشخص نمودند، براین اساس، افراد گشوده دارای آگاهی وسیع، عمیق و علاقه‌مند به بررسی و توسعه تجارب خود بوده‌اند؛ به همین دلیل، بین میزان گشودگی و عواطف از نوع مثبت یا منفی، رابطه وجود داشته است. (مک‌گری و کاستا ۱۹۹۱).

این عامل امکان پیش‌بینی هر دو حالت را فراهم می‌کند؛ توافق و با وجدان بودن نیز از راه تسهیل تجارب مثبت در موقعیت‌های اجتماعی و نیل به پیشرفت دارای اثرات غیرمستقیم بر افزایش سازگاری و آرامش روانی بودند. به عبارت دیگر، توافق با افزایش کیفیت رابطه و با وجدان بودن با آمادگی برای پیشرفت در زمینه انجام امور و وظایف به نحو مناسب همراه است؛ به اعتقاد این دو محقق متغیرهای مزبور، نیرومندترین روابط را با رضایت‌مندی از زندگی و برخورداری از خشنودی دارند.

تحقیقات نشان داده است که سازگاری روانشناختی بیشتر در بعد فردی می‌تواند روابط و سازگاری و رضایتمندی زناشویی بهتری را نیز در پی داشته باشد و از سوی دیگر، رضایتمندی زناشویی نیز به سازگاری و رضایتمندی عمومی در زمینه‌های مختلف مانند روابط اجتماعی بین فردی، رضایتمندی شغلی کمک نماید؛ با وجود این، نباید تصور شود که فقط کیفیت روانشناختی یک طرفه کافی است چون وجود سازگاری، روابط دوستانه و محبت‌آمیز و احساس خشنودی در روابط. مستلزم برخورداری هر دو طرف از ویژگیهای روانشناختی مناسب و نداشتن بازخوردها و سبک زندگی کاملاً متفاوت از یکدیگر است؛ به بیان دیگر برای نارضایتی و ناسازگاری زناشویی، ضرورتاً نباید هر دو نفر مشکل داشته باشند.

### سازگاری زناشویی

برای توصیف سازگاری از اصطلاحات متعددی مانند رضایتمندی، سازش، خشنودی، موفقیت و کیفیت زناشویی استفاده شده است. کیفیت، سازگاری و رضایتمندی زناشویی به جای هم به کار بسته می‌شوند؛ با این وجود، اغلب محققان دربارهٔ تعریف آنها اتفاق نظر ندارند (وایت<sup>۱</sup>، استامن<sup>۲</sup> و فارو<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴). براساس نظر لاکه<sup>۴</sup> و والاس<sup>۵</sup> (۱۹۵۹) سازگاری زناشویی، برون‌سازی هر یک از همسران (زن و شوهر) در موقعیت زمان معین تعریف شده است. سایر محققان استدلال می‌کنند که کیفیت زناشویی با سایر متغیرهای مربوط نیز مانند ارتباط، مغشوش می‌شود (کرین، آگود، لارسن و کریفین ۱۹۹۰).

اسپانسر (۱۹۷۶) کیفیت زناشویی را به عنوان موفقیت و کنش وری یک ازدواج دانسته است. کیفیت زناشویی براساس نظر جنونگ، بلمن و اسکام (۱۹۹۲) در قالب رضایتمندی در روابط زناشویی با همسر تعریف شده است.

در اینجا سنجش کنش وری زناشویی از طریق ابزارهای سنجش سازگاری زناشویی مطرح است. سازگاری به مذاکره مداوم، ارتباط و فرایند سازش مربوط می‌شود. در حالیکه رضایتمندی زناشویی بیشتر سطح

---

1- White, M.B.

2-Stahmann, R.F

3-Furrow, J.L

4-Luke

5-Wallace, K.M

ارزشیابی زودگذر در مقطعی از زمان است. سازگاری زناشویی را می‌توان به عنوان منبع نظام خانواده یا حتی بخشی از نیروهای تأمین حیات و احیا کننده خانواده دانست (لاوی، مک کابین والس، ۱۹۸۷).

سازگاری زناشویی می‌تواند به طور کامل بر کیفیت زندگی تأثیر گذارد و تحقیقات انجام شده، اهمیت تأثیر آن را بر انواع نتایج بالینی مانند بهداشت روانی (وارینگ<sup>۱</sup> و پاتن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۴)، بهداشت جسمانی (چوانس<sup>۳</sup> و بینیک<sup>۴</sup>، ۱۹۸۹) و حتی طول عمر (برکمن<sup>۵</sup> و سایمی، ۱۹۷۹) تأیید نموده‌اند. با توجه به اهمیت سازگاری زناشویی در بهداشت و سلامت، بسیاری از متخصصان این سازه را همواره مورد سنجش قرار می‌دهند.

بخش عظیمی از تحقیقات در بیش از یک ربع قرن گذشته به بررسی پیش‌بینی کننده‌های عوامل اختلال در رابطه دو نفره زناشویی اختصاص یافته است (ایوب<sup>۶</sup> و لیندن<sup>۷</sup>، ۱۹۹۱؛ هاگس<sup>۸</sup>، گالینسکی<sup>۹</sup> و موریس<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۲؛ لامک<sup>۱۱</sup>، ۱۹۸۹). با وجود این، نوشته نسبتاً کمی درباره پیش‌بینی سازگاری دو نفره وجود دارد.

(هاردستی<sup>۱۲</sup> و بتز<sup>۱۳</sup>، ۱۹۸۰؛ لامک، ۱۹۸۹). ویلسن<sup>۱۴</sup> (۱۹۶۷) رابطه بین پیشینه فردی و خانوادگی را بر سازگاری دو نفره مورد بررسی قرار داد و دریافت که فشار روانی کلی، سلامت هیجانی، دفعات ازدواج،

- 
- 1- Waring
  - 2- Paten
  - 3- Chuans
  - 4-Benick
  - 5-Breckman
  - 6-Aube , N
  - 7- Linden,W.
  - 8- Hughes,D
  - 9- Galinsky,E
  - 10- Morris,A.
  - 11- Lamke,L.K
  - 12- Hardesty,S.A
  - 13-Betz , N.E
  - 14-Willson , W.



مشکلات خانوادگی و رضایت‌مندی خانوادگی با سازگاری دو نفره در همبستگی‌های دو متغیره ارتباط معناداری دارد.

#### ۱-۱- نیازها و عوامل خشنودی و سازگاری زناشویی:

نوشته‌های نخستین روانشناختی، برادرک روابط موجود بین رضایت‌مندی والدین و رضایت‌مندی شخصی و خشنودی زناشویی تأکید داشته، یکی از مهمترین عوامل احساس خشنودی را سطح پایین، بلکه سطح بهینه استرس مطرح نموده‌اند؛ به علاوه اخیراً رابطه بین تغییرات روزانه و درجه احساس ارضاء سه نیاز اساسی را بررسی نموده‌اند:

احساس استقلال: شخص بتواند آنچه را که می‌خواهد بدون اینکه احساس کند تحت تأثیر دیگران است انجام دهد.

احساس شایستگی: به معنای داشتن توانایی مواجهه یا مبارزه‌طلبی‌های در پیش روی خود است؛ احساس مرتبط بودن: به معنای میزان تجربه روابط مثبت با دیگران است.

#### ۱-۱-۲- تحول رابطه و صمیمیت :

در نظریه‌های گوناگون تصریح شده است که تحول رابطه زناشویی از مراحل جذابیت یا جذب شدن، بررسی ارزشها و نگرشهای یکدیگر، اظهار علاقه و خواستگاری کردن، آزمودن و محک رابطه (در چه حدی می‌توان یکدیگر را همراهی و نیازهای یکدیگر را ارضاء نمود)، خود گشودگی انتخابی (در جهت شناخت یکدیگر و اینکه چقدر شباهت وجود دارد) رهایی از اوهام و تثبیت رابطه صمیمانه می‌گذرد و در نهایت افراد تصمیم می‌گیرند که تعهد لازم را نسبت به یکدیگر داشته باشند یا خیر؛ در آن صورت است که این رابطه می‌تواند با دلبستگی، گرمی، احساس ایمنی و آرامش همراه شود؛ البته کیفیت این مراحل، در عمل ممکن است پیچیده‌تر یا حداقل ترتیب آن در فرایند ازدواج و حتی جدایی مردان و زنان متفاوت باشد.



در بین محققان درباره پذیرش صمیمیت به عنوان عنصر اساسی در کیفیت زناشویی، مناقشه‌ای وجود نداشته است (داندنو<sup>۱</sup> و جانسن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴؛ مروس - اکین<sup>۳</sup>، ادیمون<sup>۴</sup> و برنت<sup>۵</sup>، ۱۹۹۱). تولستد<sup>۶</sup> و استوکز<sup>۷</sup> (۱۹۸۳) مطالعه‌ای را انجام دادند که در آن صمیمیت به سه نوع فرعی تقسیم می‌شود:

کلامی، عاطفی و جسمانی این سه متغیر هر یک به سهم خود می‌توانستند به عنوان عوامل تأمین کننده پیوند و تعامل با سایرین و پیش‌بینی کننده رضایتمندی زناشویی نقش مهمی داشته باشند (تولستد و استوکز، ۱۹۹۰). سایر مطالعات نیز با اندکی مفهوم پردازی متفاوت درباره صمیمیت، یافته‌های مشابهی را گزارش نموده‌اند (هارپر<sup>۸</sup> و الیوت<sup>۹</sup> و همکاران ۱۹۹۱، لفقو<sup>۱۰</sup> ویز<sup>۱۱</sup>، ۱۹۸۱).

برقراری و تداوم صمیمیت در رابطه زناشویی یا کمیت و کیفیت سازگاری و رضایتمندی زناشویی را می‌توان با عوامل زیر مرتبط دانست:

## ۲-۱-۲- خانواده نخست و سازگاری زناشویی

نمرات سازگاری زناشویی از تأثیرات مناسب زمینه اجتماعی و اجتماعی‌پذیری قبل از ازدواج افراد نیز نشأت می‌گیرد؛ از جمله عوامل مؤثر بر چگونگی ارزشیابی همسر و تعامل با وی، می‌توان به بازخوردهای مربوط به نقش جنس، اجتماع‌پذیری در زمینه رفتار زناشویی مناسب که از راه مشاهده والدین فراهم آمده، ارزشهای اجتماعی و مذهبی درونی شده و مجموعه باورها و جهت گیرهای کنونی ناشی از تجارب پیشین اشاره نمود. ریشه‌های روابط در خانواده نیز مانند روابط خوب با پدر مادر تا حدی با موفقیت و سازگاری

---

1- Dandeneau , M.L

2- Johnson , S.M

3- Meros- Okin, L

4-Amidon,E.

5- Brent , F

6- Tolstedt , B.E

7-Stokes.J.F

8- Harper

9- Elliot

10- Lefco

11- Weis

زناشویی مرتبط بوده است (امبولدت<sup>۱</sup> ۱۹۸۹)؛ بر همین اساس مشخص شد که زنان دارای پدر با خصوصیات گرم و پرورش دهنده، به مردان و به ویژه به شوهر خود اعتماد بیشتر و زنان دارای پدر سرد، منزوی و اجتنابی به مردان و از جمله شوهر خود کمتر اعتماد داشته‌اند؛ به همین شکل مردان دارای مادران سرد یا ناپایدار در شیوه‌های برقراری روابط زنان را بیشتر مضطرب می‌سازند و ارتباط آنها ممکن است مشکلاتی را در پی داشته باشد. با وجود این، پاره‌ای از شواهد دال بر این بوده است که افراد تمایل دارند همسر مشابه به والدین خود را انتخاب کنند؛ شاید بدین دلیل باشد که روابط دوستانه و محبت‌آمیز، نخست از والدین آموخته می‌شود.

#### ۲-۱-۳- وضعیت اقتصادی :

نتایج تحقیقات درباره رابطه وضعیت اقتصادی با کیفیت زناشویی تناقض آمیز بوده است. به عنوان مثال بوث، جانس، وایت وادواردز (۱۹۸۴) دریافتند که افزایش وضعیت اقتصادی زنان، احتمال افزایش طلاق یا جدایی را در پی داشته است؛ با وجود این، تحقیق آنها بیشتر به بررسی وضعیت اقتصادی به عنوان پیشاینده طلاق پرداخته است تا رابطه بین آن و سازگاری دو نفره؛ برخی از محققان نیز معتقدند که وضعیت اقتصادی با سطح سازگاری دو نفره یا زناشویی رابطه‌ای ندارد. (آیوب و لیندن، ۱۹۹۱؛ کروهان<sup>۲</sup> و دروف<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹).

#### ۲-۱-۴- سلامت جسمانی :

نیازها و مشکلات مربوط به سلامت جسمانی، ممکن است زمان و انرژی و توجهی که باید بر روابط زناشویی متمرکز شود را به خود اختصاص دهد و کیفیت هیجانی مناسب مورد نیاز در رابطه زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. در یکی از مطالعات انجام شده درباره رابطه بین ازدواج و سلامت جسمانی، مشخص شد که رضایتمندی زناشویی با سلامت همسران سنین بالا مرتبط نبود بلکه با سلامت سنین متوسط و جوانی ارتباط داشت (فارل<sup>۴</sup> و مارکیدز<sup>۵</sup>، ۱۹۸۵). به عبارت دیگر همبستگی‌ها برای افراد جوان، قوی‌تر بود؛ از این

---

1- Emboldt

2- Crohan , S.E

3- Deroff, J

4- Farrell , J

5- Markidos , K.S.

رو، رضایت‌مندی زناشویی چنانچه در سالهای نخست ازدواج باشند و انتظار مشکلات جسمانی را نداشته باشند، ممکن است با سلامت بیشتر ارتباط داشته باشد.

## ۲-۱-۵- سلامت هیجانی

نتایج بررسی‌های قبل دربارهٔ اثر سلامت هیجانی بر روابط زناشویی همواره نشان داده است که افراد دارای مشکلات هیجانی، مانند افسردگی، رضایت‌مندی کمتری از ازدواج خود گزارش می‌نمودند (تامپسن<sup>۱</sup>، ویفن<sup>۲</sup> و بلین<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵) افراد افسرده تمایل و گرایش کمتری به استفاده از روشهای حل مسأله کارآمد دارند و بیشتر از زوجهای غیرافسرده، رفتاری مخرب را پیشه خود می‌سازند (کان<sup>۴</sup>، کوین و مارگولین<sup>۵</sup>، ۱۹۸۵).  
به علاوه افراد افسرده روابط خود را منفی ارزیابی می‌کنند و هرگز با اظهارات یکدیگر موافق نیستند (لیندن، هاتزینگر<sup>۶</sup> و هافمن<sup>۷</sup>، ۱۹۸۳).

با وجود این می‌توان گفت که بسته به جنس فرد افسرده، علایم افسردگی رابطهٔ متفاوتی با رضایت‌مندی زناشویی دارد. (اسکامیلینک<sup>۸</sup> و جکویسن<sup>۹</sup>، ۱۹۹۰؛ تامپسن و همکاران، ۱۹۹۵). تفاوت‌های مربوط به جنس، ممکن است بدین علت باشد که بین میزان افسردگی در زنان دارای مشکلات در رابطهٔ صمیمی، از آنچه در مردان مشاهده می‌شود رابطهٔ قوی‌تری وجود دارد (تامپسن و همکاران، ۱۹۹۵). از این رو انتظار می‌رود که سلامت هیجانی با سازگاری دو نفره ارتباط معناداری داشته باشد؛

---

1- Thompson, T.

2- Wiffen , V.E

3- Blain , M.D

4- Kahn , J.

5- Margolin , G

6-Hautzing , M.

7- Hoffman , N

8- Schmalirg , K.B

9- Jacobson.N.S

## ۲-۱-۶ - سن ازدواج :

معمولاً ازدواج‌های زود هنگام، بیشتر قربانی طلاق بوده‌اند (بالاک رشنان<sup>۱</sup>، راه<sup>۲</sup> لاپیدری آدامسیک<sup>۳</sup> و کرتکی<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷). بوث، جانسون، وایت و ادواردز (۱۹۸۵) دریافتند افرادی که در سنین کمتر از بیست سال ازدواج می‌کردند، کمترین پایداری ازدواج را داشته‌اند؛ صرف نظر از طول مدت ازدواج، نتایج منفی ازدواج زود هنگام بر پایداری زناشویی مشهود بوده است. این محققان نتایج معکوسی را برای آنهاییکه دیرتر ازدواج می‌کنند، مشخص نمودند. با وجود این فقط در هفت سال اول زندگی ممکن است مشکل وجود داشته باشد و پس از هفت سال، اثر دیر ازدواج نمودن می‌تواند کاهش یابد.

مانه کر<sup>۵</sup> واتکین<sup>۶</sup> (۱۹۸۵) قادر نبودند به وضوح تاکید کنند، که پایداری ازدواج تحت تأثیر سن افراد به هنگام ازدواج است؛ با وجود این، چنانکه مردان و زنان دارای حداقل تحصیلات دانشگاهی ولی مزدوج در سنین پایین، ممکن است ازدواجشان طولانی باشد، باز هم طول ازدواج آنها کمتر از افراد مشابه از نظر تحصیلات است که دیرتر ازدواج کرده‌اند. این مطلب به فهم بهتر سازگاری دو نفره کمک می‌کند چون فرض می‌شود که طلاق نتیجه سازگاری زناشویی ضعیف است.

اگر چه سن فرد به هنگام ازدواج، به عنوان پیش‌بینی کننده سازگاری زناشویی تأیید نشده، ارتباط آن با سازگاری کماکان مورد انتظار بوده است چرا که عملکرد ضعیف در ایفای نقش در ازدواج زود هنگام، بیشتر دیده می‌شود (پوٹ، جانسن، وایت و ادواردز، ۱۹۸۶) و عملکرد ناکافی در ایفای نقش با سطوح پایین سازگاری زناشویی مرتبط است و آن الگوهای ضعیف مداوم نیز احتمالاً در گسیختگی رابطه، مشارکت داشته‌اند.

---

1- Balakrishnan , T. R

2- Rao , K.V

3-Lapierre – AdamcyK – E.

4- Krotki , K.

5-Mane ker , J.S

6- Watkin,R.P

## ۲-۱-۷- جنس

بررسی‌های قبلی سازگاری دو نفره عموماً نشان می‌دهد که وضعیت جنس افراد، بیش بینی کننده سازگاری نمی‌باشد (اسمیت<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵) برای نمونه اسمیت دریافت که بین سازگاری زناشویی گروه‌های زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد. با وجود این فاورز<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) در بررسی سازگاری دو نفره و رضایت‌مندی زناشویی مشاهده کرد که مردان بیش از زنان، ازدواج خود را با توجه به شاخص‌های مالی، والدینی، خانواده، دوستان و شخصیت همسر خود مثبت‌تر گزارش نمودند.

با این وجود مشخص نشده است که گزارش‌های مثبت از گستره‌های خاص زندگی زناشویی (رضایت‌مندی زناشویی)، مستقیماً حاکی از سازگاری دو نفره بالا باشد. پاره‌ای شواهد برای حمایت از هر دو جهت (ارتباط قوی و ضعیف جنس افراد با سازگاری زناشویی) وجود دارد.

## ۲-۱-۹- ویژگی‌های شخصیت :

روابط زناشویی می‌تواند از عوامل مختلف اثرپذیرد برخی از مهمترین آنها صفات شخصیت، سبک‌های هیجانی، ارتباطی، تجربی، بازخوردی و انگیزشی فرد هستند که در طی زمان ثابت فرض شده‌اند (کاستاومک‌گری، ۱۹۹۲).

در دهه‌های اخیر تأثیر شخصیت بر تعامل در روابط احساسی و صمیمانه دو نفره، توجه زیادی را به خود جلب نموده است (کل، کل‌ودین<sup>۳</sup>، ۱۹۸۰؛ دیویز<sup>۴</sup> و اواتون<sup>۵</sup> ۱۹۸۷؛ دیتارک<sup>۶</sup> و میلر<sup>۷</sup>، ۱۹۸۶؛ فیلسنکر<sup>۸</sup>،

---

1- Smith , T. W

2- Fowers, B.J

3- Dean , D.G

4-Davis, M.H

5-Outun, H.A

6-Deturk , M.

7- Miller , O .P

8-Filsingor, E.E

۱۹۸۰؛ فیلسینکر و لامک ۱۹۸۳؛ فیلسینکر و ویلس<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳؛ فرانزوی<sup>۲</sup>، دیویز و یانگ<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵) با وجود این کمبود مقاله در این زمینه به گونه‌ایکه به بحث درباره ویژگی‌های تسهیل کننده تعامل زناشویی پردازد، آشکار است (فیلسینکر و ویلس، ۱۹۹۳؛ کلی و کنلی، ۱۹۸۷):

اما در همین مطالعات، برای ارتباط بین سازگاری زناشویی و متغیرهای شخصیت مانند اضطراب اجتماعی، حرمت خود، شناخت اجتماعی و رسیدگی یا پختگی هیجانی، شواهد و حمایت تجربی فراهم شده است. (کل و همکاران ۱۹۸۰؛ دیتارک و میلر، ۱۹۸۶؛ فیلسینکر، ۱۹۸۰؛ فیلسینکر و لامک ۱۹۸۳؛ فیلسینکر و ویلس، ۱۹۸۳).

مطالعات طولی درباره سازگاری زناشویی نیز اهمیت متغیرهای شخصیت مانند پایداری هیجانی، بیقراری، عینیت، رفتار سنجیده و درونگری (بتلرو نیوکامب، ۱۹۷۸) و روان آزردهی (برکس و والین، ۱۹۵۳) و روان آزردهی و مهار برانگیختگی (کلی و لنکی، ۱۹۸۷) را مورد تایید قرار دادند.

در چند دهه اخیر، نظریه پردازان استدلال نمودند که ویژگی‌های مثبت فردی موجب تسهیل در برقراری، تحول و حفظ روابط شخصی توأم با رضایت می‌شود (کارپنتر، هانسن، رونتری<sup>۴</sup> و جونز و ۱۹۸۳ و فیلسینکر و لامک، ۱۹۸۳؛ فیلسینکر و ویلس، ۱۹۸۳؛ هانسن، جونرو کارپنتر، ۱۹۸۴). هانسن (۱۹۸۴) شایستگی ارتباطی را به عنوان ویژگی افرادی دانست که امکان برقراری، تحول و حفظ روابط ارضا کننده دو جانبه را تسهیل می‌کند.

ارزیابی شباهت بین زن و شوهر نیز برای فهم و شناخت کنش‌وری آنان، دارای اهمیت خاص می‌باشد. هم نظریه و هم پژوهش‌های انجام شده از این فرض که توافق و همانندی بین زن و شوهر می‌تواند فراهم کننده راهبردهای مقابله مثبت باشد. و اینکه کمی توافق و همانندی بین آنان احساس ضعیفی از یکپارچگی و

---

1-Wilson , M,R

2- FranzoisL

3-Young . R.D

4- Rountree. R.



انسجام را پدید می‌آورد، حمایت نموده است (آنتونومسکی<sup>۱</sup> و سورانی<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸، بوث و ولج<sup>۳</sup> ۱۹۷۸). در حقیقت، نقش رگه‌های شخصیت در افزایش امکان سرعت برقراری رابطه صمیمانه و در مراحل بعد احساس خودمانی کردن و همچنین جذابیت رابطه مهم بوده است (بلانکنشپ<sup>۴</sup>، نات<sup>۵</sup>، هس<sup>۶</sup> و براون<sup>۷</sup>، ۱۹۸۴).

به علاوه شواهدی دال بر اینکه، همسران شبیه‌تر در روابطشان خشنودترند نیز موجود است (آلن<sup>۸</sup> و تامپسن، ۱۹۸۴؛ کرسینی<sup>۹</sup>، ۱۹۵۶ فریرا<sup>۱۰</sup> و ویتتر<sup>۱۱</sup>، ۱۹۷۴)؛ از این رو، می‌توان شباهت را هم به عنوان متغیر مستقل یا پیش‌بین و هم به عنوان متغیر وابسته یا ملاک مورد بررسی قرار داد.

مطالعات زیادی نشان داده‌اند که افراد دارای شباهت بیشتر از نظر ویژگیها در ازدواج خود از زوجهای دارای شباهت کمتر، رضایت‌مندی زناشویی بیشتری را گزارش می‌کنند (آلن و تامپسن، ۱۹۸۴؛ کرسینی، ۱۹۵۶ فریرا و ویتتر، ۱۹۷۴).

همچنین علاوه بر ارتباط همانندی، ویژگیهای شخصیت با سازگاری زناشویی زوجین در آرامش روانشناختی و رفاه کودکان تأثیر داشته است. در این زمینه نتایج تحقیقات نیز همواره نشانگر این مطلب بوده است که کمترین مشکلات هیجانی و رفتاری را کسانی داشتند که در زندگی با پدر و مادر واقعیشان کمترین تعارض

---

1-Antonovsky , A

2- Sourani , T.

3- Welch , S.

4- Blankenship, V.

5-Hnat , S.M.

6-Hess , T.G.

7-Brown , D.R

8-Allen, A

9- Corsini , R.

10-Ferreira , A.J.

11-Winter , W.d



را تجربه می‌کردند (داوسن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱؛ کلاین<sup>۲</sup>، جانستن<sup>۳</sup> و تسکان<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱).

بنابراین میزان برخورداری از رضایتمندی، سازگاری و پایداری زناشویی زوجها برای رفاه و آرامش کودکان نیز بسیار مهم است. اگر شباهت بین زن و شوهر پایداری زناشویی را فراهم می‌کند و تعارض را کاهش می‌دهد، ارزیابی شباهت در بین زنان و مردان می‌تواند موضوع مهمی برای همه اعضای خانواده باشد.

با وجود این، هنگامی که صحبت از پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی براساس شباهت بین ویژگی‌های همسران است، محقق باید مرجع مورد شباهت را معین کند؛ مطالعه شباهت بین همسران گستره وسیعی از ترجیحات غذایی (فریرا و وینتر، ۱۹۷۴)، بازخوردهای سیاسی (بایرن<sup>۵</sup> و بلی لاک<sup>۶</sup>، ۱۹۶۳) تا رگه‌های شخصیت (نیومارک<sup>۷</sup>، وودی<sup>۸</sup> و زیف<sup>۹</sup>، ۱۹۷۷) را شامل می‌شود.

در طی سه دهه گذشته، درباره دگرگونی کیفیت رابطه زوجها، تبیین‌ها و توضیحات متعددی ارائه شده و کارهای تجربی در این زمینه برمشخص نمودن رفتارهای بین فردی، تحت تأثیر کیفیت روابط مانند توانش‌های اجتماعی. سبکهای ارتباط و حل مسأله (گاتمن، ۱۹۷۹) متمرکز بوده است. در چند پژوهش، برای درک بهتر تعیین کننده‌های رفتارهای مربوط به رابطه صمیمانه، نقش فرایندهای شخصیت را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند؛ برای نمونه می‌توان به گرایشهای شخصیتی نظیر مسند مکان کنترل زناشویی<sup>۱۰</sup> (میلر، لفقورت، هلمز، ویرو ساله، ۱۹۸۶)، همدردی<sup>۱۱</sup> (دیویز و اواتور<sup>۱۲</sup>، ۱۹۸۷)، سیستم شناختی

---

1-Dawson , D.A

2- Kline . M.

3- Johnston ,J.R.

4-Tschann , J.M.

5-Byrne, D.

6- Blaylock , B.

7-Newmark , C.S.

8-Woody , G.

9-Ziff , D.

10- Dispositions marital locus of control

11-Empathy

12- Oathout , H.A.

فرد<sup>۱</sup> (فرانزوی، دیویز و یانگ، ۱۹۸۵)، شایستگی ارتباطی<sup>۲</sup> (هانس و همکاران، ۱۹۸۴) و سبک شناختی اجتماعی<sup>۳</sup> اشاره نمود (دیتارک و میلر، ۱۹۸۶).

برخی از این مطالعات، به طور تجربی برالگوهای میانجی اساسی که پیوندهای بین شخصیت، رفتار اجتماعی و نمرات رضامندی زناشویی را نشان می‌دهند، مبتنی بوده است (دیویز و فرانزوی ۱۹۸۶؛ دیویز، فرانزوی و ولینجر<sup>۴</sup> ۱۹۸۵؛ دیویز و اواتوز ۱۹۸۷؛ فرانزوی و همکاران ۱۹۸۵): آنان به طور خاص مشخص نمودند که اگر چه رفتارهای اجتماعی بر میزان خشنودی زناشویی اثر می‌گذارد؛ متغیرهای شخصیتی معین می‌توانند به عنوان تعیین کننده‌های مهمی برای این رفتارهای اجتماعی باشند؛ از این رو، نقش مهمی در تبیین خشنودی دو نفره ایفا کنند.

هرچند در پژوهشهای پیشین در کنش وری‌های افراد مزدوج، همواره ویژگیهای شخصیت، مورد تأمل و بررسی قرار می‌گرفت، در خصوص اینکه کدام ویژگی شخصیت اهمیت بیشتری دارد؛ اینکه آیا مردان و زنان در ترجیحات شخصیتی‌شان با یکدیگر متفاوتند یا خیر و آیا افراد به آنچه می‌خواهند واقعاً میرسند یا نه؛ شناخت کافی حاصل نشده است.

روی آوردهای جامعه‌شناختی به قلمرو اجتماعی وسیعتر انتخاب همسر و رضایتمندی مرتبط میشود. برای اینکه شخصی ازدواج خوبی داشته باشد، باید در مذهب، نژاد یا تیره، ویژگیها، تحصیلات و وضعیت اجتماعی با همسر خود شباهت داشته باشد؛ البته گاهی به ویژگیهای شخصیتی مکمل نیز اشاره می‌شود.

معمولاً افراد با کسانی تمایل به ازدواج دارند که دارای رگه‌های مشابه شخصیتی، با خودشان باشند و اگر با هم احساس راحتی داشته باشند، به احتمال قوی به یکدیگر وابسته می‌شوند؛ در غیر این صورت برخی از افراد ممکن است در برقراری رابطه نخستین و افزایش بار عاطفی آن، به دلایلی نظیر جنس متفاوت، مشکل داشته باشند؛ مانند وجود هراس از برقراری رابطه صمیمی در یکی از طرفین که موجب شود فرد مقابل نیز به دلایلی از جمله ترس از رهاشدگی برای سرمایه‌گذاری عاطفی پیشقدم نشود. پس از شکل‌گیری رابطه نیز

---

1- Private Self – Cognitive Style

2- Relational Competence

3- Social Cognitive Style

4- Wellinger , P.

ممکن است احساس آزادی و مالکیت مردان دچار مشکل و تردید واقع شود و یا زنان با کاستی یا فقدان احساس نزدیکی و صمیمیت مواجه شوند که البته این می‌تواند دارای منشأ فرهنگی باشد و به تصورات قالبی آموخته شده در گذشته باز گردد. با وجود این، ویژگیهای شخصیتی همسر به گونه‌ای معنادار پیش‌بینی‌کننده نارضایت‌مندی جنسی و زناشویی بوده است و این بیشتر زمانی به وجود می‌آمده که همسر در عامل توافق، تعقل و خردورزی، گشودگی و نهایتاً پایداری زناشویی نمره کمتری داشته است.

ارزشیابی افراد از ازدواجشان در طی زمان ثابت بوده است. تحقیقات پس از مهار خطای اندازه‌گیری نشان داد که همبستگی کیفیت زناشویی در طی یک دوره سه ساله در یک دامنه هشت تا نه صدم بدون وجود تفاوت از نظر جنس و مدت ازدواج بوده است (جانسن<sup>۱</sup>، آمولوزا<sup>۲</sup> و بوث، ۱۹۹۲). برای تبیین این پایداری دو الگو مطرح شده است؛ اولین آن، بر عواملی مانند ویژگیهای شخصیت، اجتماعی شدن اولیه عوامل پیشینه اجتماعی تأکید می‌ورزد که افراد هنگام شروع زندگی مشترک خود از آن برخوردارند و در طی گذشت زمان تغییر بسیار کمی در آن ایجاد می‌شود؛ دومین الگو، پیشنهاد می‌کند که شخصیت و تجارب زندگی هر دو همسر تحت تأثیر عوامل اجتماعی منتج از الگوهای تعاملی هستند که نخست در تاریخچه روابطشان از آغاز ازدواج، تثبیت شده است؛ بنابراین، اگر میزان کیفیت زناشویی، نخست با رگه‌های شخصیت یا اجتماعی شدن آغازین تعیین می‌شود؛ در صورت فراهم بودن این دو در شرایط مناسب، می‌توان افزایش احتمال پایداری ازدواج در هر دو سطح فردی و بین فردی را انتظار داشت.

یادآور می‌شود که سازگاری زناشویی با ویژگیهای فردی و زوجی مانند ارتباط مؤثر، شباهت در نگرشها و حرمت خود بالا همبسته بوده است (مارکوئسکی و گرین وود، ۱۹۸۴). رگه‌های شخصیت افراد، به واسطه تأثیر بر انتخاب همسر و ویژگیهای زندگی پس از ازدواج، می‌تواند تبیینی برای پایداری زناشویی باشد. مروری بر مطالعات طولی انجام شده درباره بزرگسالان و کودکان استفن<sup>۳</sup> و گرازیانو<sup>۴</sup> (۱۹۸۹) را به این نتیجه رساند که رگه‌های شخصیتی تا اندازه زیادی ثابت هستند. شواهد بیشتر سنجش مواردی مانند حرمت خود و

---

1- Jonson , D.R

2-Amolozza , T.O

3- Stephen , E.G.

4- Graziano , W.G.

مکان کنترل درونی - بیرونی است که در طی فاصله ۳ تا ۳۰ سال همبستگی ۰/۷ را نشان داد (مک گری و کاستا، ۱۹۹۰).

در سایر مطالعات نیز رابطه بین کیفیت ازدواج و رگه‌های شخصیتی تأیید شده است؛ مردانی که جهت‌یابی بیرونی کمتری داشتند (کانستانتین<sup>۱</sup> و استفن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۰)، درونگری بیشتر (بتلر و نیوکامب، ۱۹۷۸)، سستی‌تر و کمتر روان‌آزرده هستند و به احتمال بیشتر، مزدوج باقی می‌مانند.

یک رگه شخصیت یا ترکیبی از رگه‌ها نیز می‌توانند موجب شوند که افراد ازدواجشان را در حالت اجتماع پسند گزارش کنند که این نیز توضیحی برای همسانی مشاهده شده در کیفیت زناشویی براساس رگه‌ها بوده است.

تأییدات مربوط به رگه‌های ثابت شخصیت بدون انتقاد نیز نبوده است؛ برخی معتقدند که تغییرات تحولی (ویکن<sup>۳</sup> رز، کاپیرو و کاسکنویو، ۱۹۹۴) ویژگیهای شخصیت را تغییر می‌دهد. با وجود این یک مطالعه ژنتیکی دربارهٔ دوقلوهای همشکمان یکسان (۷۲۲ نفر) و غیریکسان (۷۹۴ نفر) از نظر جنس یکسان تأثیر ژنتیک را نشان داد. به عبارت دیگر شواهدی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد، گزارش‌دهی افراد در زمینهٔ خشنودی کلی و احساس برخورداری از آرامش روانی، از رگه‌های بسیار ثابت شخصیت به شمار می‌رود (استونز<sup>۴</sup> و حاجیستاووروپلس<sup>۵</sup>، تیوکو<sup>۶</sup>، کزما<sup>۷</sup>، ۱۹۹۵؛ لیکن<sup>۸</sup> و تله‌گن<sup>۹</sup>، ۱۹۹۶). در مطالعات انجام شده دربارهٔ دوقلوهای یکسان و غیریکسان، قابلیت توارث برای سنجش آرامش و خشنودی کلی زندگی در سطح بالائی، یعنی ۸۰ درصد برآورد شده است (لیکن و تله‌گن، ۱۹۹۶؛ ویرزیکی<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۶). همبستگی

---

1- Constantine , J.H.

2- Stephen , J .B

3- Viken , R.J.

4- Stones,M.J.

5-Hadjistavropoulos.T.

6- Tuuko , H.

7-Kozma , A.

8-Lykken , D.

9- Tellegen , A.

10- Wiezbicki , M.

قوی بین خشنودی شخصی و زناشویی که در سایر مطالعات مشخص شده (کمپبل، کانورس، رادجر، ۱۹۷۶)، نیز می‌تواند حاکی از وجود تعیین کننده‌های شخصیتی همسان، برای نمرات خشنودی زناشویی باشد.

بسیاری از مطالعات پیشنهاد می‌کنند که عوامل خاصی از شخصیت می‌توانند امکان پیش‌بینی سازگاری زناشویی را فراهم کنند؛ برای نمونه مشخص شد که عوامل شخصیت بهتر از سایر عوامل فردی مانند سن، سطح تحصیلات یا سابقه طلاق‌های قبلی ناپایداری زناشویی در طی چهار سال بعد را پیش‌بینی نماید (بتلرو نیوکامپ، ۱۹۷۸).

در این مطالعه، رابطه بین شخصیت و رضایت و سازگاری زناشویی با استفاده از الگوی پنج عاملی شخصیت بررسی می‌شود. بسیاری از محققان باور دارند که این مدل برای سازماندهی رگه‌های شخصیت، دارای چهارچوب اساسی است (بوریکتائو<sup>۱</sup> و استندرف<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰؛ دیگمن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰؛ مک‌گری، ۱۹۹۱؛ مونتگ<sup>۴</sup> و لوین<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴)؛

شواهد پژوهشی ارتباط بین ویژگیهای شخصیتی (الگوی پنج عاملی) با سازگاری زناشویی

یادآور می‌شود که روابط بین عوامل شخصیت و نتایج زناشویی هم در تحقیقات مقطعی (لانگ و آندیوز ۱۹۹۰، میلر، لفقورت، هلمز، ولز و ساله ۱۹۸۶؛ راسل و ولز ۱۹۹۴؛ اشنایدر و رجتز ۱۹۹۰) و هم در تحقیقات طولی مشاهده شده است (بتلر و نیوکامپ ۱۹۷۸؛ کرنی، برادبوری ۱۹۹۵؛ کلی و کنلی ۱۹۸۷؛ کردک ۱۹۹۱؛ شاور و برنان ۱۹۹۲ به نقل از بنچارد ۱۹۹۹). در این تحقیقات نمرات سازگاری زناشویی یا وضعیت ازدواج (بقای زندگی زناشویی یا طلاق) به عنوان متغیر معیار، عوامل شخصیت، به عنوان متغیرهای پیش‌بین و به ویژه سطح روان‌آزردگی افراد (عواطف منفی و ناپایداری هیجانی) پایدارترین و قوی‌ترین پیش‌بینی کننده نتایج رابطه بوده است. نمرات خود گزارش‌دهی روان‌آزردگی به طور مکرر با سنجش‌های

---

1- Borkenau , P.

2-Ostendorf , F.

3-Digman , J.M

4- Montag ,I.

5- Levin , J.



مختلف سازگاری زناشویی همبستگی داشته است (گیست<sup>۱</sup> و گیلبرت<sup>۲</sup> ۱۹۹۶؛ کردک ۱۹۹۷). برای نمونه نتایج یک مطالعه طولی در حدود پنجاه سال درباره ۳۰۰ زوج نشان داد که سطح روان‌آزردگی در هر دو همسر تعیین‌کننده مهم سازگاری زناشویی بوده است (کلی و کنلی ۱۹۸۷).

به طور اختصاصی‌تر، نمره روان‌آزردگی کسانی که ازدواجشان منجر به طلاق می‌شود یا در زندگی زناشویی مشکل دارند، حتی در قبل از ازدواج بالاتر بوده است. کارنی و برادبوری (۱۹۹۵) براین مطلب تأکید کردند که در بررسی توان مناسب روان‌آزردگی در پیش‌بینی نتایج زناشویی، سهم سایر رگه‌های شخصیت در نظر گرفته نشده بود که آنان پس از مهار سطح روان‌آزردگی، بین سازگاری زناشویی و رگه‌های شخصیت خاص مانند روان‌گسستگی رابطه منفی و بین توافق و منبع کنترل با آن رابطه مثبت مشخص نمودند. (راسل و ولز، ۱۹۹۴؛ اسمولن<sup>۳</sup> و اشپیگل<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷). به علاوه عوامل شخصیت مانند خود را به جای دیگران گذاشتن، ابراز هیجان و دوسوگرایی نیز پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی بوده‌اند، به عبارت دیگر اولی و دومی با سازگاری زناشویی، رابطه مثبت و سومی رابطه منفی داشته است. (کینگ<sup>۵</sup>، ۱۹۹۳؛ لانگ و آندیوز، ۱۹۹۰).

سطح گشودگی فرد در برابر تجربه‌های جدید، احتمالاً می‌تواند بر رغبت وی در گوش سپردن به صحبت‌های همسر و فهم و درک دیدگاهها و نظرات او کمک مفیدی نماید. همان‌گونه که در برنامه‌های آموزشی مهارت‌های برقراری ارتباط در آموزشهای پیشگیرانه طراحی شده، به عنوان عامل مهمی در پیشگیری از انحلال و از هم گسیختگی روابط؛ و همچنین به عنوان عامل افزایش پایداری رابطه دو نفره به حساب آمده است (مارکمن<sup>۶</sup>، استانلی<sup>۷</sup> و بلامبرگ<sup>۸</sup>، ۱۹۹۴).

- 
- 1- Geist , R.L.
  - 2- Gilbert , D.G.
  - 3- Smolen , R.C.
  - 4- Spiegel , D.A.
  - 5- King ,L A.
  - 6- Markman , H.
  - 7- Stanley ,S.
  - 8- Blumberg , S.L.

درباره رابطه با وجدان بودن و سازگاری زناشویی به رغم کمی اطلاعات فراهم شده با توجه با اینکه افراد دارای نمره بالا در این عامل از احساس مسئولیت و نیاز بیشتر برای موفقیت برخوردارند، می توان به سعی آنان برای داشتن روابط زناشویی پایدار و مثبت امیدوار بود (باتوین<sup>۱</sup>، باس و شاکلفورد<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷). در نهایت درباره ارتباط برونگردی و سازگاری زناشویی نتایج یکسان به دست نیامده است. برخی رابطه مثبت (ریچموند<sup>۳</sup>، کریگ<sup>۴</sup> و رازیکا<sup>۵</sup>، ۱۹۹۱)، برخی رابطه منفی (بتلر، نیوکامپ<sup>۶</sup> ۱۹۷۸؛ گیست و گیلبرگ، ۱۹۹۶) و برخی عدم وجود ارتباط (راسل و ولز، ۱۹۹۴) را مشخص کردند.

به علاوه بررسی کیفیت تأثیر ویژگیهای شخصیتی یکی از همسران بر سازگاری زناشویی دیگری نیز از اهمیت خاصی برخوردار بوده است (کشی<sup>۷</sup> و اشنايدر، ۱۹۹۵؛ کنی<sup>۸</sup> ۱۹۹۶؛ کاردک ۱۹۹۷؛ رابینز<sup>۹</sup>، ۱۹۹۰). در حقیقت متخصصان بالینی و نظریه پردازان زناشویی نشان داده اند که هیجانات، افکار یا رفتار یک همسر می تواند کنش وری همسر دیگر را تحت تأثیر قرار دهد (کریستنسن<sup>۱۰</sup>، جکوبسن و بابکوک<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۵؛ جانسن و گرینبرگ<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۵) و انتظار می رود که رفتارها، هیجانات و سایر ویژگیهای همسران روی یکدیگر تأثیر بگذارد و بدیهی است که هیجانات، افکار یا رفتارهای پایدار را می توان جلوه های رگه های شخصیت فرد دانست.

نتایج مطالعات تجربی نیز بر وجود رابطه بین رگه های متعدد شخصیت شوهران با سازگاری زناشویی همسر صحنه گذارده است. به طور دقیقتر سطح بالای روان آزرده گی، جهت یابی به سوی دیگری و دوسوگرایی در

---

1-Botwin , M.D.

2-Shackelford , T.K

3- Richmond ,L.D.

4-Craig , S.S.

5-Ruzicka ,M.

6-Kashy , D.A.

7-Kenny, D.AF

8-Robins , E.

9- Christensen , A.

10- Babcock , J.C

11- Greenberg , L.S.



ابراز هیجانانگیز در شوهران با سازگاری زناشویی در زنان آنها همبستگی منفی داشته است. در حالیکه با سطح بالای توافق، خود را جای دیگری قرار دادن همبستگی مثبت داشته است (باتوین و همکاران، ۱۹۹۷؛ کینگ، ۱۹۹۳؛ لانگ و آندریوز، ۱۹۹۰؛ راسل و ولز، ۱۹۹۴).

نتایج به دست آمده درباره زنان در این زمینه، همخوانی و پایداری کمتری داشته است. برخی از مطالعات مشخص نمود که شخصیت زنان بر سازگاری زناشویی مردان نفوذ و تأثیر چندانی ندارد (کینگ، ۱۹۹۳؛ ریچموند و همکاران، ۱۹۹۱). با وجود این با انجام مطالعات بیشتر بین عوامل شخصیت زنان و سازگاری زناشویی مردان رابطه معناداری مشخص شده است. روان‌آزردگی، خود را جای دیگری قرار دادن، گشودگی و توافق در زنان با سازگاری زناشویی در مردان مرتبط بوده است. نخستین عامل همبستگی منفی و سه عامل بعدی همبستگی مثبت داشته است (باتوین و همکاران، ۱۹۹۷؛ گیست و گیلبرت، ۱۹۹۶؛ لانگ و آندریوز، ۱۹۹۰؛ راسل و ولز، ۱۹۹۴).

## ۲-۲- عوامل ناخشنودی و تعارض

برخی از محققان برای پیشگیری از آشفتگی در زندگی زناشویی به عوامل زیر به عنوان هشدارهای عملی اشاره نموده‌اند:

(۱) ناخشنودی یک یا هر دو همسر از ازدواج

(۲) ازدواج در سنین پایین

(۳) ازدواج دارای مبنای برانگیختگی یا شتاب‌زدگی

(۴) وضعیت اقتصادی بسیار ضعیف یا مشکلات مالی شدید

(۵) مشکلات روانشناختی در یک یا هر دو همسر

در بسیاری از تحقیقات، همبستگی منفی بین خشنودی، صمیمیت و اعتماد و روان‌آزردگی در یک سو؛ حرمت نفس پایین، برانگیختگی، کمرویی و سایر مشکلات شخصیتی در سوی دیگر را مشخص نموده‌اند. بدیهی است که هیچکدام را نمی‌توان به طور جداگانه، مبنای قطعی مشکل دانست بلکه نتایج سایر تحقیقات، عوامل دیگری را مانند تجارب ارتباطی قبل از ازدواج، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، مذهب مشابه، پیشینه نژادی و اخلاقی آنان، برای پیش‌بینی رضایتمندی و سازگاری زناشویی مفید دانسته و بر

بازخورد تأثیر تعاملی آنها با هم تأکید داشته‌اند. به عبارت دیگر تأکید برهیچیک از آنان را به تنهایی، معتبر تلقی نکرده‌اند.

# فصل سوم

جامعه و نمونه آماری

### ۱-۳- روش :

با توجه به اینکه درهیچیک از متغیرهای مورد بررسی دراین پژوهش مداخله‌ای صورت نگرفته است، افراد نمونه به طور طبیعی و با توجه به وضع موجودشان در متغیرهای مورد سنجش مطالعه می‌شوند، می‌توان پژوهش را مطالعه توصیفی تحلیلی دانست که در آن ویژگیهای شخصیتی به عنوان متغیر مستقل و یا پیش‌بین و رضایت و سازگاری زناشویی به عنوان متغیرهای وابسته و یا معیار و پیش‌بینی شونده با استفاده از روش آماری همبستگی پیرسون بررسی شده است.

### ۲-۳- جامعه و نمونه آماری

جامعه مورد نظر در این مطالعه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکترای رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات می‌باشد. تعداد این دانشجویان در این مقطع جمعاً ۱۰۵۰ نفر می‌باشد. ۶۵۳ نفر کارشناسی ارشد و ۳۹۷ نفر در دوره دکترا.

از این جامعه ۱۰۵۰ نفری (زن و مرد) با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ۱۱۰ نفر (۵۵ نفر زن و ۵۵ نفر مرد) به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. سپس با رعایت نسبت افراد در هر مقطع و با استفاده از جدول تصادفی انتخاب صورت گرفت و در نهایت امکان تکمیل پرسشنامه برای ۱۱۰ نفر زن و مرد فراهم شد.

### ۳-۳- ابزارها و مقیاس‌های سنجش

با توجه به متغیرهای مورد بررسی، و به منظور آزمون فرضیه‌ها از مقیاس رضایت زناشویی اینریچ<sup>۱</sup> مقیاس سازگاری ازدواج و پرسشنامه پنج عاملی شخصیت مک‌گری و کاستا مورد استفاده قرار گرفت.

### ۱-۳-۳- پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ

این پرسشنامه به عنوان یک ابزار تحقیق معتبر در تحقیقات متعددی برای رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است.

اولسون از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده نموده و معتقد است که این مقیاس مربوط می‌شود به تغییراتی که در طول حیات آدمی رخ می‌دهد و همچنین در این خصوص به تغییراتی که

---

1 - Enrich

در خانواده به وجود می‌آید حساس است. هر یک از موضوعهای این پرسشنامه در ارتباط با یکی از زمینه‌های مهم است. ارزیابی این زمینه‌ها در درون یک رابطه زناشویی می‌تواند مشکلات بالقوه زوجها را توصیف کند یا می‌تواند زمینه‌های نیرومندی و تقویت آنها را مشخص نماید. این ابزار همچنین می‌تواند به عنوان یک ابزار تشخیص برای زوجهایی که در جستجوی مشاوره زناشویی و به دنبال تقویت رابطه زناشوییشان هستند، استفاده شود.

۱۲ مقیاس این پرسشنامه به شرح زیر توصیف شده است:

۱- پاسخ قراردادی<sup>۱</sup>: این مقیاس تمایل شخص برای پاسخ متعارف به سؤالات پرسشنامه را اندازه‌گیری می‌کند.

۲- رضایت زناشویی<sup>۲</sup>: این مقیاس رضایت و انطباق با ۱۰ جنبه رابطه زناشویی را که در زیر آمده است، اندازه‌گیری می‌کند.

۳- موضوعات شخصیتی<sup>۳</sup>: این مقیاس درک شخص را از همسرش با توجه به رفتارها و ویژگیها و سطح رضایت یا عدم آن که مربوط به این موضوعها می‌شود ارزیابی می‌کند. نمره بالا نشان دهنده یک سطح پایین از پذیرش یا فقدان راحتی با شخصیت و رفتار همسر است و نمره پایین نشان‌دهنده سازگاری با همسر و رضایت از شخصیت همسر است.

۴- ارتباط زناشویی<sup>۴</sup>: این مقیاس به احساسات، اعتقادات و نگرشهای شخص، نسبت به نقش ارتباط در تداوم روابط زناشویی مربوط می‌شود، نمره پایین نشان دهنده آگاهی زن و شوهر و رضایت از سطح و نوع ارتباط در روابطشان و نمره بالا نشان دهنده فقدان رضایت در ارتباطشان است.

۵- حل تعارض<sup>۵</sup>: این مقیاس نگرشها، احساسات و اعتقادات شخصی همسر را در به وجود آوردن یا حل تعارض ارزیابی می‌کند. موضوعها بر روی روشهایی برای خاتمه دادن به بحث تمرکز دارند.

- 
- 1- conventionality
  - 2- marital satisfaction
  - 3-personality issues
  - 4- marital communication
  - 5- conflict resolution

نمره پایین نشان‌دهنده نگرشهای واقع‌گرایانه درباره تعارضات اجتماعی در روابط زناشویی است و نمره بالا نشان‌دهنده عدم رضایت از روشی است که تعارضات حل می‌شوند.

۶- نظارت مالی<sup>۱</sup>: این مقیاس تمرکز دارد روی علائق و نگرشهای مربوط به روش اقتصادی و مسائلی که در روابط زن و شوهر اداره می‌شوند. نمره پایین نشان‌دهنده رضایت از اداره مالی و نگرش واقع‌بینانه نسبت به موضوعات مالی است و نمره بالا نشان‌دهنده نگرانیهای مختلف در زمینه اداره مالی در روابط زناشویی است.

۷- فعالیتهای مربوط به اوقات فراغت<sup>۲</sup>: این مقیاس ترجیحات شخصی هر زوج را برای گذراندن اوقات فراغت ارزیابی می‌کند. نمره پایین نشان‌دهنده انطباق، انعطاف‌پذیری و توافق درباره استفاده از زمانهای فعال اوقات فراغت است و نمره بالا نشان‌دهنده نارضایتی از اینکه چگونه اوقات فراغت در روابط زن و شوهر مورد استفاده قرار گیرد.

۸- روابط جنسی<sup>۳</sup>: این طبقه احساسات و نگرانیهای شخصی را درباره روابط جنسی و عاطفی با همسر ارزیابی می‌کند. گویه‌ها منعکس‌کننده رضایت از ابراز عواطف و میزان احساس راحتی در بحثهای مربوط به موضوعهای جنسی و آمیزش جنسی است. نمره پایین نشان‌دهنده رضایت از ابراز عواطف و نگرش مثبت درباره نقش مسائل جنسی در ازدواج و یا عدم توافق درباره تصمیمات مربوط به جلوگیری از حاملگی است.

۹- ازدواج و بچه‌ها: این مقیاس نگرشها و احساسات شخصی را درباره داشتن بچه و توافق روی تعداد بچه‌ها ارزیابی می‌کند. نمره پایین نشان‌دهنده توافق در مورد بچه‌داشتن و تعداد بچه‌هاست و همچنین نشان‌دهنده درک واقع‌گرایانه از تأثیری که بچه‌ها از روابط زناشویی می‌بینند و رضایت از نحوه مشخص شدن نقشها و مسئولیتهای والدینی است. نمره بالا نشان‌دهنده عدم رضایت از تصمیمات مربوط به بچه‌داشتن و یا تعداد بچه‌هایی است که خانواده ترجیح می‌دهند.

---

1- Financial management

2-Pleasure activities

3- Sexual Relation

۱۰- بستگان و دوستان : این مقیاس به ارزیابی احساسات و علائق مربوط به روابط با خویشاوندان، اقوام همسر و دوستان می‌پردازد. آیتها نشان دهنده نگرش دوستان و بستگان نسبت به ازدواج و انتظارات مربوط به میزان صرف وقت با دوستان و بستگان است. نمره پایین نشان دهنده سازگاری روابط خانوادگی و دوستان می‌باشد و دلالت بر وجود زمینه‌هایی از تعارض دارد.

۱۱- نقشهای مربوط به برابری زن و مرد<sup>۱</sup> : این مقیاس نگرشها، احساسات و اعتقادات شخص را درباره نقشهای مختلف زناشویی ارزیابی می‌کند. نمره پایین نشان دهنده ارزشهای برابر نگرانه است.

۱۲- جهت‌گیری عقیدتی<sup>۲</sup> : این مقیاس نگرشها، احساسات و علائق شخص را درباره اعتقادات و اعمال مذهبی در زندگی زناشویی ارزیابی می‌کند. نمره پایین نشان دهنده این دیدگاه است که مذهب یک بخش بیش از اندازه مهم در ازدواج است و نمره بالا نشان دهنده بی‌اهمیت دانستن مذهب در ازدواج است. پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ از ۱۱۵ سؤال بسته و ۱۲ مقیاس تشکیل شده است که به جز مقیاس اول آن که ۵ سؤال دارد، بقیه مقیاس‌ها شامل ۱۰ سؤال است. پاسخ به سؤالات بصورت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافق - موافق - نه موافق و نه مخالف - مخالف - کاملاً مخالف) است. اولسون و دیگران پایائی این پرسشنامه را با روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند.

### ۳-۱-۱-۳-۳- روایی و اعتبار پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ :

آقای علی اکبر سلیمانیان (۱۳۰۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تفکرات غیرمنطقی برنا رضایتی زناشویی» درباره روایی و پایائی این پرسشنامه اظهار می‌دارد که برای استفاده پرسشنامه در تحقیق ابتدا پرسشنامه ترجمه گردید. پس از ترجمه، سؤالات به رویت دو نفر از متخصصین روان‌شناسی، خانم دکتر نوابی نژاد و آقای دکتر نادری رسانده شد و روایی محتوایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. در مرحله بعد پرسشنامه بر روی یک گروه ۱۱ نفری اجرا گردید. و ضریب اعتبار آن از طریق ضریب آلفا محاسبه شد که عدد ۰/۹۳ بدست آمد. با توجه به زیاد بودن سؤالهای پرسشنامه (۱۱۵ سؤال) که موجب خستگی بیش از اندازه آزمودنیها می‌شد، تصمیم گرفته شد فرم کوتاهی از آن تهیه شود.

---

1- egalitarian roles

2- religious orientation



برای این منظور ابتدا همبستگی هر یک از سؤالات با کل پرسشنامه از طریق ضریب همبستگی محاسبه گردید. سپس ۴۷ سؤال که از همبستگی نسبتاً بالایی برخوردار بودند انتخاب شدند. این انتخاب بطور مساوی از مقیاسهای مختلف پرسشنامه صورت گرفت و بدین ترتیب در مجموع ۴۷ سؤال انتخاب شد که مجدداً ضریب اعتبار فرم ۴۷ سؤالی بر روی یک گروه ۱۱ نفری با استفاده از ضریب آلفا محاسبه گردید که ضریب اعتبار ۰/۹۵ بدست آمد.

### ۳-۳-۲- پرسشنامه سازگاری ازدواج

این فهرست که به وسیله هارمون سینگ تهیه شده است مرکب از دو شکل است الف (برای شوهران) ب (برای زنان) مرکب از ۴۰ سوال برای هر کدام بر مبنای اطلاعات و یافته‌ها آماده گردید.

سپس به ۶۰۰ زوج داده شد مشتمل بر:

- ۱- معلمان مدارس (معلمان مدارس ابتدایی تا دبیرستان)
- ۲- مدرسان و معلمان دوره کارشناسی تا کارشناسی ارشد.
- ۳- دکترها (پزشکان عمومی)

۴- حقوقدانان (دست‌اندرکاران موارد مدنی و جنائی)

۵- بازرگانان (از دستفروشان تا صنایع بزرگ)

۶- کارمندان (از کارکنان جزء تا مدیران)

این طبقه‌بندی بر مبنای زمانی انجام گرفت که آنها در شغل خود صرف می‌کنند و همچنین بر مبنای مقبولیت اجتماعی شغل آنها انجام گرفت. سپس بر مبنای تحلیل عوامل ده مورد برای هر دو شکل بدست آمد و شکل نهایی این وسیله اندازه‌گیری آماده شد.

### استفاده از پرسشنامه

این پرسشنامه در استفاده با شش حرفه موفق بوده است.

- ۱- معلمان مدرسه ۲- استادان دانشگاه ۳- پزشکان ۴- حقوقدانان ۵- بازرگانان ۶- کارمندان
- این پرسشنامه قابل کاربرد با هر دو جنس است.

پایائی سطح بالای مقیاس‌ها مقایسه هر فرد را با دیگری ممکن می‌سازد. این پایائی وقتی معنای بیشتری دارد که اطلاعات از افرادی جمع‌آوری شود که پاسخ‌های درست بدهند.

این پرسشنامه دو شکل دارد، شکل الف برای شوهران و شکل ب برای زنان است. هر شکل آن ۱۰ سؤال دارد. جواب هر سؤال با بلی یا خیر جواب داده می‌شود. سپس هر سؤال بلی یا خیر با قرار دادن علامت (۷) بر یکی از نقاط مقیاس درجه‌بندی صورت می‌گیرد که از ۱۰+ (مطلوبترین) تا ۱+ (نامطلوبترین) تغییر می‌کند. فقط پاسخ‌های انتخابی ثبت و نمره‌گذاری می‌شوند. این مطلب از کلید نمره‌گذاری معلوم می‌شود که در راهنما آمده است. آنگاه نمره کل برای نشان دادن نمره سازگاری عمومی زناشویی زن یا شوهر بکار می‌رود.

۱- این پرسشنامه توسط خودآزمودنی تکمیل می‌شود.

۲- هیچ محدودیت زمانی وجود ندارد. اما معمولاً بیش از ۱۵ دقیقه برای تکمیل پرسشنامه ضرورت ندارد.

۳-۳-۳ پرسشنامه پنج عاملی جدید شخصیت :

پرسشنامه پنج عاملی شخصیت و تجدید نظر شده آن پرسشنامه پنج عاملی جدید، پرسشنامه‌های شخصیتی هستند که توسط مک‌گری و کاستا، برای جمعیت بهنجار تهیه شد و در طی دهه گذشته بیشترین استفاده را در کارهای پژوهشی و بالینی داشته است. نسخه اصلی آن در سال ۱۹۸۵ و نسخه کنونی آن در سال ۱۹۹۲ به چاپ رسید (کاستا، ۱۹۹۲).

پرسشنامه جدید پنج عاملی شخصیت دارای شصت سؤال بوده و در سال ۱۹۹۲ توسط کاستا و مک‌گری برای سنجش الگوی پنج عاملی شخصیت (روان‌آزردگی، برون‌گردی، گشودگی، توافق، با وجدان بودن) تهیه شده است. از آزمودنی خواسته می‌شود که بر روی یک مقیاس لیکرت، میزان انطباق عبارت ارائه شده با وضعیت خودش را از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم مشخص نماید.

۳-۳-۱- اعتبار و روایی پرسشنامه پنج عاملی جدید شخصیت :

ضریب آلفای گزارش شده توسط مک‌گری و کاستا بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است برآوردهای کاستا و مک‌گری از اعتبار این ابزار در سال ۱۹۹۲ ۰/۸۴ بوده است.

### ۳-۴- روش جمع آوری اطلاعات

پس از مشخص شدن تعداد افراد در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا در رشته علوم انسانی، اجتماعی دانشگاه آزاد، تعداد کل آنها با رعایت نسبت تعداد افراد در هر مقطع نمونه‌ای ۱۱۰ نفری انتخاب شد. ۵۵ مرد و ۵۵ زن. سپس از دانشجویان این مقاطع دعوت به همکاری به عمل آمد. هر دانشجو ملزم به تکمیل سه پرسشنامه و مختصری اطلاعات فردی بود که حدوداً ۲۰ الی ۳۰ دقیقه زمان نیاز داشت. برای نتیجه بهتر به طور کامل و روشش نحوه پرکردن پرسشنامه‌ها توضیح داده شد و به آنها اطمینان داده شد که هدف از این پژوهش تنها بدست آوردن اطلاعات جمعی است نه فردی.

### ۳-۵- روش‌های تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها

در سطح آمار توصیفی از شاخصهای میانگین، انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی از روشهای همبستگی خطی پیرسون با استفاده از رایانه و نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

## فصل چهارم

ارائه و تجزیه و تحلیل داده ها

۴-۱-ارائه تجزیه و تحلیل داده ها

الف - اطلاعات توصیفی

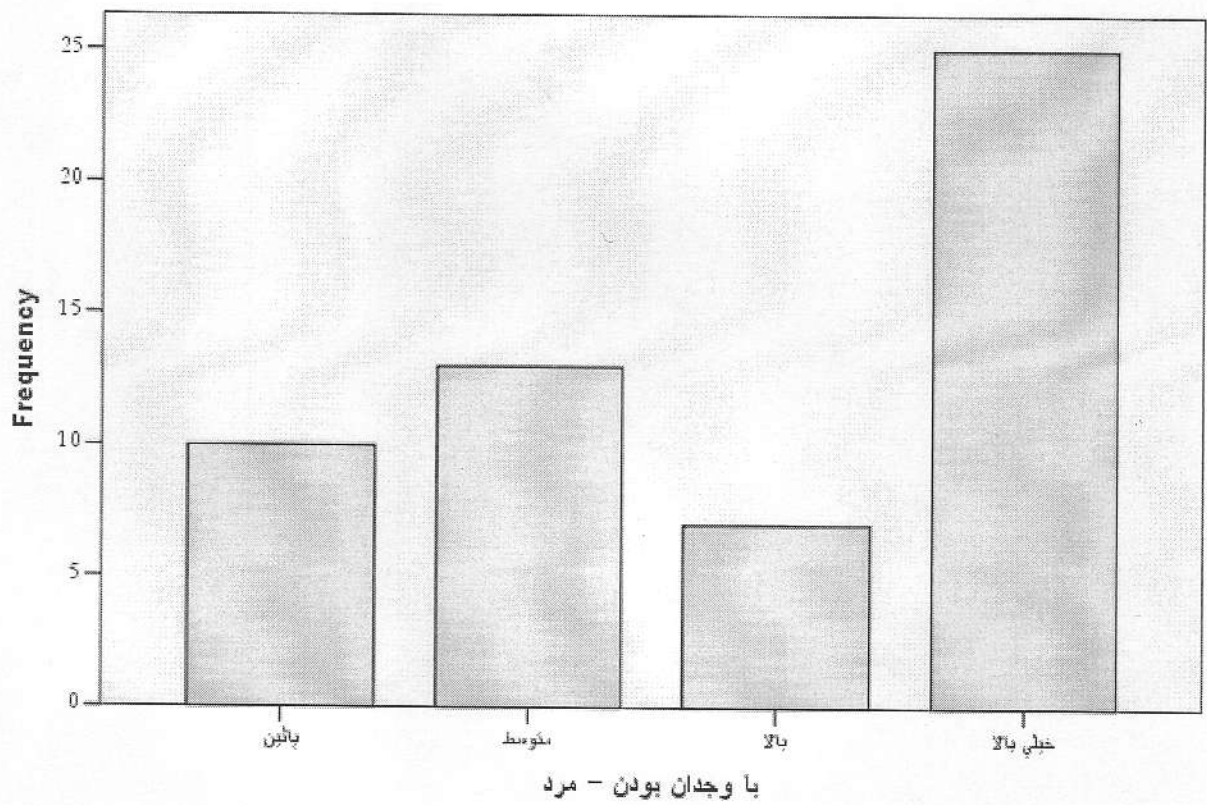
ارائه شاخص های آمار توصیفی یافته ها قبل از بررسی یافته های مربوط به آزمون فرضیات ، ارائه داده ها و اطلاعات درباره پاره ای شاخص های توصیفی مانند : میانگین ، مد انحراف از معیار و واریانس ضروری است.

	رضایت زناشویی	سازگاری	روان آزردگی	برون گرایی	گشودگی توافق	با وجدان بودن	
تعداد	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	
میان	۳,۰۴	۳,۶۷	۲,۳۸	۳,۳۶	۳,۴۰	۳,۸۵	
انحراف از میان	,۰۷۳	,۱۱۳	,۱۷۷	,۲۰۲	,۱۹۹	,۱۶۱	
میانگین	۳,۰۰	۴,۰۰	۲,۰۰	۳,۰۰	۴,۰۰	۴,۰۰	
مد	۳	۴	۱(ح)	۵	۵	۵	
انحراف از معیار	,۵۴۳	,۸۴۰	۱,۳۱۲	۱,۴۹۵	۱,۴۷۳	۱,۱۹۳	
واریانس	,۲۹۵	,۷۰۶	۱,۷۲۲	۲,۲۳۶	۲,۱۷۰	۱,۴۲۳	
بیشترین	۲	۲	۱	۱	۱	۲	
جمع کل	۴	۵	۵	۵	۵	۵	
	۱۶۷	۲۰۲	۱۳۱	۱۸۵	۱۸۷	۲۱۲	

جدول شماره ۴-۱-۱- مولفه های آماری و نمره های پنج ویژگی شخصیتی و نمره های رضایت و سازگاری زناشویی مردان ( بر اساس پرسشنامه پنج عاملی ، رضایت زناشویی ایزبج و سازگاری زناشویی سینگ ).

با وجدان بودن مرد			
	فراوانی	درصد	فراوانی درصدی
پائین	۱۰	۱۸,۲	۱۸,۲
متوسط	۱۳	۲۳,۶	۴۱,۸
بالا	۷	۱۲,۷	۵۴,۵
خیلی بالا	۲۵	۴۵,۵	۱۰۰,۰
جمع کل	۵۵	۱۰۰,۰	

جدول شماره ۴-۱-۲- جدول فراوانی و درصد ویژگی با وجدان بودن در مردان

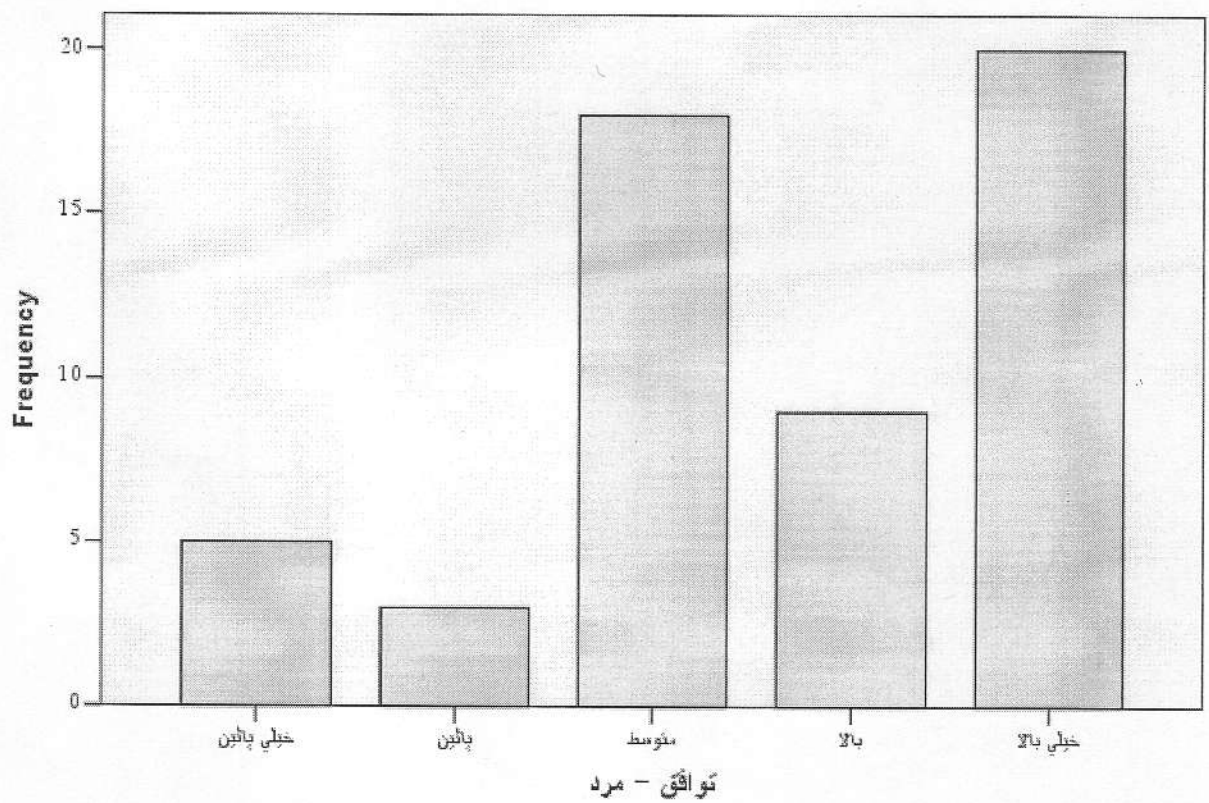


نمودار شماره ۴-۱-۲- نمودار فراوانی با وجدان بودن در مردان



توافق مرد			
	فراواني	درصد	فراواني درصدي
خيلي پائين	۵	۹,۱	۹,۱
پائين	۳	۵,۵	۱۴,۵
متوسط	۱۸	۳۲,۷	۴۷,۳
بالا	۹	۱۶,۴	۶۳,۶
خيلي بالا	۲۰	۳۶,۴	۱۰۰,۰
جمع کل	۵۵	۱۰۰,۰	

جدول شماره ۴-۱-۳- جدول فراوانی و درصد ویژگی توافق در مردان

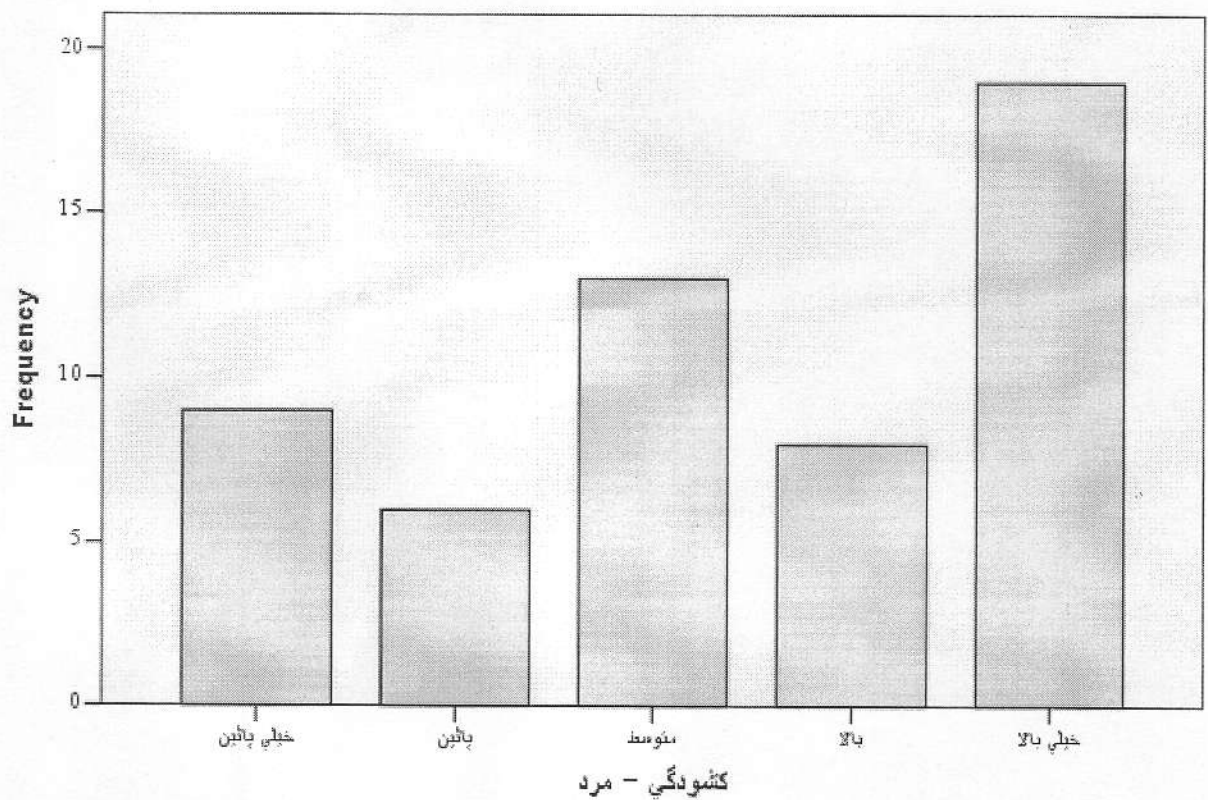


نمودار شماره ۴-۱-۳- نمودار فراوانی توافق در مردان



گشودگی مرد			
	فراواني	درصد	فراواني درصدي
خيلي پائين	۹	۱۶,۴	۱۶,۴
پائين	۶	۱۰,۹	۲۷,۳
متوسط	۱۳	۲۳,۶	۵۰,۹
بالا	۸	۱۴,۵	۶۵,۵
خيلي بالا	۱۹	۳۴,۵	۱۰۰,۰
جمع کل	۵۵	۱۰۰,۰	

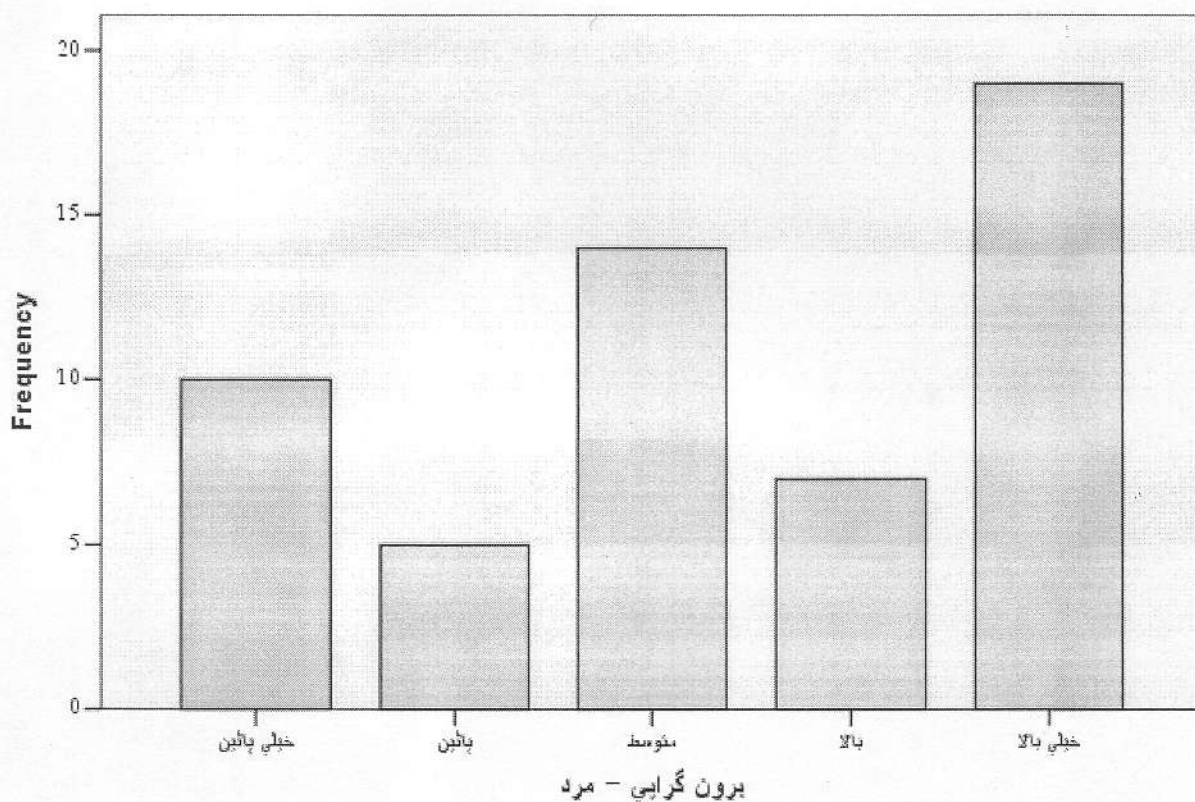
جدول شماره ۴-۱-۴- جدول فراوانی و درصد ویژگی گشودگی در مردان



نمودار شماره ۴-۱-۴- نمودار فراوانی گشودگی در مردان

برون گرایی مرد			
	فراوانی	درصد	فراوانی درصدی
خیلی پائین	۱۰	۱۸,۲	۱۸,۲
پائین	۵	۹,۱	۲۷,۳
متوسط	۱۴	۲۵,۵	۵۲,۷
بالا	۷	۱۲,۷	۶۵,۵
خیلی بالا	۱۹	۳۴,۵	۱۰۰,۰
جمع کل	۵۵	۱۰۰,۰	

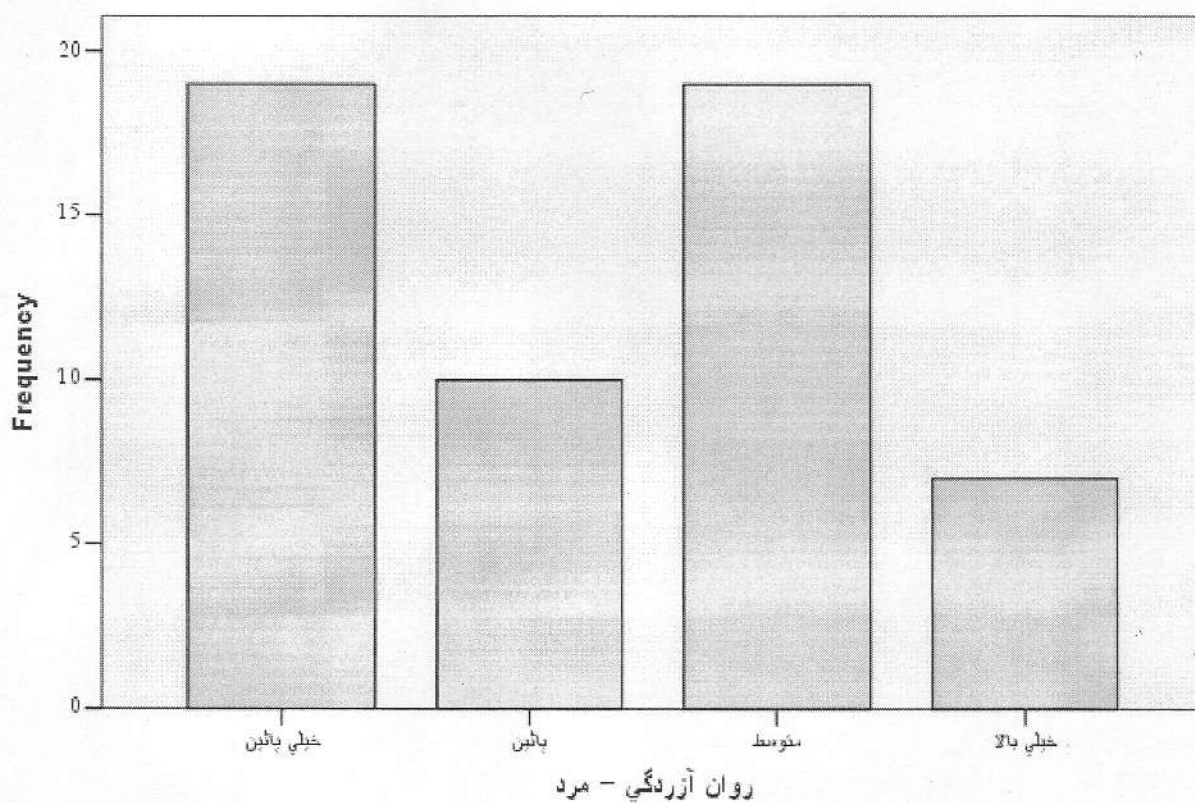
جدول شماره ۴-۱-۵- جدول فراوانی و درصد ویژگی برونگرایی در مردان



نمودار شماره ۴-۱-۵- نمودار فراوانی برونگرایی در مردان

روان آزردهی مرد			
	فراوانی	درصد	فراوانی درصدی
خیلی پائین	۱۹	۳۴.۵	۳۴.۵
پائین	۱۰	۱۸.۲	۵۲.۷
متوسط	۱۹	۳۴.۵	۸۷.۳
خیلی بالا	۷	۱۲.۷	۱۰۰.۰
جمع کل	۵۵	۱۰۰.۰	

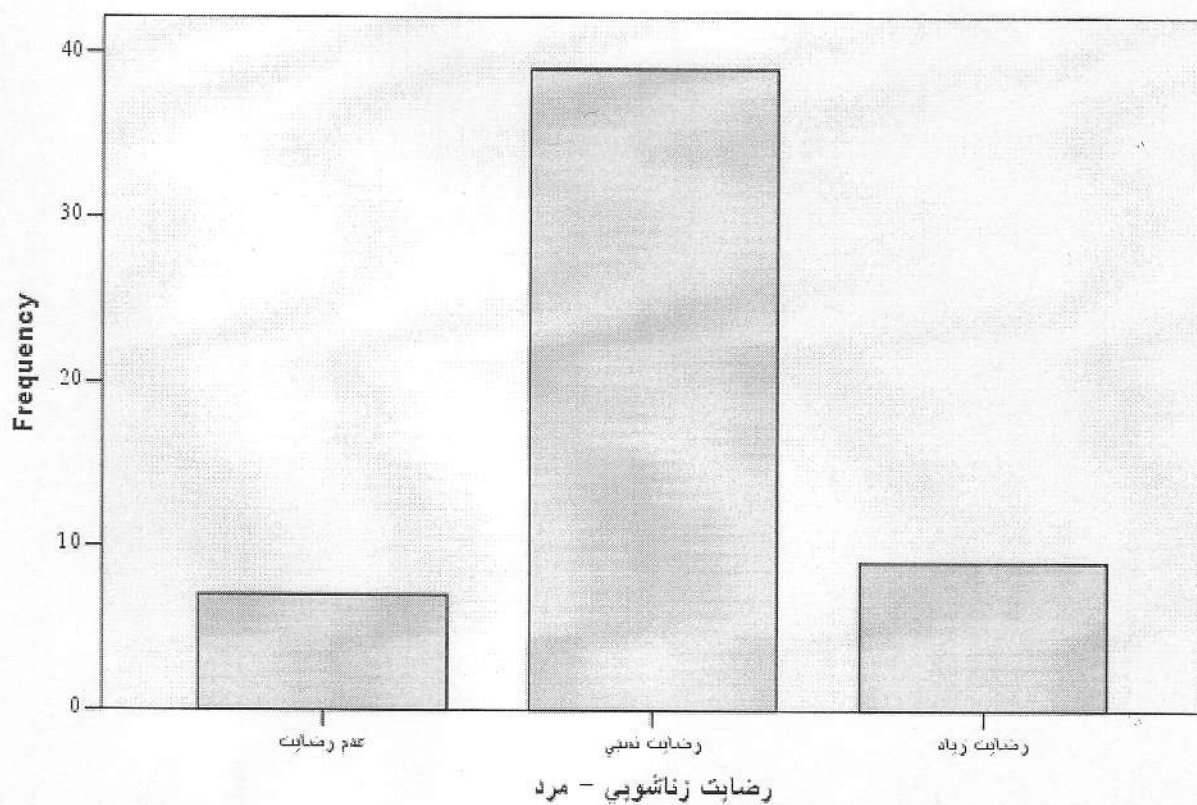
جدول شماره ۴-۱-۶- جدول فراوانی و درصد ویژگی روان آزردهی در مردان



نمودار شماره ۴-۱-۶- نمودار فراوانی روان آزردهی در مردان

رضایت زناشویی مرد			
	فراوانی	درصد	فراوانی درصدی
عدم رضایت	۷	۱۲,۷	۱۲,۷
رضایت نسبی	۳۹	۷۰,۹	۸۳,۶
رضایت زیاد	۹	۱۶,۴	۱۰۰,۰
جمع کل	۵۵	۱۰۰,۰	

جدول شماره ۴-۱-۷- جدول فراوانی و درصد رضایت زناشویی در مردان

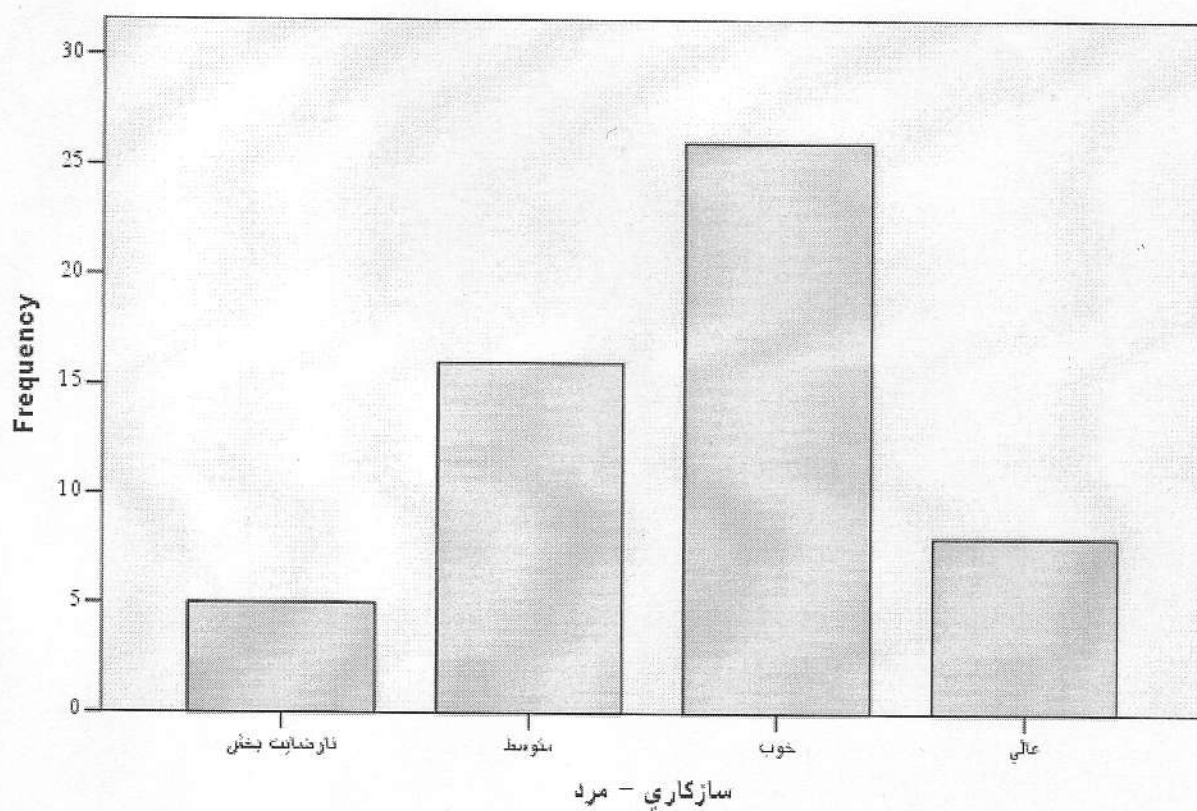


نمودار شماره ۴-۱-۷- نمودار فراوانی رضایت زناشویی در مردان



سازگاري مرد			
	فراواني	درصد	فراواني درصدي
نارضائيت بخش	۵	۹,۱	۹,۱
متوسط	۱۶	۲۹,۱	۳۸,۲
خوب	۲۶	۴۷,۳	۸۵,۵
عالي	۸	۱۴,۵	۱۰۰,۰
جمع كل	۵۵	۱۰۰,۰	

جدول شماره ۴-۱-۸- جدول فراواني و درصد ويژگي سازگاري در مردان



نمودار شماره ۴-۱-۸- نمودار فراواني سازگاري در مردان

۴-۲- ارائه تجزیه و تحلیل داده ها

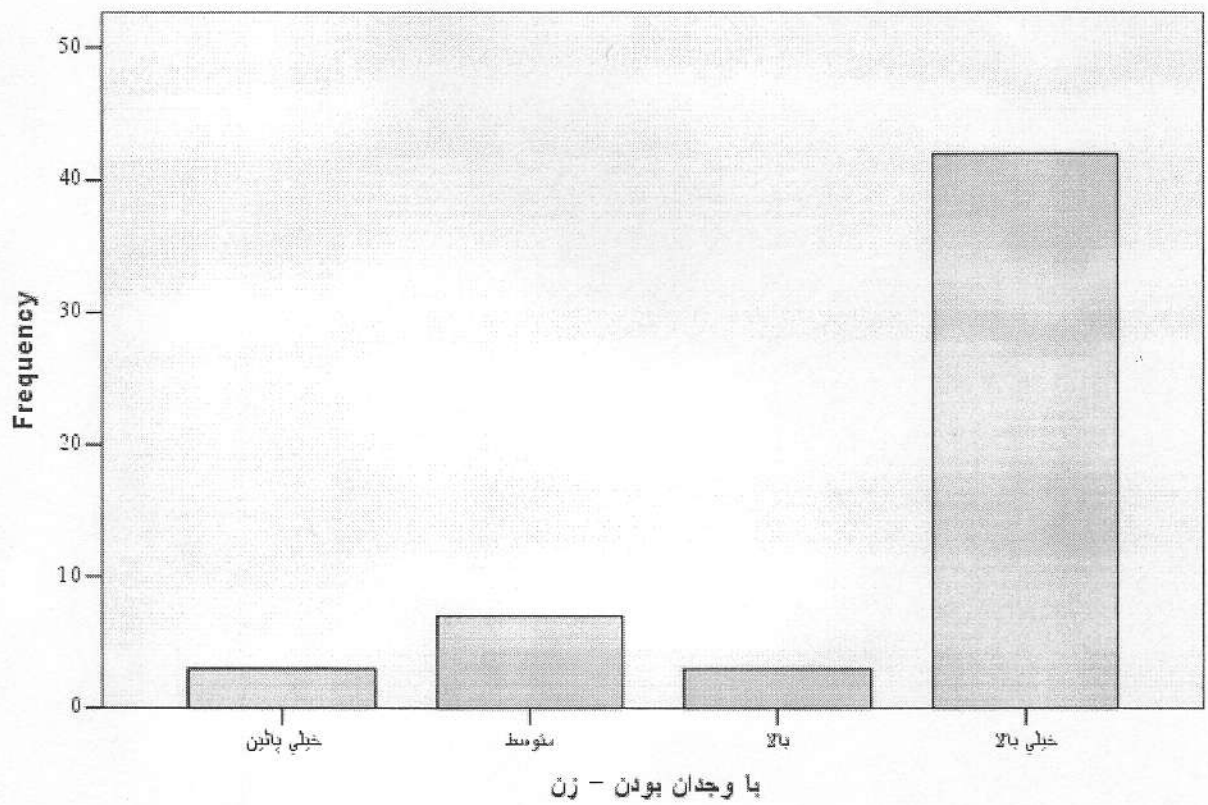
ارائه شاخص های آمار توصیفی یافته ها ، قبل از بررسی یافته های مربوط به آزمون فرضیات ، ارائه داده ها و اطلاعات درباره پاره ای شاخص های توصیفی مانند : میانگین ، مد انحراف از معیار و واریانس ضروری است.

	رضایت زناشویی	سازگاری	روان آزردهی	برون گرایی	گشودگی	توافق	با وجدان بودن	
تعداد	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	
میانگین	۲,۷۳	۳,۳۱	۳,۱۳	۳,۳۶	۳,۳۳	۳,۸۴	۴,۴۷	
انحراف از میانگین	,۱۱۱	,۰۶۳	,۰۷۸	,۱۷۵	,۲۲۳	,۱۷۷	,۱۴۶	
میانگین	۳,۰۰	۳,۰۰	۱,۰۰	۳,۰۰	۴,۰۰	۴,۰۰	۵,۰۰	
مد	۳	۳	۱	۲	۵	۵	۵	
انحراف از معیار	,۸۲۷	,۴۶۶	۴,۲۸۶	۱,۲۹۶	۱,۶۵۶	۱,۳۱۶	۱,۰۸۶	
واریانس	,۶۸۴	,۲۱۸	۱۸,۳۷۲	۱,۶۸۰	۲,۷۴۳	۱,۷۳۲	۱,۱۸۰	
کمترین	۱	۳	۱	۱	۱	۱	۱	
بیشترین	۵	۴	۲۳	۵	۵	۵	۵	
جمع کل	۱۵۰	۱۸۲	۱۷۲	۱۸۵	۱۸۳	۲۱۱	۲۴۶	

جدول شماره ۴-۲-۱- مولفه های آماری و نمره های پنج ویژگی شخصیتی و نمره های رضایت و سازگاری زناشویی زنان ( بر اساس پرسشنامه پنج عاملی ، رضایت زناشویی ایزبج و سازگاری زناشویی سینگ ).

با وجدان بودن زن			
	فراواني	درصد	فراواني درصدي
خيلي پائين	۳	۵.۵	۵.۵
متوسط	۷	۱۲.۷	۱۸.۲
بالا	۳	۵.۵	۲۳.۶
خيلي بالا	۴۲	۷۶.۴	۱۰۰.۰
جمع کل	۵۵	۱۰۰.۰	

جدول شماره ۴-۲-۲- جدول فراوانی و درصد ویژگی با وجدان بودن در زنان

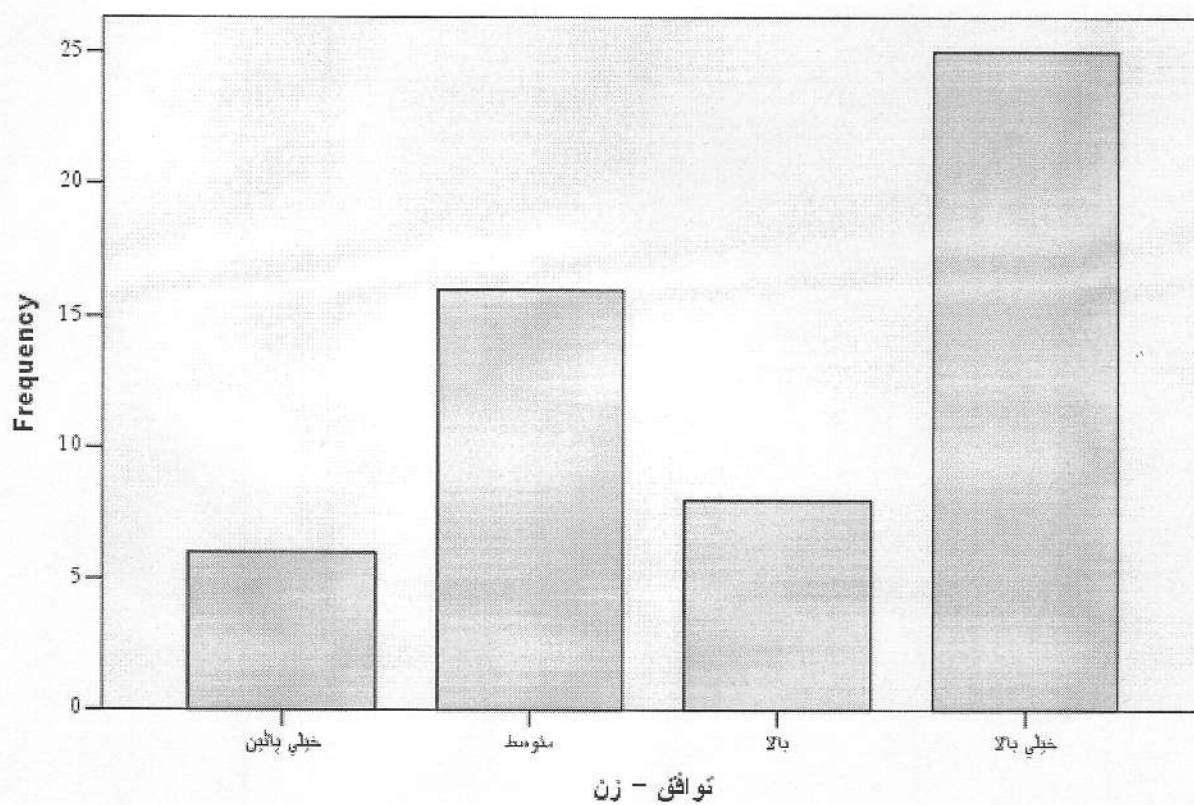


نمودار شماره ۴-۲-۲- نمودار فراوانی با وجدان بودن در زنان



توافق زن				
		درصد فراواني	فراواني درصدي	
	خيلي پائين	۶	۱۰,۹	۱۰,۹
	متوسط	۱۶	۲۹,۱	۴۰,۰
	بالا	۸	۱۴,۵	۵۴,۵
	خيلي بالا	۲۵	۴۵,۵	۱۰۰,۰
	جمع كل	۵۵	۱۰۰,۰	

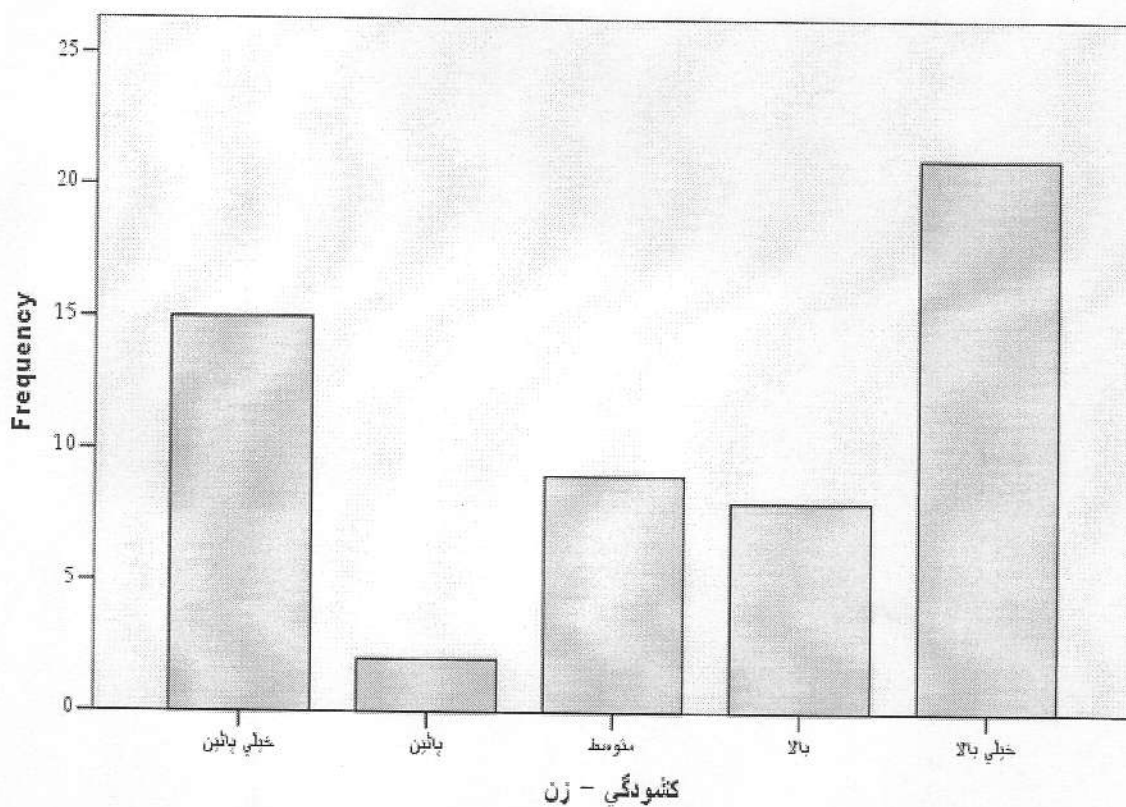
جدول شماره ۴-۲-۳- جدول فراوانی و درصد ویژگی توافق در زنان



نمودار شماره ۴-۲-۳- نمودار فراوانی توافق در زنان

گشودگی زن			
	فراواني	درصد	فراواني درصدي
خيلي پائين	۱۵	۲۷.۳	۲۷.۳
پائين	۲	۳.۶	۳۰.۹
متوسط	۹	۱۶.۴	۴۷.۳
بالا	۸	۱۴.۵	۶۱.۸
خيلي بالا	۲۱	۳۸.۲	۱۰۰.۰
جمع کل	۵۵	۱۰۰.۰	

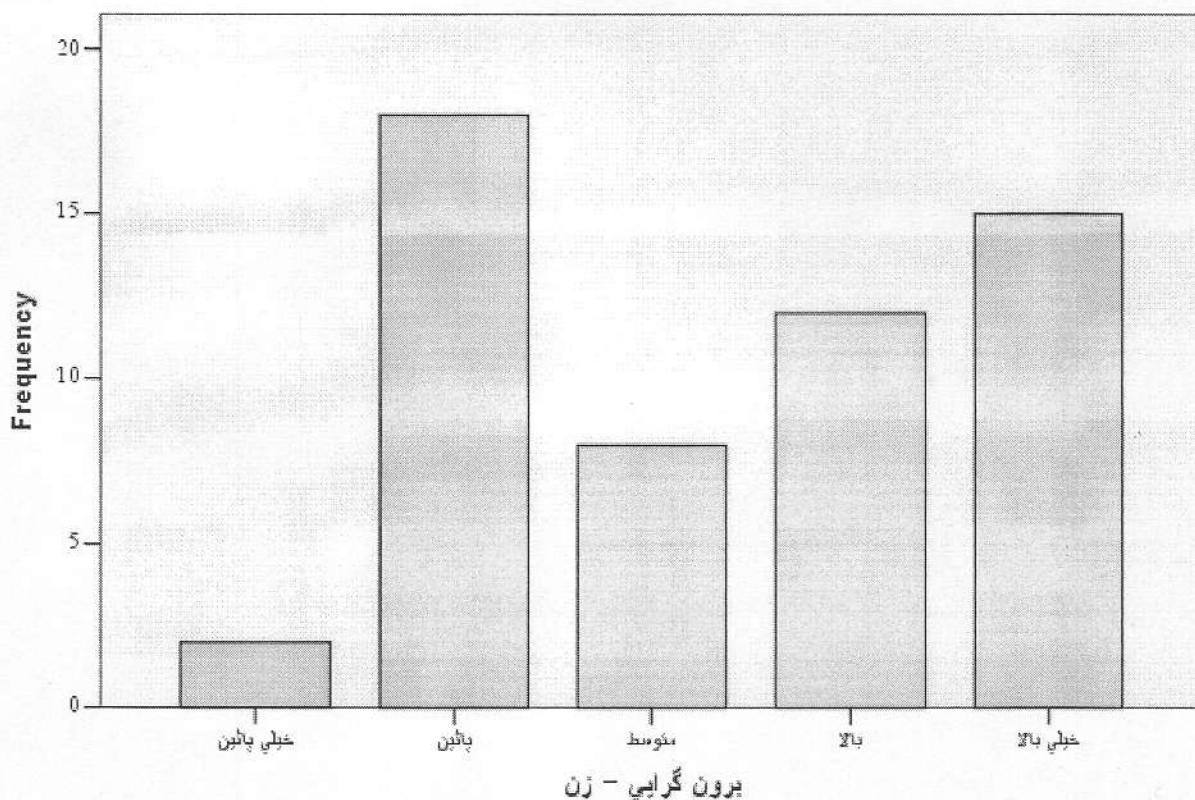
جدول شماره ۴-۲-۴- جدول فراوانی و درصد ویژگی گشودگی در زنان



نمودار شماره ۴-۲-۴- نمودار فراوانی ویژگی گشودگی در زنان

برون گرایي زن			
	فراواني	درصد	فراواني درصدي
خيلي پائين	۲	۳,۶	۳,۶
پائين	۱۸	۳۲,۷	۳۶,۴
متوسط	۸	۱۴,۵	۵۰,۹
بالا	۱۲	۲۱,۸	۷۲,۷
خيلي بالا	۱۵	۲۷,۳	۱۰۰,۰
جمع کل	۵۵	۱۰۰,۰	

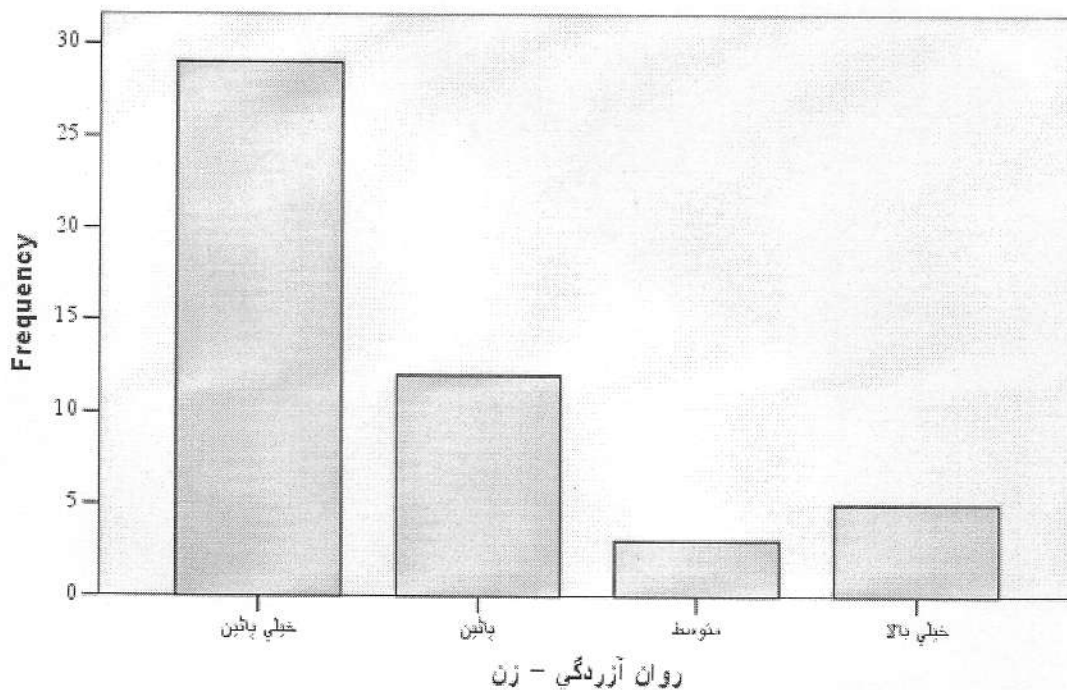
جدول شماره ۴-۲-۵- جدول فراوانی و درصد ویژگی برون‌گرایی در زنان



نمودار شماره ۴-۲-۵- نمودار فراوانی ویژگی برون‌گرایی در زنان

روان آزردهی زن			
	فراوانی	درصد	فراوانی درصدی
خیلی پائین	۲۹	۵۲٫۷	۵۲٫۷
پائین	۱۲	۲۱٫۸	۲۴٫۵
متوسط	۳	۵٫۵	۸٫۰
خیلی بالا	۱۱	۱۶٫۰	۱۰۰٫۰
جمع کل	۵۵	۱۰۰٫۰	

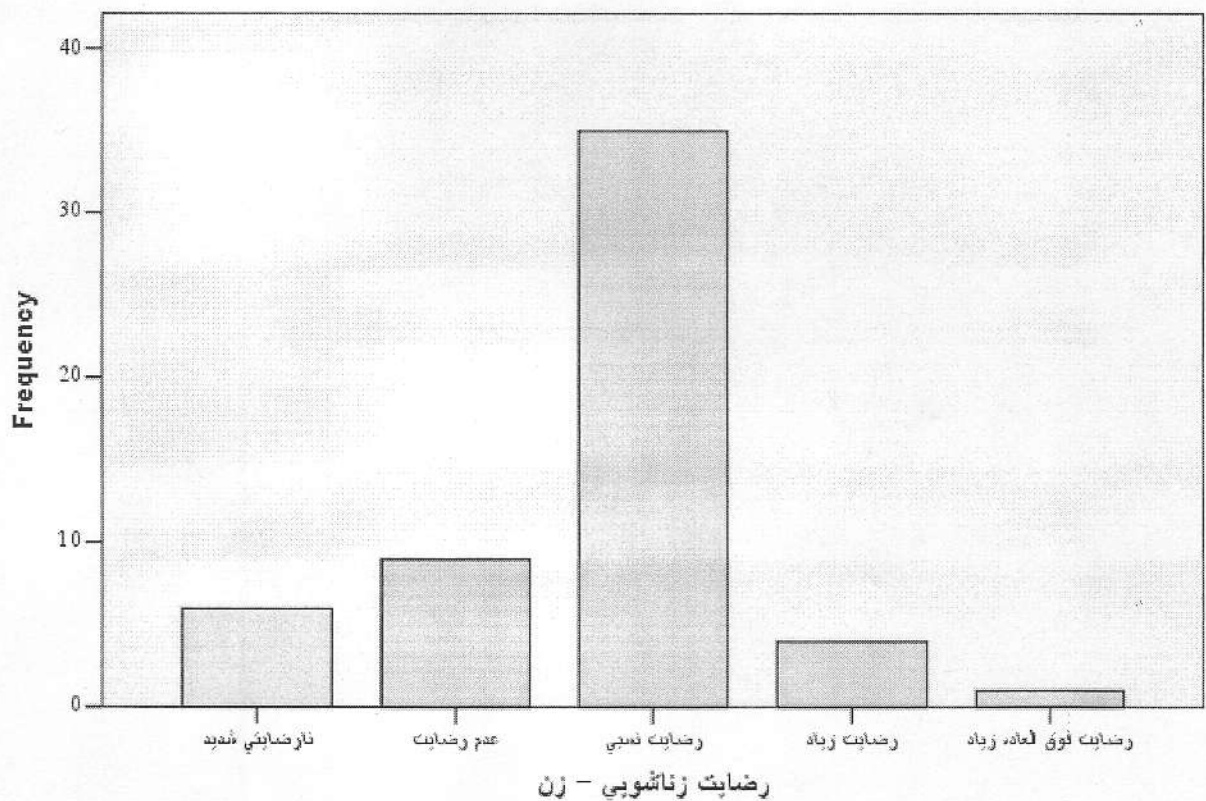
جدول شماره ۴-۲-۶- جدول فراوانی و درصد ویژگی سازگاری در زنان



نمودار شماره ۴-۲-۶- نمودار فراوانی روان آزردهی در زنان

رضایت زناشویی زن			
	فراوانی	درصد	فراوانی درصدی
نارضایتی شدید	۶	۱۰,۹	۱۰,۹
عدم رضایت	۹	۱۶,۴	۲۷,۳
رضایت نسبی	۳۵	۶۳,۶	۹۰,۹
رضایت زیاد	۴	۷,۳	۹۸,۲
رضایت فوق العاده زیاد	۱	۱,۸	۱۰۰,۰
جمع کل	۵۵	۱۰۰,۰	

جدول شماره ۴-۲-۷- جدول فراوانی و درصد ویژگی رضایت زناشویی در زنان

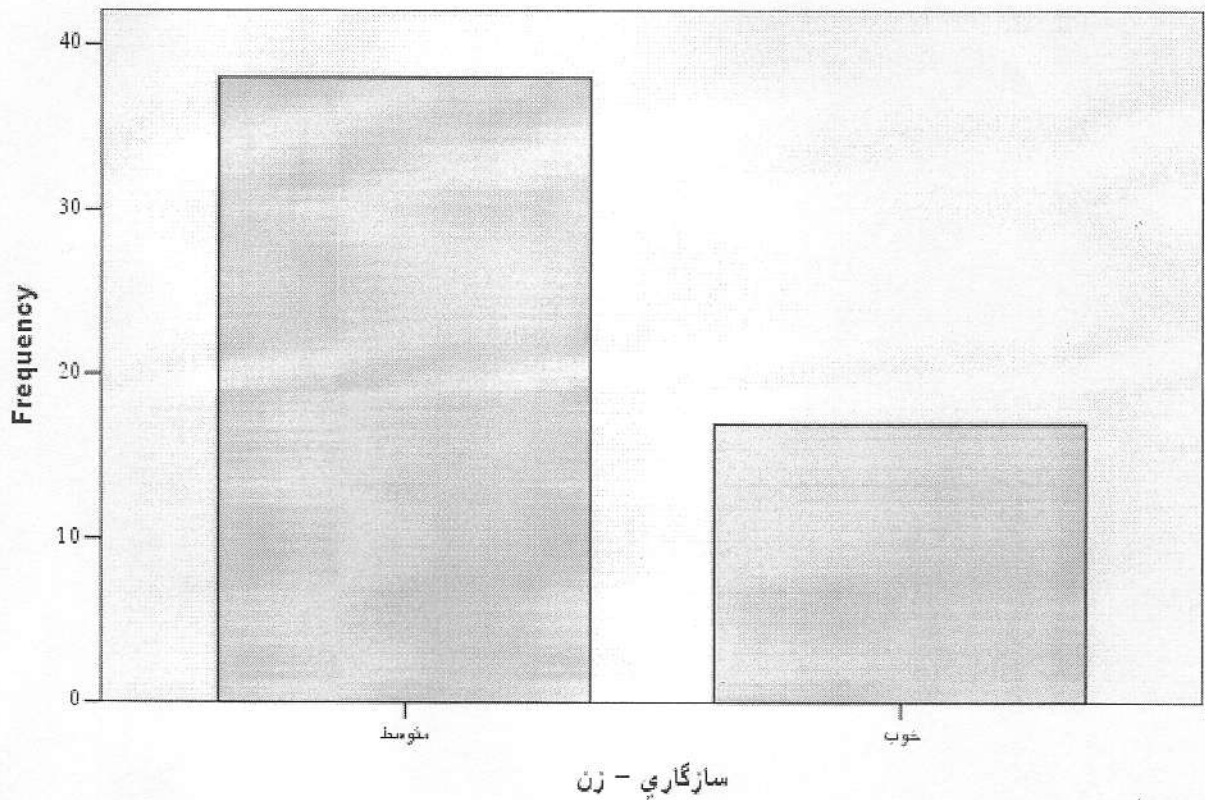


نمودار شماره ۴-۲-۷- نمودار فراوانی رضایت زناشویی در زنان



سازگاري زن			
	فراواني	درصد	فراواني درصدي
متوسط	۳۸	۶۹,۱	۶۹,۱
خوب	۱۷	۳۰,۹	۱۰۰,۰
جمع کل	۵۵	۱۰۰,۰	

جدول شماره ۴-۲-۸- جدول فراوانی و درصد ویژگی سازگاری در زنان



نمودار شماره ۴-۲-۸- نمودار فراوانی سازگاری در زنان



۳-۴- ارائه تجزیه و تحلیل داده ها  
 ب\_ اطلاعات مربوط به آزمون فرضیه ها

مرد							
		با وجدان بودن	توافق	گشودگی	برون گرایی	روان آزردهی	رضایت زناشویی
سازگاری	Pearson Correlation	.۷۲۸ (**)	.۶۶۸ (**)	.۵۱۲ (**)	.۵۹۸ (**)	-.۶۹۱ (**)	۱
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	
	N	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵
رضایت زناشویی	Pearson Correlation	.۵۵۱ (**)	.۳۶۵ (**)	.۵۶۰ (**)	.۳۷۱ (**)	-.۵۱۴ (**)	.۵۵۴ (**)
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰	.۰۰۶	.۰۰۰	.۰۰۵	.۰۰۰	.۰۰۰
	N	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵

جدول شماره ۳-۴-۱- همبستگی پیرسون بین ویژگی های شخصیت و رضایت زناشویی و سازگاری زناشویی در مردان ملاحظه می شود که بین عوامل شخصیت به جز عامل روان آزردهی با رضایت و سازگاری زناشویی در مردان در سطح  $p < ۰/۰۱$  رابطه مثبت معنا دار و بین عامل روان آزردهی با رضایت سازگاری زناشویی در مردان در سطح رابطه منفی و معنا دار وجود دارد.

فرضیه شماره ۱ :

بین با وجدان بودن و سازگاری و رضایت زناشویی در مردان رابطه مثبت وجود دارد .

۴ - ۳ - ۱ - یافته های مربوط به فرضیه شماره ۱

ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات عامل با وجدان بودن در مردان با نمرات رضایت زناشویی آنها ۰/۵۵۱ است ، که در سطح  $P < ۰/۰۱$  معنی دار است ، در نتیجه می توان گفت که بین عامل شخصیتی با وجدان بودن و رضایت زناشویی در مردان رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد . همچنین ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات عامل با وجدان بودن در مردان با نمرات سازگاری زناشویی آنها ۰/۷۲۸ است ، که در سطح  $P < ۰/۰۱$  معنی دار است ، در نتیجه می توان گفت که بین عامل شخصیتی با وجدان بودن و سازگاری زناشویی در مردان رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد .

فرضیه شماره ۲ :

بین عامل توافق و رضایت و سازگاری زناشویی در مردان رابطه مثبت وجود دارد .

۴ - ۳ - ۲ - یافته های مربوط به فرضیه شماره ۲

ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات عامل توافق در مردان با نمرات رضایت زناشویی آنها ۰/۳۶۵ است ، که در سطح  $P < ۰/۰۱$  معنی دار است ، در نتیجه می توان گفت که بین عامل شخصیتی توافق و رضایت زناشویی در مردان رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد . ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات عامل توافق در مردان با نمرات سازگاری زناشویی آنها ۰/۶۶۸ است ، که در سطح  $P < ۰/۰۱$  معنی دار است ، در نتیجه می توان گفت که بین عامل توافق و سازگاری زناشویی در مردان رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد .

فرضیه شماره ۳ :

بین گشودگی و رضایت و سازگاری زناشویی در مردان رابطه مثبت وجود دارد .

۴ - ۳ - ۳ - یافته های مربوط به فرضیه شماره ۳

ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات عامل گشودگی در مردان با نمرات رضایت زناشویی آنها ۰/۵۶۰ است ، که در سطح  $P < ۰/۰۱$  معنی دار است ، در نتیجه می توان گفت که بین عامل گشودگی در برابر تجربه در مردان و سازگاری زناشویی آنها ۰/۵۱۲ است . در نتیجه میتوان گفت که بین ویژگی شخصیتی گشودگی و سازگاری زناشویی رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد .

فرضیه ۴ :

بین برونگرایی و رضایت و سازگاری زناشویی در مردان رابطه مثبت وجود دارد .

۴ - ۳ - ۴ - یافته های مربوط به فرضیه شماره ۴

ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات عامل برونگرایی در مردان و رضایت زناشویی آنها ۰/۳۷۱ است ، که در سطح  $P < ۰/۰۱$  معنی دار است ، در نتیجه می توان گفت که بین عامل برون گرایی و رضایت زناشویی رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد .

ضریب همبستگی پیرسون بین عامل برون گرایی در مردان و سازگاری آنها ۰/۵۹۸ است که در سطح  $P < ۰/۰۱$  معنی دار است ، در نتیجه می توان گفت که بین عامل برون گرایی و رضایت زناشویی رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد .

فرضیه ۵ :

بین روان آزدگی و رضایت و سازگاری زناشویی در مردان رابطه منفی وجود دارد .

۴ - ۳ - ۵ - یافته های مربوط به فرضیه شماره ۵

ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات روان آزدگی در مردان و رضایت زناشویی آنها ۰/۵۱۴ است ، که در سطح  $P < ۰/۰۱$  معنی دار است ، در نتیجه می توان گفت که بین ویژگی شخصیتی روان آزدگی و رضایت زناشویی رابطه ای منفی و معنادار وجود دارد . ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات روان آزدگی در مردان و سازگاری زناشویی آنها ۰/۶۹۱ - است که در سطح  $P < ۰/۰۱$  معنی دار است ، در نتیجه می توان گفت که بین ویژگی شخصیتی روان آزدگی و سازگاری زناشویی رابطه ای منفی و معنادار وجود دارد .

۴-۴-۴- ارائه تجزیه و تحلیل داده ها  
 ب\_ اطلاعات مربوط به آزمون فرضیه ها

		زن						
		با وجدان بودن	توافق	گشودگی	برون گرایی	روان آزردگی	سازگاری	رضایت زناشویی
سازگاری	Pearson Correlation	,۱۸۱	-,۳۶۹ (**)	-,۴۶۹ (**)	-,۰۰۶	-,۰۷۶	۱	
	Sig. (2-tailed)	,۱۸۵	,۰۰۶	,۰۰۰	,۹۶۸	,۵۸۳		
	N	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	
رضایت زناشویی	Pearson Correlation	-,۲۲۵	-,۳۶۵ (**)	-,۲۱۸	,۵۲۶ (**)	,۰۴۷	,۲۷۱ (*)	۱
	Sig. (2-tailed)	,۰۹۹	,۰۰۶	,۱۱۰	,۰۰۰	,۷۳۶	,۰۴۶	
	N	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵

جدول ۴-۴-۱ همبستگی پیرسون بین ویژگیهای شخصیت و رضایت و سازگاری  
 زناشویی در زنان

فرضیه شماره ۶: بین با وجدان بودن و سازگاری و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد.

۴-۴-۱ یافته های مربوط به فرضیه شماره ۶

ضریب همبستگی پیرسن در سطح ( $p < 0/01$ ) بین نمرات عامل با وجدان بودن در زنان با نمرات رضایت زناشویی آن ها  $0/225 -$  است ، در نتیجه می توان گفت: بین عامل شخصیتی با وجدان بودن و رضایت زناشویی در زنان رابطه ی منفی و ضعیفی وجود دارد .

ضریب همبستگی پیرسن در سطح ( $p < 0/01$ ) بین نمرات عامل با وجدان بودن در زنان با نمرات سازگاری زناشویی آن ها  $0/181 -$  است ، در نتیجه می توان گفت: بین عامل شخصیتی با وجدان بودن و سازگاری زناشویی در زنان رابطه ی مثبت و ضعیفی وجود دارد .

فرضیه شماره ۷: بین عامل توافق و رضایت زناشویی در زنان رابطه مثبت وجود دارد.

۴-۴-۲ یافته های مربوط به فرضیه شماره ۷

ضریب همبستگی پیرسن در سطح ( $p < 0/01$ ) بین نمرات عامل توافق در زنان با نمرات رضایت زناشویی آن ها  $0/365 -$  است ، در نتیجه می توان گفت: بین عامل شخصیتی توافق و رضایت زناشویی در زنان رابطه ی منفی و ضعیفی وجود دارد .

ضریب همبستگی پیرسن در سطح ( $p < 0/01$ ) بین نمرات عامل توافق در زنان با نمرات سازگاری زناشویی آن ها  $0/369 -$  است ، در نتیجه می توان گفت: بین عامل شخصیتی توافق و سازگاری زناشویی در زنان رابطه ی منفی و ضعیفی وجود دارد .

فرضیه شماره ۸: بین گشودگی و رضایت زناشویی در زنان رابطه مثبت وجود دارد.

۴-۴-۳ یافته های مربوط به فرضیه شماره ۸

ضریب همبستگی پیرسن در سطح ( $p < 0/01$ ) بین نمرات عامل گشودگی در زنان و رضایت زناشویی آن ها  $0/218 -$  است . در نتیجه می توان گفت: بین ویژگی شخصیتی گشودگی در برابر تجربه و رضایت زناشویی رابطه ی منفی و ضعیفی وجود دارد .

ضریب همبستگی پیرسن در سطح ( $p < 0/01$ ) بین نمرات عامل گشودگی در زنان و سازگاری زناشویی آن ها  $0/469 -$  است . در نتیجه می توان گفت: بین ویژگی شخصیتی گشودگی در برابر تجربه و سازگاری زناشویی رابطه ی منفی و معناداری وجود دارد .



فرضیه شماره ۹: بین برون گرایی و رضایت زناشویی در زنان رابطه مثبت وجود دارد.

۴-۴-۴ یافته های مربوط به فرضیه شماره ۹

ضریب همبستگی پیرسن در سطح ( $p < 0/01$ ) بین نمرات عامل برون گرایی در زنان و رضایت زناشویی آن ها ۰/۵۲۶ است. در نتیجه می توان گفت: بین ویژگی شخصیتی برون گرایی و رضایت زناشویی رابطه ی مثبت و معنادار وجود دارد.

ضریب همبستگی پیرسن در سطح ( $p < 0/01$ ) بین نمرات عامل برون گرایی در زنان و سازگاری زناشویی آن ها ۰/۰۰۶- است. در نتیجه می توان گفت: بین ویژگی شخصیتی برون گرایی و سازگاری زناشویی رابطه ی معناداری وجود ندارد.

فرضیه شماره ۱۰: بین روان آزردهی و رضایت و سازگاری زناشویی در زنان رابطه منفی وجود دارد.

۴-۴-۵ یافته های مربوط به فرضیه شماره ۱۰

ضریب همبستگی پیرسن در سطح ( $p < 0/01$ ) بین نمرات روان آزردهی در زنان و رضایت زناشویی آن ها ۰/۰۴۷ است. در نتیجه می توان گفت: بین ویژگی شخصیتی روان آزردهی و رضایت زناشویی رابطه ی معناداری وجود ندارد و فرضیه ی ما رد می شود.

ضریب همبستگی پیرسن در سطح ( $p < 0/01$ ) بین نمرات روان آزردهی در زنان و رضایت زناشویی آن ها ۰/۰۷۶ است. در نتیجه می توان گفت: بین ویژگی شخصیتی روان آزردهی و رضایت زناشویی رابطه ی معناداری وجود ندارد.



# فصل پنجم

تفسیر نتایج

توجه به اهداف پژوهش ، تعیین و تصریح رابطه بین عوامل شخصیتی با رضایت و سازگاری زناشویی در صدوده نفر از دانشجویان مقطع دکترا و کارشناسی ارشد ؛ بررسی اهمیت نسبی نقش هر یک از متغیرهای مستقل در پیش بینی تغییرات متغیروابسته و نتایج ارائه شده در فصل قبل ، در این فصل به تفسیر آن نتایج در سطح ارتباط با فرضیه های پژوهش و همچنین یافته های پژوهش های قبل ؛ میزان امکان تصمیم و کاربست نتایج و در نهایت ذکر محدودیت های پژوهش در دستیابی به اهداف تعیین شده ؛ ارائه پیشنهادها برای گسترش پژوهش و افزایش دقت ، اعتبار و بهبود نتایج ، در این گستره پرداخته می شود .

#### ۱-۵- بحث و تفسیر نتایج

برای تفسیر نتایج پژوهش حاضر به ترتیب فرضیه ها ، به ارتباط بین عوامل شخصیت با رضایت و سازگاری زناشویی مردان و زنان پرداخته شده است .

فرضیه نخست ، به بررسی ارتباط بین عوامل شخصیت با رضایت و سازگاری زناشویی در مردان پرداخته است ، با توجه به جدول ۴-۲-۱ . رابطه ی بین عامل شخصیتی با وجدان بودن با رضایت و سازگاری زناشویی مردان ، رابطه ی مثبت و معنادار است .

درباره تفسیر یافته های مربوط به این فرضیه ، چون این عامل ، رفتار های کاری ، انجام وظایف ، رفتار هدفمند ( مانند توانمندی و هشیاری بر قواعد ) و رگه های مرتبط با مهارگری ( مهار برانگیختگی یا رفتار آنی فردی و اجتماعی ) را شامل می شود ؛ چنین رابطه ای بین عامل شخصیتی با وجدان بودن و رضایت و سازگاری زناشویی نمی تواند دور از انتظار باشد ؛ از این رو ، برابر پیش بینی ، اشخاص دارای نمرات بالاتر در این عامل ، احتمالاً " رضایت و سازگاری زناشویی بهتری را خواهد داشت .

این یافته ها با نتایج مطالعه باتوین و همکاران ( ۱۹۹۷ ) هماهنگ است ؛ بر اساس نظر ایشان افراد دارای نمره بالا در این عامل از احساس مسئولیت و نیاز بیشتر برای موفقیت برخوردارند و سعی می کنند روابط زناشویی پایدار و مثبتی داشته باشند .

در خصوص فرضیه ۲ با توجه به یافته های جدول ۴-۲-۱ بین عامل توافق و رضایت و سازگاری زناشویی در مردان، نشانگر رابطه ی مثبت معنادار در سطح احتمال (  $0/01 < p$  ) بوده است ، به بیان دیگر هر چقدر نمره ی بیشتری در عامل شخصیتی توافق باشند ، از رضایت و سازگاری زناشویی بیشتری برخوردار خواهند بود .

همگرایی یافته های این پژوهش در رابطه ی بین عامل شخصیتی توافق با سازگاری زناشویی در سایر پژوهش های انجام شده در ادبیات پژوهش نیز قابل تأمل است . تفسیر چگونگی این ارتباط را می توان با توجه به ماهیت عامل توافق تسهیل نمود چرا که اشخاص دارای نمره بالاتر در این عامل ، دارای ویژگی هایی نظیر همدردی ، گرمی ، همکاری و اعتماد به دیگران هستند ؛ هر یک از این ویژگی ها تأثیر ویژه ای بر کیفیت روابط بین فردی دارد . به گونه ای که گلدبرگ ( ۱۹۹۲ ) و جان ( ۱۹۹۰ ) معتقدند گرمی در روابط ، جنبه ای از توافق است و احتمالاً " سطح عامل توافق در فرد می تواند با چگونگی تعامل وی با دیگران و تعاملات دو نفره مرتبط باشد ؛ چنانچه همسری در این عامل و در نتیجه ویژگی های مزبور نمره بالایی داشته باشد ، سطح توافق دو نفره شان که عامل مهمی در کنش وری سازگاری دو نفره محسوب می شود ، افزایش می یابد . همچنین در مطالعات دیگر ( باتوین و همکاران ، ۱۹۹۷ ؛ باسن ۱۹۹۱ ) مشخص شده بود که توافق ، خود را جای دیگری قرار دادن ، با رضایت و سازگاری زناشویی همبستگی مثبت دارد .

در مورد فرضیه ۳ با توجه به جدول ۴-۲-۱ ضریب همبستگی بین گشودگی و رضایت و سازگاری زناشویی در مردان در سطح ( $p < 0.01$ ) رابطه ی مثبت معنادار را نشان میدهد . تفسیر نتایج مربوط به رابطه گشودگی با رضایت و سازگاری زناشویی در وهله ی نخست به ماهیت ویژگی های این عامل مربوط می شود ؛ اشخاص دارای نمره بالا در مقایسه با اشخاص دارای نمره پایین در این عامل ، در پذیرش تجربه جدید ، عناصر هوش ، فرهنگ ، خلاقیت ، علائق وسیع و پیچیدگی و گستردگی شناخت ، برتری قابل ملاحظه ای را نشان می دهند . این عامل متغیر شخصیتی مانند باور ها و مقاوم نبودن در اندیشه را شامل می شود که بدوا " ماهیت شناختی دارند ( مک کری ، ۱۹۹۱ ) . پژوهش های پیشین ، ارتباط این عامل با رضایت و سازگاری زناشویی را این گونه توجیه نمودند که گشودگی فرد در برابر تجربه های جدید ، احتمالاً با افزایش رغبت در توجه به صحبت و خواسته های همسر و فهم و درک دیدگاه ها و نظرات او مرتبط است ؛ از این رو در برنامه های آموزش های پیشگیرانه برای افزایش توانش های برقراری ارتباط باید مورد توجه قرار گیرد و به استناد نظر مارکمن ، استانلی و بلامبرگ ( ۱۹۹۴ ) به عنوان عامل مهمی در پیشگیری از اختلال و از هم گسیختگی روابط و از آن سو به عنوان عامل افزایش پایداری رابطه ی دو نفره به حساب آمده ، دارای ارتباط منفی بالا با نارضایتمندی جنسی و زناشویی مشخص شده است ؛ از این رو ، یافته های مربوط به این فرضیه با نتایج مزبور در ادبیات پژوهشی هماهنگ بوده است .

در مورد فرضیه ۴ با توجه به یافته های جدول ۴-۲-۱ ضرایب همبستگی بین برونگرایی با رضایت و سازگاری زناشویی مردان رابطه مثبت معنادار در سطح احتمال ( $p < 0/01$ ) را نشان داد.

درباره ی هماهنگی یافته های مربوط به فرضیه ۴ پژوهش حاضر با سایر پژوهش ها ، راسل و ولز ( ۱۹۹۴ ) در مطالعه فرا تحلیلی خود اظهار می دارند که با توجه به این که این عامل بر کمیت و شدت روابط ( مانند اجتماعی بودن و تسلط ) ، سطح انرژی ، هیجان مثبت و جستجوی هیجان ( تحریک ) مانند بازی و جستجوی توجه است ؛ اشخاص دارای نمره بالا در این عامل ، در بیشتر موارد ، دارای عواطف مثبت ، بشاش و با روحیه بالاتر از افراد دارای نمره پایین در این عامل مشخص شده اند ؛ از این رو ، این خصوصیات به برخورداری از حمایت اجتماعی بیشتر ، خشنودی و سازگاری انجامیده است ..

اما در نهایت این دیدگاه ، نتایج مربوط به رابطه ی بین برونگرایی و خشنودی و سازگاری زناشویی را نا پایدار ذکر می کنند ؛ برخی از محققان مانند کاستا و مک گری ( ۱۹۸۰ ) برونگرایی و روان آزردهگی را به طور مستقیم مسئول پیش بینی کلی سازگاری و خشنودی از زندگی ندانسته اند .

در مجموع در سطح رابطه ی برونگرایی و خشنودی و سازگاری زناشویی نتایج یکسان به دست نیامده است ؛ برخی مانند ریکموند ، کریج ( ۱۹۹۶ ) رابطه ی مثبت ؛ بنتلر، نیو کامپ ( ۱۹۷۸ ) و گیلبرگ ( ۱۹۹۶ ) رابطه ی منفی و راسل و ولز ( ۱۹۹۴ ) عدم وجود ارتباط را مشخص کردند ؛ از این رو با توجه به تأیید رابطه معنادار بین این عامل و رضایت و سازگاری زناشویی ، تفاوت در این نتایج را احتمالاً "بتوان به اختلافات فرهنگی ، نمونه های مورد مطالعه و طرح پژوهش ، روش طولی یا عرضی مرتبط دانست . در مورد فرضیه ۵ با توجه به یافته های جدول ۴-۲-۱ بین روان آزردهگی و رضایت و سازگاری زناشویی در مردان ، ضرایب همبستگی نشانگر رابطه ی منفی معنادار در سطح احتمال ( $p < 0/01$ ) بوده است :

مقایسه نتایج مربوط به این فرضیه با ادبیات پژوهشی ، هماهنگی این یافته ها را با پژوهش های انجام شده در این زمینه مشخص می کند . در مجموع روان آزردهگی معمولاً " با رضایت و سازگاری و عوامل دارای ارتباط مثبت با آن ، رابطه ی منفی داشته است و بر متغیرهای دارای ارتباط منفی با سازگاری ، مانند درماندگی ها و آشفتگی ها ، خصوصیات رفتاری و هیجانی منفی ، دوسوگرایی در اظهار هیجان و پرخاشگری تمرکز دارد . به استناد نظر مک گری ، افراد روان آزرده برای تجربه درماندگی ها و هیجانات آشفته و منفی مانند احساس ناکامی ، ترس و گناه و ناپایداری در مهار هیجانات ، دارای

آمادگی بیشتری هستند و این ترکیب روانی است که بر سازگاری درونی و بین فردی آنان اثر منفی می گذارد. از این رو، در بیشتر سنجش های سازگاری و سلامت روانی این عامل باید شاخص مورد بررسی باشد.

در سطح بررسی های انجام شده درباره رابطه روان آزرده با سازگاری زناشویی مشخص شد که میزان روان آزرده همسران مطلقه یا دارای مشکل شدید در زندگی زناشویی، در قبل و بعد از ازدواج بیشتر بوده است؛ به عبارت دیگر، در این مطالعات طولی، اهمیت تأثیر منفی روان آزرده (برگس و والین، ۱۹۵۳) و روان آزرده و مهار بر انگیختگی (کلی، ۱۹۸۷)، بر سازگاری زناشویی مورد تأیید قرار گرفته؛ به علاوه، این رابطه همواره در تحقیقات مختلف انجام شده توسط باس (۱۹۹۱)، گیلدبرگ (۱۹۹۶) و کرک (۱۹۹۷) مشاهده شده است. همچنین بر اساس نظر هولمز و گریفین (۱۹۹۶) رابطه ی منفی روان آزرده با سازگاری زناشویی را علاوه بر داشتن عواطف منفی، می توان به ضعف افراد روان آزرده در آرمانی دیدن همسرشان مربوط دانست.

در مورد فرضیه ۶ با توجه به جدول ۴-۴-۱، رابطه ی بین عامل شخصیتی با وجدان بودن با رضایت زناشویی در زنان رابطه ی منفی و ضعیفی دارد و همچنین با وجدان بودن با سازگاری زناشویی رابطه ی مثبت ولی بسیار ضعیفی را نشان می دهد.

در خصوص فرضیه ۷ با توجه به جدول ۴-۴-۱ رابطه ی بین عامل توافق و رضایت و سازگاری زناشویی در زنان، نشانگر رابطه ی منفی و ضعیفی در سطح احتمال ( $p < 0.01$ ) بوده است. این یافته ی پژوهشی با پیشینه ی پژوهش های قبلی هماهنگی ندارد.

در مورد فرضیه ۸ با توجه به یافته های جدول ۴-۴-۱ بین عامل گشودگی و رضایت و سازگاری زناشویی در زنان، نشان دهنده رابطه ی منفی و معنادار می باشد. این یافته نیز با پیشینه های قبلی هماهنگی ندارد.

در مورد فرضیه ۹ با توجه به یافته های جدول ۴-۴-۱ ضریب همبستگی بین برونگرایی و رضایت زناشویی در زنان در سطح احتمال ( $p < 0.01$ ) رابطه ی مثبت و معنادار را نشان می دهد، که با تحقیقات قبلی انجام شده هماهنگی دارد. ولی عامل برونگرایی یا سازگاری زناشویی رابطه ای را نشان نمی دهد که با یافته های پیشین هماهنگی ندارد.

در مورد فرضیه ۱۰ با توجه به یافته های جدول ۴-۴-۱ ضرایب همبستگی بین روان آزرده و رضایت و سازگاری زناشویی در زنان رابطه ی معناداری وجود ندارد، این یافته نیز با یافته های قبلی همخوانی ندارد.



نتایج بدست آمده از گروه زنان که غیر از رابطه ی عامل برونگرایی با رضایت زناشویی که مثبت و معنادار است و با مطالعات قبلی هماهنگی دارد ، بقیه ی نتایج بدست آمده یا تحقیقات پیشین متفاوت می باشد .

در تفسیر نتایج بدست آمده از تحقیق حاضر و وجود تناقض در یافته ها در دو جنس زن و مرد به نظر می رسد عوامل فرهنگی نقش عمده ای داشته باشند . به این ترتیب که با افزایش سطح تحصیلات در زنان احساس توانمندی و هشیاری و همچنین نیاز بیشتر برای موفقیت ( که از مؤلفه های عامل با وجدان بودن هستند ) در آن ها فزونی می گیرد ، ولی تمرکز این نیاز برای موفقیت بیشتر در جهت موفقیت های شغلی و تحصیلی و اجتماعی سوق داده می شود تا روابط زناشویی که این موضوع می تواند موجب رضایت و سازگاری کمتری شود .

از سوی دیگر معمولاً " زنان با تحصیلات بالاتر نمره ی بیشتری در عامل گشودگی بدست می آورند یعنی عناصری مانند هوش ، فرهنگ ، علائق وسیع ، گستردگی شناخت و مقاوم نبودن در برابر اندیشه ها و باور های جدید که این موضوع با فرهنگ سنتی ما همخوانی ندارد و می تواند موجبات مشکلات عدیده ای در زندگی زناشویی و در نهایت عدم رضایت و سازگاری زناشویی را در زنان به وجود آورد . البته برای رسیدن به نتایج قطعی و مطمئن باید تحقیقات وسیعتری در بین اقشار مختلف گروه زنان با تحصیلات بالا ، تحصیلات پایین و غیر تحصیل کرده انجام گیرد .

#### ۲-۵- پیشنهاد ها

- ۱- اجرای این پژوهش در نمونه غیر دانشگاهی و شرایط مختلف آزمودنی ها می تواند امکان تعمیم پذیری نتایج در سطح وسیعتر را فراهم سازد .
  - ۲- استفاده از روش طولی با طرح های آزمایشی برای انجام پژوهش های آینده می تواند به استحکام نتایج بدست آمده کمک کند .
  - ۳- با توجه به نتایج تحقیق فعلی و تحقیقات قبلی که ذکر آن در سابقه پژوهش آمد ، جهت تأمین و حفظ سلامت خانواده و در نتیجه جامعه پیشنهادات ذیل طرح می گردد
- الف - بررسی وضعیت روانی و شخصیت افراد قبل از ازدواج و ایجاد شرایط روانی لازم برای ازدواج سالم .
- ب - ارائه آموزش های مختلف در مورد چگونگی همسرگزینی صحیح و شیوه های برقراری و حفظ روابط صمیمی و سالم .



- ج - ارائه خدمات زوج درمانی و خانواده درمانی و مشاوره خانوادگی و جلوگیری از به خطر افتادن سلامت و بهداشت روانی زوج ها و فرزندان آنان .
- ۴- ایجاد تسهیلات پژوهشی با برخورداری از امکانات قانونی و مالی و پذیرش اجتماعی کافی جهت شناسایی ، تشخیص و درمان ریشه ای ابعاد وسیع این پدیده .
- ۳-۵ - محدودیت های پژوهش
- ۱- نتایج این پژوهش در حد گروه نمونه افراد دانشگاهی اعتبار دارد و از کم و کیف نتایج در مورد گروه های دیگر داده هایی در دست نیست ، همچنین روشن نیست که با تغییر ویژگی های نمونه نتایج تغییر پذیر نباشند .
- ۲- با توجه به این که روش مطالعه مقطعی است ، بررسی دقیق تر رابطه ی بین عوامل شخصیت با رضایت و سازگاری زناشویی مانند روش طولی امکان پذیر نمی باشد .
- ۳- در این پژوهش برای سنجش شخصیت افراد تنها از پرسشنامه استفاده شده است . برای سنجش دقیق تر شخصیت می توان از روش ها و ابزارهای بیشتری استفاده کرد تا نتایج دقیق تری حاصل شود .
- ۴- پرسشنامه ۵ عاملی شخصیت کاستا مک گری در کشور ما هنجار یابی نشده است .

**Relation between personality characteristics  
with marital adjustment and satisfaction in Azad university  
students.**

**Written by : Laleh Sahrai Gharadaghzadeh**

For Studing relation between personality characterstics with marital satisfaction and adjustment, 110 scholars from Ph.D and Ms section of Azad university (Science and research unit), 55 men and 55 women selected with randoming method.

In this study three scales were used, Inrich marital satisfactory scale, Harman sing adjustment Questionarie and the new Five factors Questionarie of Macgary and Costa.

For studing relation between five personality characteristics. Consientiousness, Agreeableness, Openness, Extraversion and Neuroticism with marital satisfaction and adjustment, Pearson correlation coefficient was used.

The results obtained showed that between five personality characterstics in men with marital satisfaction and adjustment in ( $P < 0.01$ ) meaningful relation was found, that in the first four characterstics the relation was positive and in the last characteristic (neuroticism) the relation was negative.

In group of women between conscientiousness with marital satisfaction and adjustment weak and negative relation was found. ( $P < 0.01$ )

Relation between conscientiousness with marital adjustment was weak and positive.

Between agreeableness and marital satisfaction and adjustment in ( $P < 0.01$ ) weak and negative relation was found.

Between openness with marital satisfaction and adjustment in ( $P < 0.01$ ) negative relation was seen.

Relation between extraversion with marital satisfaction was strong and positive.

Between extraversion with marital adjustment no meaningful relation was found.

Between neuroticism with marital satisfaction and adjustment no meaningful relation was seen.

ازدواج یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین بخش زندگی هر فرد را تشکیل می‌دهد و نیاز به پژوهش‌های فراوانی را می‌طلبد.

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهشی در مورد سطح رضامندی و سازگاری در زندگی زناشویی انجام داده‌ایم.

از همکاری صمیمانه شما برای به اجرا در آمدن این پژوهش کمال سپاسگزاری را داریم. لازم به ذکر است برای محرمانه ماندن اطلاعات شما عزیزان نیازی به نام و مشخصات نیست، لذا تقاضا می‌شود با امنیت خاطر، کمال دقت و صداقت به سئوالات این پرسشنامه‌ها پاسخ دهید.

		جنس	
<input type="radio"/>	مرد	<input type="radio"/>	زن
مدت ازدواج		سن	
<input type="radio"/>	زیر ۵ سال	<input type="radio"/>	۲۰-۲۵
<input type="radio"/>	۵ تا ۱۰ سال	<input type="radio"/>	۲۵-۳۰
<input type="radio"/>	۱۰ تا ۱۵ سال	<input type="radio"/>	۳۰-۳۵
<input type="radio"/>	۱۵ تا ۲۰ سال	<input type="radio"/>	۳۵-۴۰
<input type="radio"/>	۲۰ تا ۲۵ سال	<input type="radio"/>	۴۰-۴۵
<input type="radio"/>	۲۵ تا ۳۰ سال	<input type="radio"/>	۴۵-۵۰



## پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی "NEO"

- ۱- من آدم نگرانی نیستم.
- ۲- من دوست دارم همیشه افراد زیادی دور و برم باشند.
- ۳- من دوست ندارم وقتم را با خیالبافی تلف کنم.
- ۴- من سعی می‌کنم با همه افرادی که ملاقات می‌کنم، رفتاری مؤدب و با نزاکت داشته باشم.
- ۵- من اشیاء متعلق به خود را پاکیزه و تمیز نگه می‌دارم.
- ۶- من اغلب نسبت به دیگران احساس حقارت می‌کنم.
- ۷- من زود خنده‌ام می‌گیرد.
- ۸- وقتی که روش صحیح انجام کاری را یافتنم به همان روش می‌چسبم و ادامه می‌دهم.
- ۹- من اغلب با اعضای خانواده و همکارانم بگو مگو دارم.
- ۱۰- من به خوبی می‌توانم وقت و فعالیت خود را طوری تنظیم کنم که کارهای محوله به موقع تمام شود.
- ۱۱- وقتی که تحت فشار و استرس زیادی هستم بعضی مواقع احساس می‌کنم که دارم از هم می‌پاشم.
- ۱۲- من خود را آدم خیلی شنگول و سرزنده‌ای نمی‌دانم.
- ۱۳- نظم و ترتیب خاصی که در هنر و طبیعت می‌بینم برای من بسیار جالب و شوق‌انگیز است.
- ۱۴- بعضی از مردم مرا آدمی خودخواه و خودمحور می‌دانند.
- ۱۵- من آدم بسیار منظم و با برنامه‌ای نیستم.

- ۱۶- من به ندرت احساس تنهایی و غمگینی می‌کنم.
- ۱۷- من واقعاً از صحبت کردن با دیگران لذت می‌برم.
- ۱۸- من معتقدم اگر به دانشجویان اجازه داده شود که به سخنرانان بحث‌انگیز و متناقض گوش کنند فقط باعث سردرگمی و انحراف بیشتر آنها خواهد بود.
- ۱۹- من ترجیح می‌دهم با دیگران همکاری کنم تا با آنها به رقابت پردازم.
- ۲۰- من سعی می‌کنم تا وظایف محوله به خود را با صداقت و درستی انجام دهم.
- ۲۱- من اغلب دچار تنش بوده و عصبی هستم.
- ۲۲- من ترجیح می‌دهم در جاهایی باشم که کانون فعالیت و عمل است.
- ۲۳- شعر تأثیر چندانی روی من ندارد.
- ۲۴- من معمولاً در مورد قصد و نیت دیگران بدبین و بدگمان هستم.
- ۲۵- من دارای اهداف روشن و مشخصی هستم و برای دستیابی به آنها طبق برنامه منظمی عمل می‌کنم.
- ۲۶- من بعضی وقتها کاملاً احساس بی‌ارزشی می‌کنم.
- ۲۷- من معمولاً ترجیح می‌دهم کارها را به تنهایی انجام دهم.
- ۲۸- من اغلب غذاهای جدید و نا آشنا را امتحان می‌کنم.
- ۲۹- من عقیده دارم که اکثر مردم، اگر به آنها اجازه داده شود، از آدم سوء استفاده خواهند کرد.
- ۳۰- من قبل از شروع به هر کاری مقدار زیادی وقت تلف می‌کنم.



- ۳۱- من به ندرت احساس ترس و اضطراب می‌کنم.
- ۳۲- من اغلب احساس می‌کنم که سرشار از نیرو و انرژی هستم.
- ۳۳- من بندرت متوجه خلق و عواطفی که محیطهای مختلف به وجود می‌آورند، می‌شوم.
- ۳۴- بیشتر مردمی که می‌شناسم مرا دوست دارند.
- ۳۵- من برای دستیابی به اهداف خود سخت تلاش می‌کنم.
- ۳۶- من اغلب از نحوه برخورد دیگران با خودم عصبانی می‌شوم.
- ۳۷- من آدم خوش‌مشرب، شاد و با روحیه‌ای هستم.
- ۳۸- من معتقدم که برای اخذ تصمیم درباره موضوعات اخلاقی ما باید از رهبران مذهبی خود کسب تکلیف و تقلید کنیم.
- ۳۹- بعضی افراد فکر می‌کنند من آدم فاقد احساسات و حسابگری هستم.
- ۴۰- همیشه وقتی قول انجام کاری را بدهم، مردم می‌توانند به انجام آن کار اطمینان کنند.
- ۴۱- بیشتر مواقع که کارها طبق نقشه پیش نمی‌رود یا اشتباه از آب در می‌آیند، احساس دلسردی می‌کنم و می‌خواهم آنها را ناتمام رها کنم.
- ۴۲- من آدم خوشحال و امیدواری نیستم.
- ۴۳- بعضی مواقع که شعری را می‌خوانم یا به یک اثر هنری نگاه می‌کنم، موجی از احساس افسردگی یا هیجان مرا در بر می‌گیرد.
- ۴۴- من از لحاظ نگرشهای اجتماعی آدمی سختگیر و بی‌گذشت هستم.
- ۴۵- گاهی من آنطور که باید صادق و قابل اعتماد نیستم.

۴۶- من به ندرت افسرده و یا غمگین می‌شوم.

۴۷- همه زندگی و کارهای من با سرعت انجام نمی‌گیرد.

۴۸- من علاقه‌ای به تأمل و تفکر جدی درباره سرنوشت جهان یا انسان ندارم.

۴۹- من غالباً سعی می‌کنم نسبت به افکار و احساسات دیگران آگاهی و احترام نشان دهم.

۵۰- من آدم سازنده و مولدی هستم که همیشه مسئولیتهای خود را به انجام می‌رساند.

۵۱- من اغلب احساس درماندگی و ناتوانی می‌کنم و میل دارم شخص دیگری مسائلم را حل

کند.

۵۲- من شخص بسیار فعالی هستم.

۵۳- من کنجکاوی فکری بسیار زیادی دارم.

۵۴- من اگر اشخاص را دوست نداشته باشم، آنها را از آنها مخفی نمی‌کنم.

۵۵- به نظر نمی‌رسد هرگز بتوانم کارهای خود را نظم و ترتیب دهم.

۵۶- بعضی وقتها من طوری احساس خجالت کرده‌ام که دلم می‌خواست خود را از دیگران

مخفی کنم.

۵۷- من ترجیح می‌دهم دنبال کارهای خود را بگیرم، تا اینکه رهبر دیگران باشم.

۵۸- من اغلب از بازی کردن با نظریه‌ها و افکار انتزاعی لذت می‌برم.

۵۹- اگر نیاز باشد، من حاضر از افراد دیگر برای رسیدن به مقاصد خود سوء استفاده کنم.

۶۰- من سعی می‌کنم همه کارهای خود را به بهترین نحو انجام دهم.

## پرسشنامه رضایت زناشویی ENRICH

این پرسشنامه شامل جملاتی درباره جنبه های مختلف زندگی شماست که ممکن است با آن موافق یا مخالف باشید. هر جمله را با دقت بخوانید و سپس میزان موافقت یا مخالفت خود را با علامت (x) مشخص کنید. توجه داشته باشید جواب صحیح یا غلط وجود ندارد. سعی نمایید حتی الامکان از پاسخ به مورد "نه موافق و نه مخالف" خودداری کنید. فقط وقتی این مورد را علامت بزنید که در موافق یا مخالف بودن خود نسبت به یک جمله کاملاً "شک و تردید داشته باشید".

کاملاً موافقم	مخالفم	نه موافق نه مخالف	موافقم	کاملاً موافقم	جملات
					۱- من و همسرم یکدیگر را کاملاً "درک می کنیم".
					۲- همسرم خلق و خوی مرا کاملاً "درک می کند و با آن سازگاری دارد".
					۳- هرگز حتی برای یک لحظه از رابطه با همسرم تأسف نخورده ام.
					۴- از ویژگیهای شخصیتی و عادات شخصی همسرم راضی نیستم.
					۵- از اینکه در زندگی مشترکمان مسئولیتهای خود را خوب ایفا می کنیم، خوشحالیم.
					۶- روابطم با همسرم رضایت بخش نیست و احساس می کنم وی مرا درک نمی کند.
					۷- از نحوه تصمیم گیریها در مورد چگونگی حل و فصل اختلافان بسیار خشنود هستم.
					۸- از وضعیت اقتصادی خانواده و نیز شیوه تصمیم گیریهای مربوط به آن راضی نیستم.
					۹- از نحوه برنامه ریزی برای اوقات فراغت و نیز صرف اوقات در کنار همسرم بسیار خشنود هستم.
					۱۰- از نحوه ابراز عشق و احساسات و نیز رابطه جنسی با همسرم بسیار خشنود هستم.
					۱۱- از نحوه ایفای نقش و مسئولیت خود و همسرم به عنوان "والدین" راضی نیستم.
					۱۲- گاهی اوقات همسرم قابل اطمینان نیست و همیشه خط مشی خود را دنبال می کند.
					۱۳- همسرم گاهی اوقات حرفهایی می زند که باعث تحقیر می شود.
					۱۴- هنگام در میان گذاشتن مشکلات با همسرم معمولاً "فکر می کنم که او مرا درک نمی کند".
					۱۵- در تصمیم گیریهای مالی مشکل داریم.
					۱۶- از اینکه نمی توانم بدون اجازه همسرم پول خرج کنم باعث آزارم است.
					۱۷- تا زمانیکه همسرم در کنارم نباشد به من خوش نمی گذرد.
					۱۸- از اینکه همسرم نزدیکی را بصورت غیرمنصفانه قبول یا رد کند ناراحت می شوم.
					۱۹- اختلاف نظر راجع به اینکه تا چه اندازه باید به فرزندانمان برسیم برای ما بصورت مشکلی درآمده است.
					۲۰- من احساس می کنم والدینمان مشکلاتی را در زندگی زناشویی ما بوجود می آورند.
					۲۱- من و همسرم در اینکه چگونه به اعتقادات مذهبی مان عمل کنیم اختلاف نظر داریم.



کاملاً مخالفم	مخالقم	نه موافق نه مخالف	موافقم	کاملاً موافقم	جملات
					۲۲- گاهی اوقات همسرم خیلی کله شق است.
					۲۳- گاهی اوقات می ترسم نیاز خود را از همسرم درخواست کنم.
					۲۴- گاهی اوقات درباره مسائل جزئی، جرو بحثهای جدی داریم.
					۲۵- از نحوه تصمیم گیری راجع به میزان پس اندازمان بسیار راضی هستم.
					۲۶- به نظر می رسد من و همسرم به مهمانیها و فعالیتهای اجتماعی یکسانی علاقمند باشیم.
					۲۷- از میزان ابراز عشق و محبت (پیش از نزدیکی) از سوی همسرم راضی هستم.
					۲۸- من و همسرم در چگونگی کنترل رفتار فرزندانمان توافق داریم.
					۲۹- ما بقدر کافی با اقوام و دوستانمان وقت صرف می کنیم.
					۳۰- من معتقدم که در زندگی زناشویمان دچار اختلاف عقیدتی هستیم.
					۳۱- دیر آمدن همسرم به منزل مرا آزار می دهد.
					۳۲- ای کاش همسرم بیشتر مایل بود مرا شریک احساساتش کند.
					۳۳- برای اجتناب از درگیری همسرم دست به هر کاری می زنم.
					۳۴- من و همسرم هر دو از بدی های اصلی مطلعیم و در نتیجه آنها برای ما مشکل جدی بشمار نمی آیند.
					۳۵- تصور نمی کنم همسرم برای تفریح و گذراندن اوقات بیکاریش همراه من فرصت یا توان کافی داشته باشد.
					۳۶- ما به دنبال یافتن راههایی هستیم تا از طریق آن بتوانیم روابط جنسیمان را جالبتر و لذت بخش تر سازیم.
					۳۷- به نظر می رسد که بچه ها علت اصلی ایجاد مشکلات در روابط ما هستند.
					۳۸- از اینکه وقتم را با بعضی از بستگان همسرم صرف کنیم، لذت نمی برم.
					۳۹- من و همسرم درباره بعضی از آموخته های مذهبی من توافق نداریم.
					۴۰- گاهی اوقات همسرم خیلی مستبد است.
					۴۱- گاهی اوقات باور کردن تمام حرفهای همسرم برایم مشکل است.
					۴۲- گاهی اوقات فکر می کنم کشمکش های بین من و همسرم همچنان ادامه دارد و پایان نخواهد یافت.
					۴۳- از اینکه همسرم علائق و سرگرمیهای شخصی کافی ندارد، نگران هستم.
					۴۴- هنگام صحبت راجع به مسائل جنسی با همسرم کاملاً احساس راحتی می کنم.
					۴۵- از زمانی که صاحب فرزند شده ایم بعنوان یک زوج برای با هم بودن بندرت فرصت کافی داریم.
					۴۶- همسرم زیادی وقتش را با دوستان و اقوامش می گذراند.
					۴۷- من و همسرم بخاطر اعتقادات مذهبی مان احساس محدودیت می کنیم.

## پرسشنامه سازگاری زناشوئی (فرم ب) فقط برای زنان

۱- آیا به شوهرتان در امور تجاری آزادی کافی می دهید و از انتقاد از همکاران، دوستان و ساعاتی که با آنها صرف میکنند، خودداری می کنید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۲- آیا حداکثر کوشش تان را می کنید که خانه جالب و جاذب باشد؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۳- آیا سعی می کنید برنامه غذایی روزانه طوری باشد که شوهرتان هرگز قبل از آمدن به سر سفره نتواند حدس بزند؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۴- آیا درک معقولی از کار خود دارید و می توانید درباره آن با شوهرتان گفتگو کنید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۵- آیا از برخورد با شوهرتان برسر مشکلات مالی خانواده اجتناب می کنید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۶- آیا از آمدن پدر و مادر و منسوبان شوهر به منزلتان ناراحت می شوید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۷- آیا در لباس پوشیدن به رنگ و مدلی که شوهرتان دوست دارد یا ندارد توجه نمی کنید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۸- آیا دلواپس نظرات شوهرتان راجع به موضوعات مشترک مورد علاقه تان هستید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۹- آیا به علائق شوهرتان اهمیت نمی دهید، بطوری که مانع اوقات فراغت او می شوید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۱۰- آیا محافظه کار هستید و راجع به اخبار روز بحث نمی کنید، در نتیجه در علائق روشنفکری شوهرتان

مفید واقع نمی شوید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

## پرسشنامه سازگاری زناشویی (فرم الف) فقط برای شوهران

۱- آیا هنوز هم به مناسبت‌های خاصی در سال، مانند روز تولد، روز ازدواج و مانند آن و بنحو غیرمنتظره، برای زن‌تان هدیه می‌خرید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۲- آیا دوست دارید در حضور دیگران از زن خود انتقاد کنید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۳- آیا زن‌تان را در مخارج خانه آزاد گذاشته‌اید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۴- آیا به خلق و خوی زنانه همسران بی‌توجه هستید، تاحدی که در دوره نخستگی، عصبیت، و تحریک‌پذیری هم به کمک او نمی‌روید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۵- آیا ساعات فراغت‌تان را با زن‌تان می‌گذرانید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۶- آیا آمادگی‌های زن‌تان را فقط در موارد منفی با زنان دیگر مقایسه می‌کنید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۷- آیا به زندگی عقلانی زن‌تان، دوستان او، کتابهایی که می‌خواند و نظر او درباره مسائل مدنی اهمیت کافی می‌دهید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۸- آیا زن‌تان را از رفتن به بیرون خانه و معاشرت با غریبه‌ها منع می‌کنید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۹- آیا در بعضی موارد زن‌تان را تحسین می‌کنید و به دنبال فرصتهایی می‌گردید که از او قدردانی کنید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

۱۰- آیا موقع خرید پوشاک و لوازم آرایش، جهت انتخاب به همسران کمک می‌کنید؟

بلی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر



## پرسشنامه سازگاری ازدواج (فرم الف و ب)

نام و نام خانوادگی  
تحصیلات  
شغل  
تاریخ تولد  
درآمد  
تاریخ اجرا  
شهری یا روستائی

دستور العمل برای پرکردن پرسشنامه فرم الف و ب در زیر ۱۰ سؤال داده شده است که بایستی بصورت بلی یا خیر پاسخ داده شود. پس از انتخاب بلی یا خیر علامت (✓) بزنید. دامنه تغییر مقیاس درجه بندی از ۱۰+ (حد اکثر سازگاری) تا ۱+ (حد اقل سازگاری) تغییر می کند. از موقعیت های مشکوک و مبهم بگذرید.

برای روشن شدن موضوع مثالی ذکر می شود:

آیا با همسران دعوا می کنید؟

بلی ✓ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ✓ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ خیر

چون من بعضی وقتها با زخم دعوا می کنم پس پاسخ مثبت داده ام و علامت (✓) را روی نقطه چهارم از مقیاس درجه بندی قرار می دهم.

معنی اصطلاحات:

شماره	معنی شماره
۱	حد اقل سازگاری
۲	کمی بیشتر از حد اقل
۳	تا حدی سازگاری
۴	تقریباً سازگاری
۵	سازگاری در حد متوسط
۶	کمی بیشتر از متوسط
۷	سازگاری آشکار
۸	سازگاری آشکارتر
۹	سازگاری معنا دار
۱۰	حد اکثر سازگاری

جدول نمره گذاری:

شماره سؤال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	کل
نمره											